



دین و بین الملل

رصد ماهانه | شماره یازدهم
فروردین ماه ۱۴۰۱



دولت-ملت‌ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جداکنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفرط حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به‌عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود» جمعی «شان» بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت بازشناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت امت‌های دینی به‌دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین‌بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف‌نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین و بین الملل



شماره یازدهم

فروردین ۱۴۰۱



ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سرمدیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
بخش اول: اخبار.....	۹
جهان اسلام.....	۱۰
اردوغان از ترک‌ها و مسلمانان اروپا می‌خواهد که در راه خدا بسیج شوند و پشت سر یک ملت، یک پرچم، یک دولت جمع شوند.....	۱۰
آزادی روحانی برجسته شیعه از زندان سعودی‌ها.....	۱۵
عربستان پخش نماز در رسانه‌ها و جمع‌آوری کمک‌های مالی در مساجد را ممنوع کرد.....	۱۶
لغو تعطیلی ۱۴ ساله مدارس و دانشگاه‌های عربستان در ماه رمضان.....	۱۷
پادشاه بحرین در دیدار هیئت صهیونیستی: «ما همه فرزندان ابراهیم هستیم... دین شما فوق‌العاده است».....	۱۹
نخستین محله یهودی‌نشین امارات احداث خواهد شد.....	۲۱
طالبان به سرعت به سوی الگوی حکومتی دولت اول خود حرکت می‌کند.....	۲۳
شبکه تحلیل‌گران افغانستان: برخی رهبران طالبان دختران خود را برای تحصیل به خارج می‌فرستند.....	۲۶
تلویزیون شیعی تمدن در افغانستان از پخش سریال‌های اسلامی منع شد... ..	۲۸

- ۳۱..... احمد مسعود پایان جنگ با طالبان را اعلام کرد
- ۳۲..... نشر ویدیوی تازه از رهبر القاعده، شایعات مرگ او را نفی می‌کند
- ۳۳..... اتحادیه جهانی علمای مسلمان: تروریسم بین سنی و شیعه فرقی نمی‌گذارد
- ۳۵..... غرب
- ۳۵..... کشف نرم‌افزارهای جاسوسی پنهان در برنامه‌های نماز مسلمانان
- پس از مخالفت فرانسه با کاریکاتور طنز، روسیه کاریکاتورهای «شارلی ابدو»
- ۳۷..... را به یاد فرانسه می‌اندازد
- دانمارک پناهجویان اوکراینی را از قانون جنجالی مصادره «جواهرات» استثنا
- ۳۹..... کرد!
- ۴۲..... سایر ادیان
- ۴۲..... اصلاحات غیرمنتظره در واتیکان به نفع زنان و غیرروحانیان
- ۴۶..... بوسه پاپ بر پای زندانیان ایتالیایی
- ۴۷..... پاپ فرانسیس از بومیان کانادا عذرخواهی کرد
- ۴۹..... پاپ فرانسیس ژوئن آینده به لبنان سفر خواهد کرد
- گفتگوی ویدیویی پاتریارک کریل و پاپ فرانسیس پیرامون جنگ
- ۵۱..... اوکراین
- ۵۴..... رایزنی سفیر ایران با رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه
- ۵۶..... روحانیت ارتدوکس آمستردام از پاتریارک مسکو جدا شد

- عالم برجسته یهودی در یکی از بزرگ‌ترین تجمعات تاریخ اسرائیل به خاک
سپرده شد ۵۸
- یهودیان می‌گویند دائمی کردن ساعات تابستانی نماز صبح را تهدید می‌کند ۶۱
- انتخابات فرانسه؛ حمایت دو انجمن مهم یهودیان از ماکرون به دلیل ترس از
ممنوعیت ذبح شرعی ۶۳
- اخبار کوتاه** ۶۶
- بخش دوم: روندها** ۷۰
- ماه رمضان و مقاومت فلسطین** ۷۱
- «عید پسخ»، بشکه باروت قدس اشغالی ۷۱
- فلسطینی‌ها مقبره یوسف در نابلس را تخریب کردند ۷۷
- اعتراض کاربران فضای مجازی به استقبال از سلبریتی ترک توسط
فلسطینی‌ها ۷۹
- آتش‌سوزی مهیب در پروژه بزرگ در دست ساخت فرقه بهائیت در
سرزمین‌های اشغالی فلسطین ۸۳
- اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی** ۸۵
- فیلم «پرونده‌های کشمیر»؛ مودی از آن تمجید می‌کند و منتقدان می‌گویند به
نسل‌کشی مسلمانان در هند دامن خواهد زد ۸۵
- دادگاه عالی کارناتاکا در هند ممنوعیت حجاب در مدارس را تأیید کرد. ۸۹

- هندوها پخش صدای اذان از مساجد را در ماه رمضان متوقف می‌کنند ... ۹۱
- دادگاه هند مؤسسه ذاکر نایک را به مدت ۵ سال غیر قانونی اعلام کرد. ۹۳
- مرجعیت دینی در صحنه سیاسی عراق** ۹۷
- نماینده آیت الله سیستانی دلیل تعلیق خطبه مرجعیت را بیان کرد..... ۹۷
- اعتراضات و واکنش‌ها به اهانت علیه مرجعیت در عراق ۱۰۰
- جریان «الصرخیه» و واکنش‌ها نسبت به تخریب مراقد اهل‌بیت ۱۰۴
- صعود راست‌گرایی در غرب** ۱۰۹
- لوپن با شعار مبارزه با «اسلام رادیکال» به دور دوم انتخابات فرانسه راه یافت
- ۱۰۹
- رقیب بالقوه ترامپ قانون «نگو همجنس‌گرا» در فلوریدا را امضاء کرد ۱۱۱.
- تشدید روزافزون اختلافات فرهنگی راست‌گراها و لیبرال‌ها در آمریکا ۱۱۳.
- دین دولتی** ۱۱۶
- ترکیه شیوه باستانی اقامه نماز تراویح در دوره عثمانی را احیا می‌کند ... ۱۱۶
- آذربایجان تقویم ماه رمضان خود را از ایران به ترکیه تغییر داد..... ۱۱۸
- وزیر اوقاف مصر: «فرزندآوری زیاد باعث افزایش طلاق می‌شود»!..... ۱۱۹
- بخش سوم: تحلیل‌ها** ۱۲۲
- شیعیان عربستان و اعدام دهها زندانی؛ از سکوت تا انفعال ۱۲۳

- تفرقه و دوگانه‌سازی؛ الگوی جدید مواجهه حکومت سعودی با شیعیان
عربستان ۱۲۹
- مرکز تبلیغی عربستان؛ ابزار تازه برای سازش با صهیونیست‌ها ۱۳۲
- پرونده‌های کشمیر؛ از اسلام‌هراسی تا ایران‌هراسی ۱۳۵
- مرجعیت دینی در الجزایر؛ از تصوف تا وهابی‌گری ۱۳۸
- فارین پالیسی: اسلام‌گرایان در خاورمیانه آماده بازگشت هستند ۱۴۴
- کارشناس نظامی روس، جهان اسلام را شریک جدید روسیه خواند ۱۴۶
- دیکتاتوری دیجیتال فیسبوک درباره فلسطین ۱۴۸
- ترس در کره جنوبی از گسترش اسلام و مساجد ۱۵۱
- آیا جنگ اوکراین باعث بهار عربی دوم خواهد شد؟ ۱۵۴
- مسیحیت انجیلی و برزیل؛ مذهبی که در تیم ملی گسترش یافته است ... ۱۵۷
- چرا نسل جدیدی از زنان کاتولیک هنگام عبادت حجاب می‌پوشند؟ ... ۱۶۴
- بخش چهارم: گزارش‌ها ۱۷۵**
- جریان‌شناسی سیاسی شیعیان خلیج فارس؛ انقلابیون، اصلاحیون و
استقرار یون ۱۷۶
- بخش پنجم: منشورات ۱۹۶**
- هیتلر و اسلام ۱۹۷

پیشگفتار

هدف‌گذاری برای هر گونه فعالیتی به ویژه فعالیت‌های دینی و فرهنگی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که به پیشرفت امور کمک می‌کند. این امر از اصلی‌ترین اقداماتی است که مسیر دستیابی به اهداف را هموارتر می‌سازد. تعیین اهداف منطقی و واقع‌بینانه و گام برداشتن در مسیر تحقق آن‌ها به ایجاد انگیزه و موفقیت پروژه کمک می‌کند.

برخی از ویژگی‌های هدف‌گذاری در فعالیت‌های دینی و فرهنگی عبارتند از:

- واضح بودن
- منطقی بودن
- مقیاس‌پذیر بودن
- قابل دستیابی بودن
- مرتبط بودن با چشم‌اندازهای بزرگ و در راستای مأموریت‌ها
- مقید بودن به زمان، ارزشمند بودن
- قابل درک بودن،
- انعطاف‌پذیر بودن
- ضرورت هدف‌گذاری در فعالیت‌های دینی و فرهنگی

- ایجاد انگیزه در کارکنان
- تمرکز بر اولویت‌ها
- بهبود تصمیم‌گیری
- تقویت همکاری تیمی
- ارزیابی موفقیت
- راهنمایی و هدایت کارکنان
- مدیریت زمان

در پیکره حوزه‌های علمیه در بعد ملی و فراملی مراکز، مؤسسات، گروه‌ها و تشکلهای دینی مشغول به فعالیت‌های دینی و فرهنگی هستند و برخی از آنها از جهت هدف‌گذاری دچار چالش و آسیب هستند و به همین علت گاهی فعالیت‌ها و تلاش‌های آنها به ثمر نمی‌رسد و گاهی بی‌هدف و بدون نشانه‌گیری و نقطه‌زنی فعالیت می‌کنند و در نتیجه تمام زحمات آنها بر باد می‌رود.

با توجه به آنچه گفته شد، هدف‌گذاری در فعالیت‌های دینی و فرهنگی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد تحرک و افزایش تمرکز فعالان به حساب می‌آید. عمل به کلیه نکات یادشده در بالا بردن بهره‌وری و افزایش رضایت‌مندی از فعالیت مؤثر دینی و فرهنگی به ویژه مراکز و مؤسسات دینی و فرهنگی خواهد بود.

سید مفید حسینی کوهساری

مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه



بخش اول: اخبار

جهان اسلام

اردوغان از ترک‌ها و مسلمانان اروپایی خواهد که در راه خدا بسیج شوند و
پشت سربلین ملت، یک پرچم، یک دولت جمع شوند



دولت ترکیه در مخالفتی آشکار با هشدارهای مکرر اروپا در مورد خطرات
تضعیف سیاست‌های ادغام و مهاجرت، تلاش می‌کند تا ترک‌ها و مسلمانان را
برای اهداف سیاسی خود بسیج کند.

در اظهاراتی تحریک‌آمیز و جنجالی که اتباع مسلمان اروپایی به ویژه
ترک‌ها را هدف قرار می‌داد، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در

نشستی با عوامل اجرایی خود از اروپا و سایر قاره‌ها همه را به اتحاد زیر یک ملت و یک پرچم فراخواند.

این نشست با اتحادیه بین‌المللی دموکرات‌ها (UID)، که گروه نیابتی دولت اردوغان در خارج از کشور است، در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ برگزار شد. اگرچه UID برای حفظ حضور بین‌المللی و با حمایت سیاسی، دیپلماتیک و مالی دولت اردوغان راه‌اندازی شد، اما تمرکز اصلی آن اروپا است، جایی که حدود ۵ میلیون ترک زندگی می‌کنند و بسیاری از آنها تابعیت کشورهای محل زندگی خود را به دست آورده‌اند.

اردوغان در این دیدار گفت: «این را بدانید: ما به یک جامعه [جهانی] تبدیل خواهیم شد که هیچ قدرتی بر آن نخواهد بود... [شعار ما] یک ملت، یک پرچم، یک میهن و یک کشور را به خاطر بسپارید.»

اردوغان با یادآوری میراث امپراتوری عثمانی که در گذشته بر بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی امروزی حکومت می‌کرد، گفت: «ستون بعدی پلی که ما از گذشته به آینده ساختیم، باید در مکان‌هایی بنا شود که ما در اروپا در آنجا زندگی می‌کنیم.»

او افزود: «هرچه این چتر را به عنوان اتحادیه بین‌المللی دموکرات‌ها گسترش دهید، حوزه فعالیت و نفوذ خود را بیشتر کنید، می‌توانید مأموریت رساندن این پیام‌ها به شهروندانمان، سازماندهی آنها و آماده‌سازی آنها برای آینده را با موفقیت بیشتری انجام دهید.»

واضح است که اردوغان ترک‌هایی را که در اروپا زندگی می‌کنند به عنوان شهروندان خود می‌بیند تا شهروندان و/یا ساکنان کشورهای که در آن زندگی می‌کنند، کار می‌کنند و بازنشسته می‌شوند. او از UID می‌خواهد که ترک‌ها را در سراسر قاره پشت سر دیدگاه اسلام‌گرایانه‌اش جمع کند.

رئیس‌جمهور ترکیه برای رفع نگرانی‌هایی که ممکن است از کار کردن برای دولت ترکیه در حالی که تابعیت یا اقامت کشور دیگری در اروپا دارند، احساس ناراحتی کنند، سعی کرد به آنها اطمینان دهد و گفت: «فراموش نکنید که ملت قوی ۸۵ میلیون نفری ترکیه پشت شما است، شما میراث بزرگی از تاریخ و تمدن پشت سر خود دارید.»

وی همچنین خاطرنشان کرد که صدها میلیون دوست و برادر مسلمان پشت سر ترک‌ها ایستاده‌اند و همه آنها متعهد به پیشبرد امر خدا و حقیقت هستند. اردوغان گفت: «وقتی ما این قدرت را به درستی بسیج کنیم، هیچ سازمانی، هیچ ساختار شیطانی‌ای، هیچ مانع پنهان یا آشکاری نمی‌تواند بر سر راه ما قرار گیرد... به خاطر داشته باشید که ترکیه دیگر ترکیه قدیمی نیست.»

اردوغان سرپوشیده به رهبران اروپایی هشدار داد که ترکیه با حمایت ترک‌ها و مسلمانان در اروپا، هرگونه طرحی را که توسط دولت‌های اروپایی طراحی شود، از مسیر خارج خواهد کرد. وی اعلام کرد: «ما با هم توطئه‌های کسانی را که سعی در ایجاد تفرقه بین مردم ما دارند، خراب می‌کنیم و با هم توطئه‌های آنها را بر سر آنها فرو می‌بریم.»

اردوغان ادامه داد: «ما همچنین اقدامات لازم را در برابر افزایش خصومت علیه اسلام و ترک‌های خارج از کشور انجام می‌دهیم.»

رئیس جمهور ترکیه در حالی که حامیان خود در اروپا را در پشت دیدگاه‌های خود متحد می‌کرد، ترک‌هایی را نیز مورد هدف قرار داد که از اهداف او حمایت نمی‌کنند و با او مشترک نیستند. وی گفت: «وقتی به افرادی که در انتخابات اروپا وارد پارلمان‌های محلی و ملی شده‌اند نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اگرچه نام آنها ترک یا مسلمان است، اما متأسفانه اکثر آنها افرادی هستند که روابط نزدیک خود را با ملت ما شکسته‌اند.»

اظهارات اردوغان به طور خاص سیاستمداران ترک و مسلمان در بسیاری از کشورهای اروپایی را هدف قرار داد که از ایدئولوژی اسلام‌گرایی سیاسی پیروی نمی‌کنند و ظاهراً منافع کشورهای را که به آنها خدمت می‌کنند بالاتر از منافع ترکیه قرار می‌دهند.

سخنرانی اردوغان در نشست UID تا به امروز تحریک‌آمیزترین سخنرانی‌ای است که آشکارا به مداخله سیاسی آشکار ترکیه در امور اروپا و استفاده از ترک‌ها و مسلمانان به عنوان برگ برنده علیه این کشورها تبدیل شده است.

در گذشته چنین مداخله‌هایی خشم رهبران اروپایی را برانگیخته بود؛ آنها به ترکیه در مورد تضعیف سیاست‌های ادغام و مهاجرت خود هشدار داده و تلاش‌های آنکارا را به عنوان عامل بی‌ثبات‌کننده بر ترک‌ها و مسلمانان در اروپا توصیف کردند.

قطعنامه پارلمان اروپا که در ۶ ژوئیه ۲۰۱۷ گزارش انتقادی ۲۰۱۶ کمیسیون درباره ترکیه را تأیید کرد که خواستار توقف مذاکرات الحاق [ترکیه به اتحادیه اروپا] بود و فعالیت‌های مخفی اردوغان در کشورهای عضو را به تصویر می‌کشید. این بیانیه تأکید می‌کرد که «دولت ترکیه باید از تلاش‌های سیستماتیک برای بسیج مهاجران ترک در کشورهای عضو برای اهداف خود خودداری کند».

سازمان UID اغلب به عنوان بازوی رئیس جمهور اردوغان در اروپا برای بسیج مهاجران ترک و مسلمان برای اهداف اسلام‌گرایان سیاسی در ترکیه توصیف می‌شود. اردوغان اکبر گذشته به اعضای UID دستور داد تا تهاجمی‌تر و فعال‌تر باشند و به آنها گفت: «دفاع نکنید. حمله کنید، دلایل ما را توضیح دهید!» او همچنین وعده داده بود که نهادهای دولتی ترکیه کمک‌های بیشتری به آنها ارائه خواهند کرد.

اردوغان از حامیان خود خواست سخت تلاش کنند تا پست‌های مهمی را در دولت‌های کشورهای میزبان خود به دست آورند و در مقابل به آنها قول حمایت سازمان‌های دولتی ترکیه را داد.

اردوغان امیدوار است با کمپین سیستماتیکی که بسیج مهاجران خارجی را هدف قرار می‌دهد به اهداف متعددی دست یابد: کسب آرا برای حزب خود در

انتخابات پیش رو، استفاده از مهاجران خارجی برای فشار به پایتخت‌های اروپایی و ترساندن مخالفان خود در داخل با دنبال کردن منتقدان خارج از کشور.^۱

آزادی روحانی برجسته شیعه از زندان سعودی‌ها



حجت الاسلام و المسلمین شیخ «کاظم العمری» چهره سرشناس شیعیان مدینه منوره و فرزند مرحوم آیت الله شیخ «محمدعلی العمری» از زندان رژیم آل سعود آزاد شد.

وی در بهمن ماه ۱۴۰۰ بازداشت شده بود؛ اما دلیل آن مشخص نشد!

شیخ کاظم العمری وکیل مراجع عظام تقلید در مدینه منوره است و فعالیت سیاسی ندارد. او در تابستان سال ۱۳۸۹ نیز به مدت ۲۰ روز از سوی نیروهای امنیتی سعودی بازداشت و به

محل نامعلومی انتقال داده شده بود. آزادی وی در آن زمان هنگامی گرفت که تعداد زیادی از چهره‌های دینی و سیاسی و نیز فعالان شیعه از شهرهای مختلف

^۱ https://nordicmonitor.com/۰۳/۲۰۲۲/erdogan_asked_european_citizens_of_turkish_origin_to_rally_behind_one_nation_one_flag_and_one_state

عربستان سعودی با مقامات و مسئولان دولتی عربستان مذاکره کرده و خواستار آزادی فوری وی شده بودند.^۱

عربستان پخش نماز در رسانه‌ها و جمع‌آوری کمک‌های مالی در مساجد را ممنوع کرد



وزارت امور اسلامی، تبلیغ و ارشاد عربستان سعودی روز چهارشنبه، ۲۳ مارس، دستورالعمل‌هایی برای مساجد در ماه مبارک رمضان تدوین و اعلام کرد. با تصمیم وزارت امور اسلامی عربستان پخش اذان و نماز تراویح از طریق مناره‌ها ممنوع و پخش صوت تنها به اذان و اقامه نمازهای پنج‌گانه محدود شد. همچنین این وزارتخانه استفاده از دوربین در مساجد را برای فیلم‌برداری از امامان جماعت و نمازگزاران در هنگام نماز ممنوع و پخش زنده نماز از طریق انواع رسانه‌ها را نیز ممنوع کرده است.

^۱ <https://fa.abna۲۴.com/story/۱۱۱۸۲۸۰>

این نهاد سعودی همچنین تأکید کرد که نباید نماز در هیچ یک از رسانه‌های این کشور پخش شود. پس از نمازهای واجب، ائمه مساجد نیز باید «کتاب‌های مفید» برای نمازگزاران قرائت کنند و به موضوعاتی بپردازند که در راستای عقاید و رفتار است و «همگرایی ملی» را تقویت کند.

این وزارتخانه در ادامه گفت که همه کارکنان مساجد در سراسر این کشور نباید برای مراسم افطار روزه‌داران، کمک مالی جمع کنند.

این نهاد سعودی در پایان تأکید کرد که نمازگزاران نباید موجب آزار و اذیت دیگران شود یا اینکه کودکان را با خود [به مساجد] بیاورند؛ زیرا ممکن است «حضور کودکان باعث آزار و اذیت نمازگزاران شود».^۱

لغو تعطیلی ۱۴ ساله مدارس و دانشگاه‌های عربستان در ماه رمضان



مدارس و دانشگاه‌های عربستان در چهارده سال اخیر در ماه مبارک رمضان تعطیل بودند اما تعطیلی آنها در ماه رمضان امسال لغو شد.

^۱ <https://www.okaz.com.sa/news/local/۲۱۰۰۷۱۶>

وزارت آموزش عربستان اعلام کرد: در اولین روز سال تحصیلی در ماه رمضان بیش از شش میلیون دانش‌آموز در تمامی مقاطع تحصیلی به صورت حضوری در مدارس، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی و مراکز علمی داخلی و خارجی این کشور حضور یافتند.

این وزارتخانه از مسئولان آموزشی در سراسر این کشور خواست اهمیت طلب علم در ماه مبارک رمضان را برای محصلان برجسته کنند.

در این بیانیه آمده است که کار مدارس بین ساعت ۹ و ۱۰ صبح آغاز می‌شود و زمان در نظر گرفته شده برای هر کلاس از ۳۵ دقیقه تجاوز نمی‌کند.

این وزارتخانه خاطرنشان کرد که به مدیران آموزش و پرورش مناطق و فرمانداری‌ها این اختیار را می‌دهد که با هماهنگی مراجع ذی‌ربط در منطقه، زمان شروع مدرسه را تعیین و روند آموزشی را در نوبت صبح و تحصیل دانش‌آموزان در نوبت عصر را به منظور حفظ کیفیت خروجی‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هماهنگ کنند.

بر اساس گزارش شبکه خبر عربستان، فعالیت مراکز آموزشی در ماه مبارک رمضان پس از ۱۴ سال از سر گرفته شد. تا پیش از این مدارس و مراکز آموزشی عربستان سعودی در ماه مبارک رمضان به دلیل رعایت حال دانشجویان و دانش‌آموزان روزه‌دار تعطیل بود.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۴۶۶۳۴>

پادشاه بحرین در دیدار هیئت صهیونیستی: «ما همه فرزندان ابراهیم هستیم... دین شما فوق‌العاده است»



روزنامه اسرائیلی یدیعت آحارونوت در گزارشی نوشت حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین از هیئتی از رژیم صهیونیستی در کاخ خود در منامه پذیرایی کرده و هدیه مجسمه کبوتر صلح را از آنها پذیرفت.

پادشاه بحرین در دیدار با اوریل پرل و جوی مالکا روتنبرگ، از اعضای دیپارتمان بازرگانی توافق‌نامه‌های ابراهیمی، روند صلح بین دو کشور را ستود و گفت صلح با اسرائیل بیان رسمی یک مشارکت سیاسی بلندمدت است.

پادشاه در مورد جمعیت محلی یهودیان بحرین گفت: «پدرم در سال ۱۹۵۶ در جریان جنگ سوئز از یهودیان محافظت کرده و او محل امنی را تحت نظارت خود به یهودیان محلی داد.»

پادشاه بحرین افزود: «روابط ما با یهودیان همیشه گرم بوده است و ما در ورزشگاهی حدود ۳۰۰۰ نفر از همه مذاهب را به مناسبت ماه مبارک رمضان دعوت کرده و دعای مشترک برگزار می‌کنیم، چرا که ما همه فرزندان ملت هستیم و ما نمی‌توانیم با قدیمی‌ترین دین دنیا مخالف باشیم، دین شما فوق‌العاده است. شما فقط می‌توانید مخالف رفتار برخی افراد خاص باشید، اما نه مخالف مذهب. ما همه فرزندان ابراهیم هستیم.»

پادشاه بحرین افزود: «من دوباره از اسرائیل دیدن خواهم کرد.»
بر اساس نظرسنجی شبکه خبری ILTV اسرائیل، اگرچه تنها کمتر از ۲۰ درصد بحرینی‌ها از عادی‌سازی روابط با اسرائیل حمایت می‌کنند، اما از سپتامبر ۲۰۲۰، دولت بحرین مراحل عادی‌سازی روابط سیاسی، دیپلماتیک، تجاری و فرهنگی خود با اسرائیل را آغاز کرده است.^۱

^۱ <https://mubasher.aljazeera.net/news/۱/۴/۲۰۲۲> جمیعنا أبناء ابراهیم - ملک البحرين

نخستین محله یهودی نشین امارات احداث خواهد شد



خاخام ارشد شورای یهودیان امارات متحده عربی از طرح ابوظبی برای احداث نخستین محله یهودی نشین در این کشور خبر داد.

روزنامه جروزالم پست روز جمعه ۲۶ فروردین در گزارشی به نقل از دکتر ایلی عبادی گفت که در حال حاضر نزدیک به ۲ هزار یهودی ساکن امارات هستند که حدود ۵۰۰ نفر از آنان مناسک و آیین‌های یهودیت را فعالانه اجرا می‌کنند. به عبارت دیگر، از زمان امضای توافق‌های ابراهیم میان اسرائیل، امارات، و بحرین در سال ۱۳۹۹، تعداد یهودیان ساکن امارات دو برابر شده است.

در همین مدت، بیش از ۲۰۰ هزار یهودی به عنوان گردشگر از امارات بازدید کرده‌اند و خاخام ایلی عبادی معتقد است این میزان طی پنج سال آینده چهار برابر خواهد شد.

به گفته وی، داشتن یک محله یهودی‌نشین به‌ویژه در روز شبات - شنبه؛ زمانی که یهودیان به جز در موارد اضطراری رانندگی نمی‌کنند - حائز اهمیت فراوانی است.

او ابراز امیدواری کرده است که در این محله کنیسه، خانه‌های شخصی، آپارتمان‌های مسکونی، هتل و مراکز خرید احداث شوند.

بنا به تخمین این خاخام، حدود هزار یهودی در عربستان سعودی و تعداد کمتری در بحرین، کویت، قطر، و عمان زندگی می‌کنند.

خاخام ایلی عبادی ضمن ابراز امیدواری نسبت به پیوستن دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به توافق‌های ابراهیم پیش‌بینی کرده طی پنج سال آینده آنها نیز دارای جوامع و محلات به‌رسمیت شناخته یهودی خود خواهند بود.^۱

^۱ https://ir.voanews.com/a/uae_first_jewish_neighborhood/۶۵۳۱۱۸۲.html

طالبان به سرعت به سوی الگوی حکومتی دولت اول خود حرکت می‌کند



هفته‌های اخیر مملو از اخباری بود که از تصمیم جدی طالبان برای بازگشت به الگوی حکومتی دولت اول خود پرده برمی‌داشت. اقداماتی که هر یک یا حتی را از زنان و دختران یا اقلیت‌های مذهبی سلب کرده یا حکمی به ظاهر اسلامی را با تفسیری ظاهرگرایانه از نصوص اعمال می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید تنها عنوان برخی از اقدامات طالبان در حدود یک ماه گذشته بوده است:

- طالبان، هفت ماه پس از به قدرت رسیدن، در روز بازگشایی مدارس دخترانه، اعلام کرد که تمام مدارس دخترانه تا اطلاع ثانوی بسته خواهد بود.^۱
- وزارت معارف طالبان استفاده از کراوات برای دانش‌آموزان و استادان در آموزشگاه‌های دولتی و خصوصی را ممنوع اعلام کرد.^۲
- طالبان رسانه‌ها را از پخش سریال‌های خارجی حتی با محتوای اسلامی منع کرد.^۳
- نماز جماعت اجباری همچنان در دستور کار طالبان است و هر از چند گاهی اخبار جدیدی درباره آن منتشر می‌شود. در تازه‌ترین خبرها طالبان کارمندان بانک مرکزی را به شرکت در نماز جماعت اجبار کرد^۴ و ویدیویی تازه منتشر شده نشان می‌دهد که جارچی‌های طالبان ضمن تهدید شهروندان، آنان را به سوی نماز اجباری فرا می‌خوانند.^۵

^۱ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۴۰۱/۰۱/۰۴/۲۶۸۶۳۵۶>

^۲ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۰۳۶۶>

^۳ <https://adyannews.com/۱۱۹۰۶۶>

^۴ <https://www.rfi.fr/fa/طالبان-طعام-خانه-بانک-مرکزی-افغانستان>

افغانستان-رایبه-نماز-خانه-تبدیل-کردند

^۵ <https://www.afintl.com/۲۰۲۲۰۳۱۶۵۴۰۷>

- طالبان به همه کارمندان دولت دستور داده که ریش بگذارند و لباس‌های مورد تأیید آنها را بپوشند و هشدار داده است که در غیر این صورت اخراج می‌شوند.^۱
- طالبان حضور هم‌زمان زنان و مردان در پارک‌ها را ممنوع کرد. طالبان در اعلامیه‌ای اعلام کرد که زنان تنها در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه و مردان تنها در باقی روزهای هفته می‌توانند به پارک‌ها بروند.^۲
- طالبان رشته موسیقی را از دانشگاه کابل حذف کرد.^۳
- طالبان تاریخ ادارات دولتی را از خورشیدی به قمری تبدیل کرد.^۴
- طالبان مسافرت بدون محرم شرعی را برای زنان ممنوع کرد. طالبان به شرکت‌های مسافرتی دستور داد به زنانی که محرم شرعی همراه ندارند، بلیت سفر با هواپیما ن فروشند و مسئولان فرودگاه کابل نیز موظفند بدون حضور محرم شرعی، به زنان اجازه سفر ندهند.^۵

^۱ https://per.euronews.com/۲۹/۰۳/۲۰۲۲/new_order_from_taliban_officials_and_men_s_beards

^۲ <https://p.dw.com/p/۴۹۵uk>

^۳ <https://fararu.com/fa/news/۵۴۲۶۸۳>

^۴ <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۳۹۷۳۲۳>

^۵ <https://www.independentpersian.com/node/۲۲۵۴۹۱>

- طالبان ضبط کردن صدای استادان مرد از سوی دانشجویان دختر را ممنوع اعلام کرد.^۱
- طالبان تعطیلات نوروزی در افغانستان را لغو کرد.^۲

شبکه تحلیلگران افغانستان: برخی رهبران طالبان دختران خود را برای تحصیل به خارج می‌فرستند



در حالی که میلیون‌ها دختر در افغانستان از آموزش محروم مانده‌اند، دختران مقام‌های این گروه در مکتب‌ها و دانشگاه‌هایی در خارج از کشور مشغول آموزش مدرن‌اند.

^۱ <https://mohabatnews.com/?p=۴۸۹۱۴>

^۲ https://www.bbc.com/persian/afghanistan_۶۰۸۲۴۹۷۶

بر اساس گزارش شبکه تحلیلگران افغانستان، برخی مقامات طالبان فرزندان‌شان را در مکاتب خارج از کشور ثبت نام کرده‌اند.

یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده طالبان در دوحه گفته است که آن‌ها آموزش فرزندان خود را در مکتب‌های قطر آغاز کرده‌اند.

او به این شبکه گفته است: «از آنجایی که همه در محله به مکتب می‌رفتند، فرزندان ما نیز تقاضا کردند که به مکتب بروند و درس بخوانند.»

به تازگی گزارش‌هایی منتشر شده که حکومت طالبان در حال بازبینی مضامین درسی مکتب‌ها و دانشگاه‌های افغانستان برای زدودن درس‌ها از ارزش‌های غربی است.

اما به نوشته شبکه تحلیل‌گران افغانستان، برخی از مقام‌های این گروه حاکم بر افغانستان ترجیح می‌دهند فرزندان خود را به مکاتبی بفرستند که آموزش مدرن غربی را با آموزش دینی ترکیب می‌کند.

به گزارش این شبکه، دختری یکی از وزیران کنونی طالبان و عضو سابق شورای رهبری این گروه، در حال حاضر در رشته طب در یکی از دانشگاه‌های قطر تحصیل می‌کند.

گفته می‌شود که پس از ماه اوت که گروه طالبان قدرت را در افغانستان به دست گرفت، دو تن از اعضای دفتر این گروه در قطر به کابل رفته‌اند اما فرزندان خود را در دوحه گذاشته‌اند تا به تحصیلات خود ادامه دهند.

یک مقام طالبان که قبلاً در قطر مستقر بود گفته است: «اعضای طالبان و خانواده‌هایشان که در قطر زندگی می‌کنند، تمایل شدیدی به آموزش مدرن دارند و هیچ‌کس با آموزش برای پسران یا دختران خود، در هر سنی مخالفت نمی‌کند.» دیگر مقامات طالبان فرزندان خود را در مکتب‌های خصوصی پاکستانی در قطر ثبت نام کرده‌اند که از برنامه درسی پاکستانی پیروی می‌کنند اما به دانش‌آموزان به زبان انگلیسی آموزش می‌دهند.

حکومت طالبان آموزش و پرورش، کار و حضور در اجتماع را برای دختران و زنان افغانستان به گونه شدیدی محدود کرده است و معترضان در برابر این محدودیت‌ها را به گونه خودسرانه بازداشت و شکنجه کرده است.^۱

تلویزیون شیعی تمدن در افغانستان از پخش سریال‌های اسلامی منع شد



اداره اطلاعات طالبان به شبکه تلویزیونی تمدن دستور داد پخش هرگونه فیلم و سریال «حتی با محتوای اسلامی» را متوقف کند.

^۱ <https://www.afintl.com/۲۰۲۲۰۲۰۸۰۹۵۵>

محمد رحمتی، مدیر مسئول شبکه تلویزیونی تمدن در افغانستان، روز جمعه، ۱۲ فروردین، در توییتی نوشت که از بخش رسانه‌های اداره اطلاعات طالبان با او تماسی گرفته و دستور داده‌اند پخش هرگونه سریال و فیلم از شبکه تمدن را متوقف کند.

او در ادامه افزود: «افزایش روزافزون محدودیت‌ها از سوی طالبان از روزهای سیاه‌تر در افغانستان خبر می‌دهد.»

این دستور طالبان در حالی صادر شد که پیش از این، تنها پخش سریال‌ها و فیلم‌هایی که زنان در آن‌ها بازی کرده بودند یا محتواشان خلاف باورهای طالبان بود، ممنوع اعلام شده بود. طالبان در اکتبر ۲۰۲۱، یک دستورالعمل ۱۰ ماده‌ای به رسانه‌ها فرستاد که در آن، همه رسانه‌ها مکلف شده بود محتوای برنامه‌های خود را مطابق «شریعت اسلامی و سنت‌های رایج در جامعه افغانستان» تهیه کنند. پس از ابلاغ این دستورالعمل، برخی از رسانه‌ها از جمله تمدن که یک شبکه تلویزیونی شیعی است، به پخش سریال و فیلم ادامه دادند. این شبکه بیشتر فیلم‌های تولید ایران را که محتوای مذهبی و دینی دارند، پخش می‌کرد.

تلویزیون تمدن را آیت‌الله محمد آصف محسنی در سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی کرد. در سال ۲۰۱۲، اداره امنیت ملی دولت پیشین افغانستان چند رسانه از جمله تلویزیون تمدن را بلندگوی دولت ایران نامید و گفت که این رسانه با حمایت جمهوری اسلامی ایران علیه منافع دولت افغانستان تبلیغ می‌کند.

تمدن از زمانی که در سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی شد تاکنون، هرگز موسیقی یا برنامه‌های هنری بدون رنگ و بوی مذهبی پخش نکرده است. مدیران این رسانه

آن را «نخستین رسانه دینی و ارزشی» در افغانستان می‌دانند و در هر شبانه‌روز، چند برنامه آموزشی در مورد مسائل دینی پخش می‌کنند.

با این حال وضع محدودیت بر رسانه‌های افغانستان و حتی متوقف شدن پخش سریال‌های دینی در رسانه‌ها نگرانی‌ها از بدتر شدن اوضاع برای خبرنگاران و افزایش توقف فعالیت رسانه‌ها را افزایش داده است. بر اساس گزارش سازمان‌های مدافع رسانه‌های آزاد، در هفت ماه گذشته و پس از سلطه طالبان بر افغانستان، بیش از ۴۰ درصد رسانه‌های افغانستان به فعالیت خود پایان دادند و صدها خبرنگار هم این کشور را ترک کردند.^۱

ملاحظه: ظاهراً این ممنوعیت منحصر در شبکه تلویزیونی تمدن نبوده است و دیگر رسانه‌ها نیز از پخش سریال‌های خارجی حتی با محتوای اسلامی منع شده‌اند؛ فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (ای‌اف‌جی) در بیانیه‌ای گفته است که در روزهای اخیر به دستور طالبان شبکه‌های محلی از بازپخش رسانه‌های خارجی منع شده‌اند، دستکم چهار بولتن خبری بین‌المللی قطع شده، هشت کارمند رسانه‌ای بازداشت و دو مرکز رسانه‌ای توسط طالبان بسته شده‌اند.^۲

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۲۷۰۵۶>

^۲ https://www.bbc.com/persian/afghanistan_۶۰۹۴۰۳۱۲

احمد مسعود پایان جنگ با طالبان را اعلام کرد



رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان در پیام سال نو خود اعلام کرد، به تصمیم علمای کشور به جنگ با طالبان پایان داده است.

احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان در پیام سال نو خود طالبان را به خاطر اجازه ندادن به بازگشایی مدارس متوسطه دخترانه سرزنش کرد و گفت طالبان با «دروغ و تزویر» دانش‌آموزان را با دروازه‌های بسته مدارس روبرو کرد.

وی افزود: تا وقتی که اراده و انگیزه و امید برای آموختن علم و دانش وجود دارد، هیچ گروه خودکامه و استبدادی توان ایستادن در برابر شما را ندارد.

احمد مسعود در این پیام که آن را از طریق صفحه رسمی فیسبوک خود منتشر کرد، سال گذشته را «سال بد» نامید و طالبان را متهم کرد که با گرفتن قدرت از راه زور باعث از بین رفتن صلح شد.

احمد مسعود در بخش دیگری از پیام خود تأکید کرد: به تصمیم علمای کشور جنگ با طالبان را «ختم» کردیم.^۱

نشر ویدیوی تازه از رهبر القاعده، شایعات مرگ اورانفی می‌کند



پس از انتشار اخباری طی دو سال اخیر در برخی از رسانه‌ها مبنی بر احتمال فوت یا کشته شدن آیمن الظواهري، رهبر گروه القاعده، او مجدداً با نشر ویدیویی از سخنرانی خود به گمانه‌زنی‌ها در این باره پایان داد.

در این راستا بنیاد «سحاب» وابسته به گروه القاعده چهارشنبه ۶ آوریل ویدیویی با شعار «هند آزاد» منتشر کرد که طی آن آیمن الظواهري از یک زن مسلمان هندی که در فوریه گذشته به ممنوعیت پوشیدن حجاب در این کشور اعتراض کرده بود، تمجید می‌کند.

^۱ https://www.bbc.com/persian/afghanistan_۶۰۸۶۶۳۳۵

الظواهری در این پیام ویدیویی که با سربند سفید سنتی در کنار پوستری ظاهر شده از «بانوی نجیب هند» یاد می‌کند. با این حال، آنچه در این ویدیو نگرانی بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران را برانگیخت، شبیح حضور القاعده در افغانستان است.

ظهور مجدد رهبر القاعده همچنین این سؤال را در اذهان مطرح کرده که تا چه حدی گروه طالبان پس از تسلط بر افغانستان به مبارزه جدی با «گروه‌های تروریستی» و ممانعت از تبدیل شدن خاک این کشور به پناهگاهی امن یا پایگاهی برای حملات «سازمان‌های تروریستی» پایبند است.

گفتنی است ایمن الظواهری پس از کشته شدن اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده توسط نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱، رهبری سازمان القاعده را بر عهده گرفت.^۱

اتحادیه جهانی علمای مسلمان: تروریسم بین‌سنی و شیعه فرقی نمی‌گذارد



اتحادیه جهانی علمای مسلمان جنایت فجیع حمله به ۳ روحانی در حرم امام رضا(ع) در مشهد مقدس را که به شهید و زخمی شدن سه روحانی منجر شد، محکوم کرد.

^۱ <https://farsi.alarabiya.net/middle-east/> - ایمن الظواهری، پس از -

اتحاد العلماء در این بیانیه تأکید کرده است که تروریسم دین ندارد و بین مسلمان، کافر، سنی و شیعه فرقی نمی‌گذارد و بلکه برای تحریف چهره اسلام و ایجاد هرج و مرج ویرانگر ساخته شده است.

در این بیانیه، محی‌الدین قره داغی، دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مسلمانان، حمله تروریستی در شهر مشهد مقدس در ایران که منجر به شهید و زخمی شدن سه روحانی به ضرب چاقو شد، محکوم کرد.

اتحادیه جهانی علمای مسلمان در این بیانیه، جنایات و هرگونه تروریسم علیه مردم در هر مکانی و تحت هر پوششی را محکوم و تأکید کرد که تروریسم دینی ندارد و بین سنی و شیعه و بین اماکن مقدس در اسلام و غیر آن فرقی نمی‌گذارد.

دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مسلمانان این عملیات را صرف نظر از اینکه چه کسی عامل آن باشد، گناه و جنایت توصیف و تأکید کرد که هدف قرار دادن اماکن مذهبی و کشتار بی‌گناهان عملی مجرمانه و گناه آلود است که خلاف آموزه‌های اسلام و حتی آموزه‌های سایر ادیان است.

وی تأکید کرد: موضع قاطع اتحادیه علمای مسلمانان، نفی خشونت و تروریسم و جرم‌انگاری آنها بدون توجه به انگیزه و دلایل است و این حمله حرام شرعی و از گناهان کبیره است.^۱

^۱ <https://www.iumsonline.org/ar/ContentDetails.aspx?ID=۲۳۷۳۱>

غرب

کشف نرم افزارهای جاسوسی پنهان در برنامه‌های نماز مسلمانان



گوگل ده‌ها برنامه را پس از اینکه متوجه شد حاوی حفره‌هایی است که به طور مخفیانه داده‌های کاربران را جمع‌آوری می‌کند، از فروشگاه گوگل پلی حذف کرد.

گزارش منتشر شده توسط «وال استریت ژورنال» به کشف اپلیکیشن‌هایی مربوط به نماز مسلمانان اشاره کرد که بر روی بیش از ۱۰ میلیون دستگاه دانلود شده و طی ممیزی، حفره‌هایی توسط متخصصان در این اپلیکیشن‌های اندرویدی کشف شد.

این گزارش نشان داد که شرکت Measurement Systems، مستقر در پاناما، با این نرم‌افزار مرتبط بوده و با یک پیمانکار اطلاعات الکترونیکی مستقر در ویرجینیا که برای آژانس‌های امنیت ملی ایالات متحده کار می‌کرد، مرتبط بود.

این مقاله خاطرنشان می‌کند که این شرکت به توسعه‌دهندگان در سراسر جهان پول پرداخت کرده است تا «کد ویژه‌ای» را به برنامه‌های خود اضافه کنند. این روزنامه به نقل از سرژ ایگلن، از موسسه بین‌المللی علوم کامپیوتر در دانشگاه کالیفرنیا، و جوئل ریردون از دانشگاه کلگری، گفت که این «کد» به شرکت پانامایی اجازه می‌دهد تا به طور مخفیانه داده‌ها را از کاربران جمع‌آوری کند.^۱

^۱ <https://www.alarabiya.net/technology/۰۷/۰۴/۲۰۲۲> غوغل

پس از مخالفت فرانسه با کاریکاتور طنز، روسیه کاریکاتورهای «شارلی ابدو» را به یاد فرانسه می‌اندازد



وزارت امور خارجه روسیه درباره خشم امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه از کاریکاتور به اشتراک گذاشته شده توسط سفارت روسیه در پاریس اظهار نظر کرد.

روز شنبه، ۶ فروردین، ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفت: «واقعاً؟ آیا روسای جمهور فرانسه و وزارت خارجه آنهایی نیستند که به ما یاد می‌دادند هر کاریکاتوری طبیعی است، حتی کاریکاتورهای وحشتناکی که شارلی ابدو منتشر می‌کرد؟»

وی افزود: «ما تصمیم گرفتیم به توصیه‌های آنها عمل کنیم و از طنزی استفاده کنیم که آنها آن را نشانه آزادی بیان می‌دانستند، اما اکنون هیچ کاریکاتوری را دوست ندارند.»

چند روز پیش، سفارت روسیه در پاریس کاریکاتور طنزی را منتشر کرد که در آن جسد «اروپا» را روی یک میز در حالی نشان می‌داد که دو مرد به نمایندگی از ایالات متحده و اتحادیه اروپا در حال تزریق سوزن‌هایی با عناوین «ناتو، روسیه‌هراسی، نئونازیسم، کووید-۱۹، لغو فرهنگ و تحریم» به او بودند. البته این تصویر اکنون از صفحه توییتر سفارت روسیه حذف شده است. این کاریکاتور بیانگر این بود که قاره اروپا با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در حال نابودی است.

ماکرون از انتشار این کاریکاتور توسط سفارت روسیه انتقاد کرده و این اقدام را «غیرقابل قبول» برشمرد.

وزارت خارجه فرانسه همچنین الکسی مشکوف سفیر روسیه در پاریس را به دلیل انتشار این کاریکاتور توسط سفارت احضار کرد.

وزارت امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای اعلام کرد که سفیر مشکوف را به مقر خود احضار کرده است که نشان می‌دهد آنچه از سوی سفارت روسیه منتشر شده «غیرقابل قبول» است.

«کلمنت بوون» وزیر امور اروپای فرانسه، نیز این تصویر را «مایه شرمساری» دانست.

سفارت روسیه در پاریس این کاریکاتور را هم‌زمان با اجلاس سه‌جانبه روز پنجشنبه، ۴ فروردین، در بروکسل با حضور ناتو، گروه ۷ و اتحادیه اروپا منتشر کرد. این نشست برای بحث درباره چگونگی مقابله با جنگ روسیه در اوکراین انجام شد.^۱

دانمارک پناهیویان اوکراینی را از قانون جنجالی مصادره جواهرات، استثنای کرد!



دانمارک قانون بحث‌برانگیز «جواهرات» یا «مصادره اموال مهاجران» را تغییر داد، قانونی که به دولت دانمارک امکان می‌دهد کنترل پول نقد و اشیاء

آلم-تعلمونان-الکارکاتیر- ۲۰۲۲/۳/۲۷ <https://mubasher.aljazeera.net/news/politics/۲۷/۳/۲۰۲۲>

طبیعی؟

قیمتی پناهجویان را در دست بگیرد. دولت دانمارک حال یک بند استثنایی برای اوکراینی‌هایی که کشور جنگ‌زده خود را ترک می‌کنند، ارائه می‌کند.

در سال ۲۰۱۶، درست زمانی که دانمارک پذیرای پناهندگانی از سوریه بود، پارلمان دانمارک قانونی را تصویب کرد که به موجب آن دارایی‌های بالای ۱۰۰۰۰ کرون پناهجویان برای دولت مصادره می‌شد. این قانون خشم بسیاری از مردم را برانگیخت، با این حال، دولت دانمارک از قانون خود با این استدلال دفاع کرد که مشارکت گرفتن از پناهندگان کاملاً عادلانه است.

با این حال، راسموس استوکلوند، سخنگوی مهاجرت دولت سوسیال دموکرات دانمارک، اعلام کرد که این قانون برای اوکراینی‌هایی که برای فرار از جنگ به این کشور شمال اروپا آمده‌اند، اعمال نخواهد شد.

استوکلوند گفت که دولت و پارلمان در حال بررسی ایجاد تغییراتی برای پناهندگان اوکراینی هستند «تا آنها از همان ابتدا تحت تأثیر قوانین پناهندگی قرار نگیرند».

استوکلوند با روشن کردن موضع جدید دانمارک در مورد پناهندگان، گفت استثنایی برای پناهندگان اوکراینی در نظر گرفته می‌شود، زیرا دانمارک همسایه منطقه‌ای اوکراین است.

بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون کشور نیز اعتراضی به اقدام جدید مبنی بر معافیت اوکراینی‌ها از «قانون جواهرات» نداشته است.^۱

^۱ <https://www.msn.com/en-in/news/world/denmark-wont-take-away-ukrainians-assets-under-jewellery-law-all-about-the-rule-the-spl-relief/ar-AAUFZA۳>

سایر ادیان

اصلاحات غیرمنتظره در واتیکان به نفع زنان و غیرروحانیان



پس از سال‌ها بحث، قانون اساسی اصلاح شده واتیکان بدون اعلام قبلی منتشر شد و مسیر اصلاحات مورد نظر پاپ را هموارتر کرد. پاپ فرانسیس همواره خواستار اصلاح ساختار کلیسای کاتولیک بوده و در این راه گام‌های مهمی برداشته است.

با وجود بحث‌هایی که از سال‌ها پیش درباره ضرورت اصلاح و به‌روز کردن ساختار اداری و تشکیلاتی کلیسای کاتولیک مطرح بود، انتشار قانون اساسی جدید واتیکان بی‌سر و صدا و تا حدود زیادی غیرمنتظره انجام شد.

به گزارش «اشپیگل آنلاین»، واتیکان شامگاه شنبه ۱۹ مارس (۲۸ اسفند) با انتشار متن اصلاح شده قانون اساسی کلیسای کاتولیک اعلام کرد، این قانون از پنجم ژوئن سال ۲۰۲۲ اجرایی می‌شود.

بر این اساس از حدود دو ماه و نیم دیگر قوانین تاکنون حاکم بر کلیسای کاتولیک از اعتبار ساقط می‌شوند و راه اصلاحات در ساختار اداری و تشکیلاتی بالاترین مرجع اداره امور کاتولیک‌های جهان هموارتر از پیش خواهد شد.

«مقر مقدس» کلیسای کاتولیک درباره متن منتشر شده در روز شنبه توضیحی نداده و تشریح جزئیات آن را به یک نشست خبری در روز دوشنبه (۲۱ مارس / اول فروردین ۱۴۰۱) موکول کرده است.

مهم‌ترین تغییری که در نگاه اول نظرها را به خود جلب کرده فراهم شدن زمینه راه‌یابی زنان و غیرروحانیان به پست‌های کلیدی و جایگاه‌های تصمیم‌گیری است.

زنان در بالاترین جایگاه‌های اداری واتیکان

با اصلاحاتی که از پنجم ژوئن به اجرا در می‌آیند، به طور اصولی هر فرد کاتولیک، چه مرد و چه زن، می‌تواند در سیستم اداری مرکز اداره امور کاتولیک‌های جهان بر بالاترین مسندها تکیه زند.

بالاترین جایگاه‌ها در این ساختار اختیاراتی در حد وزیر در کابینه دولت‌های متعارف دارد. این جایگاه تا کنون مخصوص روحانیان مرد بوده که به طور معمول شامل کاردینال‌ها و اسقف‌ها می‌شود.

در مقدمه قانون اساسی جدید واتیکان تأکید شده که پاپ، اسقف‌ها و دیگر کشیشان در موقعیت‌های مختلف تنها مسیحیان کلیسای کاتولیک نیستند. در متن قانون تصریح شده هر زن و مرد باورمند کاتولیک می‌تواند مدیریت یک حوزه را بر عهده بگیرد، مشروط بر این که پاپ او را واجد شرایط تشخیص دهد و برای این سمت فراهخواند.

سابقه اصلاحات در دوران پاپ فرانسیس

به این ترتیب پاپ فرانسیس قانون اساسی جدید را که «موعظه انجیل» خوانده می‌شود، جایگزین قانون قبلی می‌کند که سال ۱۹۸۸ در دوران ژان پل دوم ابلاغ شد و در دوره پاپ بندیک شانزدهم در سال ۲۰۱۱ اندکی تغییر کرد. رهبر کنونی کاتولیک‌های جهان از سال ۲۰۱۳ که بر این جایگاه تکیه زد یک شورای مشورتی با حضور شماری از کاردینال‌ها تشکیل داد که مأموریت اصلی آن تحدید سازماندهی واتیکان است. متن قانون اساسی جدید واتیکان در روزی منتشر شد که پاپ فرانسیس وارد نهمین سال فعالیت خود در این جایگاه شده است. در این سال‌ها زنان زیادی در سمت‌های ارشد مدیریتی منصوب شده‌اند. پاپ فرانسیس تابستان ۲۰۲۰ برای نخستین بار شش زن را به عضویت شورای عالی اقتصادی واتیکان منصوب کرد. او پیشتر دو زن را به عنوان رئیس موزه‌ها و ریاست دبیرخانه وزارت خارجه واتیکان منصوب کرده بود.

«تصمیم تاریخی» پاپ

نوامبر سال پیش رهبر کاتولیک‌های جهان در اقدامی که اغلب ناظران آن را یک تصمیم تاریخی و نشانه عزم او برای برقراری برابری جنسیتی در کلیسا ارزیابی کرده‌اند برای نخستین بار یک زن را به عنوان معاون دبیرکل واتیکان منصوب کرد که دومین مقام اجرایی در این دولت به شمار می‌رود.

به نوشته «اشپیگل آنلاین» یکی از ماده‌های قانون اساسی جدید واتیکان به مسئله مناقشه‌برانگیز سوءاستفاده و آزار جنسی در کلیسای کاتولیک مربوط می‌شود که در سال‌ها اخیر جنجال‌های زیادی به پا کرده است.

پاپ کمیسیون ویژه‌ای تشکیل داده که وظیفه دارد از نهادهای دیگری مانند کنفرانس اسقف‌ها، در مسیر تهیه راهبردهایی برای حفاظت از خردسالان در برابر سوءاستفاده و آزار جنسی پشتیبانی کند.

این کمیسیون وظیفه دارد موارد سوءاستفاده و آزار جنسی در کلیسای کاتولیک را پیگیری و به مراجع کلیسا و نهادهای قضائی مدنی اعلام کند.^۱

اصلاحات غیرمنتظره در واتیکان به نفع زنان و - <https://www.dw.com/fa-ir/>

بوسه پاپ برای زندانیان ایتالیایی



پاپ فرانسیس برای مراسم عشاء ربانی روز پنجشنبه، ۲۵ فروردین، از زندانی در ایتالیا بازدید کرد و در آنجا پاهای ۱۲ زندانی را به یاد فروتنی عیسی در برابر رسولانش در شب قبل از مرگش شست و بوسید.

پیشینیان پاپ فرانسیس این مراسم را در کلیسای سنت پیترو یا کلیسای جامع دیگری در رم برگزار می‌کردند. اما پس از انتخاب پاپ در سال ۲۰۱۳، او سنت خود را که در دوران اسقف اعظم بوینس آیرس در برگزاری این مراسم در زندان‌ها یا خانه‌های سالمندان ادامه داد.

برای مراسم امسال، پاپ فرانسیس به زندانی در شهر بندری سیویتاویکیا، در شمال غربی رم در سواحل مدیترانه رفت.

ویدئویی که واتیکان منتشر کرده، پاپ را در حال شستن و بوسیدن پای ۱۲ زندانی مرد و زن در سنین مختلف نشان می‌دهد. او در موعظه‌ای کوتاه در جریان مراسم عشای ربانی به زندانیان گفت: «ما کشیش‌ها باید اولین کسانی باشیم که به دیگران خدمت می‌کنیم، نه اینکه دیگران را استعمار کنیم»^۱

پاپ فرانسیس از بومیان کانادا عذرخواهی کرد



پاپ فرانسیس با استقبال از یک هیأت بومی کانادا در واتیکان، به دلیل نقش کلیسای کاتولیک در وقوع آزار کودکان بومی در برخی مدارس شبانه‌روزی این کشور عذرخواهی کرد.

^۱ <https://www.reuters.com/world/pope-visits-italian-prison-traditional-foot-washing-mass-۱۴-۰۴-۲۰۲۲>

این مدارس که بیش از یک قرن فعالیت داشتند، به عنوان بخشی از سیاست دولت کانادا برای جذب کودکان بومی و از بین بردن فرهنگ آنها اداره می‌شد. کلیسای کاتولیک بیش از ۷۰ درصد از مدارس شبانه‌روزی را اداره می‌کرد که گزارش‌ها حاکی است با کودکان برخوردهای غیرانسانی انجام می‌شده است. جاستین ترودو، نخست وزیر کانادا و رهبران بومی این کشور از عذرخواهی پاپ استقبال و آن را گامی رو به جلو خواند.

جرالد آنتوان، یکی از مسئولان این مدارس، به همراه برخی دیگر از رهبران بومی، عذرخواهی پاپ را «دیر هنگام» دانستند اما تأکید کردند که «این روز در تاریخ خواهد ماند».

پاپ روز جمعه، ۱۲ فروردین، ضمن اظهار تأسف از آزار کودکان در مدارس بومیان کانادا گفت که تصمیم دارد اواخر سال جاری به کانادا سفر کند تا در دیدار با بومیان آن منطقه از آنها دلجویی کند.

پاپ فرانسیس که در واتیکان سخنرانی می‌کرد، در عذرخواهی خود گفت آنچه در مدارس شبانه‌روزی اتفاق افتاده باعث «درد و شرم» او شده و از خداوند طلب بخشش کرده است.

در جریان فعالیت مدارس شبانه‌روزی در کانادا، حدود ۱۵۰ هزار کودک بومی از خانه‌های خود برای زندگی به آنجا برده شدند. بسیاری از آنها در معرض سوء استفاده، بیماری و سوء تغذیه قرار گرفتند و برخی از گزارش‌ها فعالیت این مدارس را به عنوان نوعی «نسل‌کشی فرهنگی» قلمداد می‌کنند.

از تابستان گذشته، هزاران قبر بدون علامت، که گفته می‌شود بیشتر آنها متعلق به دانش‌آموزان سابق این مدارس هستند، در ساختمان‌های پیشین چنین مراکزی در سراسر کانادا کشف شده است.

هیئت‌های بومی تاکنون خواستار عذرخواهی پاپ ژان پل دوم و پاپ بندیکت شده بودند اما تلاش آنها ناموفق بود. پاپ بندیکت در سال ۲۰۰۹ در بیانیه‌ای نسبت به این موضوع اظهار تأسف نشان داد اما به اشتباه کلیسا اعتراف نکرد.

پاپ فرانسیس سال گذشته سکوت خود را در باره کشف گور جمعی کودکان بومی کانادا در یک مدرسه کاتولیک شکست. او در آن زمان عذرخواهی نکرد، اما ضمن ابراز تسلیت به بازماندگان این کودکان گفت که این حادثه او را به شدت متأثر کرده است.^۱

پاپ فرانسیس ژوئن آیند به لبنان سفر خواهد کرد

ریاست جمهوری لبنان اعلام کرد از سوی نماینده پاپ مطلع شده است که پاپ فرانسیس در ژوئن آینده به لبنان سفر خواهد کرد.

میشل عون در صفحه توئیتر خود نوشت: نماینده پاپ به لبنان گفته که رهبر کاتولیک‌های جهان ماه ژوئن به بیروت سفر می‌کند و باید تاریخ و برنامه این سفر با هماهنگی بیروت و نماینده پاپ واتیکان در لبنان مشخص شود.

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۲۷۲۴۶>



رئیس جمهور لبنان افزود: لبنانی‌ها منتظر سفر پاپ فرانسیس هستند تا از اهتمام ویژه وی به لبنان قدردانی کنند و از طرح‌ها و برنامه‌ها و دعا‌های برای برقراری امنیت و صلح و ثبات لبنان تشکر کنند.

میشل عون اول فروردین ماه جاری در جریان سفرش به ایتالیا با «پاپ فرانسیس» رهبر کاتولیک‌های جهان دیدار و از وی برای سفر به لبنان در آینده نزدیک دعوت کرد.

پاپ هم پاسخ داد که به‌زودی به لبنان سفر خواهد کرد و در این باره تصمیم نهایی خود را گرفته است و گفت که لبنان با وجود همه مسائل در جهان یک الگو خواهد ماند.^۱

^۱ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۴۰۱/۰۱/۱۷/۲۶۹۱۳۱>

گفتگوی ویدیویی پاتریارک کریل و پاپ فرانسیس پیرامون جنگ اوکراین



پاپ فرانسیس و پاتریارک کریل، رهبر کلیسای ارتدوکس مسکو روز چهارشنبه (۱۶ مارس) برای رسیدگی به درگیری‌های جاری در اوکراین و تلاش‌های مشترک برای ترویج صلح و ارائه کمک به مردم اوکراین، گفتگوی ویدیویی کردند.

ماتئو برونو، سخنگوی واتیکان در بیانیه‌ای گفت: «مذاکرات بر جنگ در اوکراین و نقشی که مسیحیان و کشیش‌های آنها می‌توانند در انجام هر کاری برای برقراری صلح داشته باشند، متمرکز بود.»

پاپ فرانسیس همچنین از حضور پاتریارک روسیه در این نشست تشکر کرد که به گفته وی این نشان‌دهنده تعهد دو کلیسا به دستیابی به آتش بس و صلح در اوکراین است.

بر اساس بیانیه واتیکان، فرانسیس در موافقت با کریل گفت: «کلیسا نباید از زبان سیاست، بلکه از زبان عیسی استفاده کند. ما کشیش همان مردمی هستیم که به خدا، به تثلیث مقدس، به مادر مقدس ایمان دارند. به همین دلیل، ما باید در تلاش‌های خود برای ترویج صلح، کمک به کسانی که رنج می‌برند و یافتن راه‌هایی به سوی صلح برای توقف درگیری‌ها متحد شویم.»

پاپ در جریان کنفرانس ویدیویی با کریل، با تأکید بر اهمیت مذاکراتی که در حال حاضر بین روسیه و اوکراین در جریان است، گفت: «کسانی که بهای جنگ را می‌پردازند، مردم، سربازان روسی و افرادی هستند که بمباران و کشته می‌شوند.»

فرانسیس گفت: «به عنوان کشیش ما وظیفه داریم نزدیک همدیگر بمانیم و به همه افرادی که به دلیل جنگ رنج می‌برند کمک کنیم.» پاپ گفت کرد در گذشته هر دو کلیسا از «جنگ‌های مقدس» و «جنگ‌های عادلانه» صحبت می‌کردند، اما اصرار داشت که «امروز ما نمی‌توانیم این گونه صحبت کنیم.» فرانسیس گفت: «وجدان مسیحی در مورد اهمیت صلح رشد کرده است.»^۱

^۱ https://www.vaticannews.va/en/pope/news/۰۳-۲۰۲۲/pope_francis_calls_patriarch_kirill_orthodox_patriarch_ukraine.html

در بیانیه کلیسای ارتدوکس روسیه نیز آمده است که دو طرف در مورد وضعیت اوکراین «گفتگویی مفصل» داشتند. در ادامه این بیانیه آمده است: «توجه ویژه‌ای به جنبه‌های انسانی بحران کنونی و اقدامات کلیسای ارتدوکس روسیه و کلیسای کاتولیک رومی برای غلبه بر پیامدهای آن معطوف شد». طرفین بر اهمیت استثنایی روند مذاکرات در حال انجام تأکید کردند و ابراز امیدواری کردند که هر چه زودتر به یک صلح عادلانه دست یابند.^۱

ملاحظه: پاپ فرانسیس و پاتریارک کریل برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ در یک ملاقات تاریخی، در فرودگاه هاوانا در کوبا ملاقات کردند. این دیدار در حالی بود که دو کلیسای غرب و شرق بعد از هزار سال قطع رابطه، با یکدیگر آشتی و گفتگو می‌کردند. بحران و درگیری در شرق اوکراین، از جمله محورهای بیانیه مشترک ملاقات ۲۰۱۶ این دو رهبر مسیحیان بود. آنها نوشتند: «ما از خصومت در اوکراین که تاکنون قربانیان زیادی را به همراه داشته است، زخم‌های بی‌شماری را بر ساکنان صلح‌جو وارد کرده و جامعه را وارد یک بحران عمیق اقتصادی و انسانی کرده است، ابراز تأسف می‌کنیم». آنها در ادامه از مسیحیان خواسته بودند تا برای پایان جنگ دعا کنند. گفته می‌شد برای تابستان آینده ملاقات دومی بین دو رهبر کلیسا برنامه‌ریزی شده است که با حمله نیروهای روسی به اوکراین، برخی از برگزاری این دیدار اظهار ناامیدی می‌کردند.

^۱ <http://www.patriarchia.ru/db/text/۵۹۰۹۰۷۶.html>

رایزنی سفیر ایران با رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه



«کاظم جلالی» سفیر ایران در فدراسیون روسیه با «کریل پاتریارک» اعظم کلیسای ارتدوکس روسیه دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار که «مسعود احمدوند» رایزن فرهنگی سفارت ایران در مسکو نیز در آن حضور داشت، رهبر مذهبی کلیسای ارتدوکس روسیه با اشاره به سوابق طولانی گفت‌وگوهای دینی میان اسلام و کلیسای ارتدوکس، بر برگزاری دور جدید این گفت‌وگوها و گرامیداشت بیست و پنجمین سالگرد آن تأکید کرد. وی همچنین یاد و خاطره «متروپولیت تاتارستان فتوفان» و «آیت‌الله تسخیری» به عنوان دو شخصیت بزرگ گفت‌وگوهای دینی اسلام و مسیحیت ارتدوکس را که در زمان شیوع کرونا از دنیا رفتند، گرامی داشت.

پاتریارک اعظم کلیسای ارتدوکس روسیه افزود: «اشتراکات فراوانی در زمینه ارزش‌های اخلاقی و انسانی میان اسلام و مسیحیت ارتدوکس وجود دارد که در خلال گفت‌وگوهای مستمر کارشناسان درباره آن صحبت کرده‌اند.»

کاظم جلالی نیز با اشاره به سفر اخیر آیت‌الله رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان به روسیه، عزم مقامات و مسئولان ارشد دو کشور برای توسعه روابط دوجانبه در همه زمینه‌ها از جمله تعاملات ادیانی را جدی خواند و بر گسترش روز افزون آن تأکید کرد.

وی تلاش در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان ابراهیمی را یکی از فرازهای برگرفته از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دستورهای مقام معظم رهبری دانست و گفت: «آیت‌الله تسخیری به عنوان مشاور رهبر معظم انقلاب، نقش مهمی در برقراری گفت‌وگوهای ادیانی ایفا کرد و درگذشت ایشان و متروپولیت تاتارستان که از سوی کلیسای ارتدوکس مسئولیت گفت‌وگوهای دینی با اسلام را بر عهده داشت، برای ما و شما حادثه ناگواری بود.»

سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار ایران در فدراسیون روسیه، نقش رهبران ادیان الهی در گسترش روحیه تعامل و همزیستی را برجسته شمرد و با تأکید بر تداوم گفت‌وگوهای دینی میان ایران و کلیسای ارتدوکس گفت: «خوشبختانه با گذر از وقفه سه ساله‌ای که به سبب شیوع کرونا در مسیر گفت‌وگوهای دینی به

وجود آمد، طرف ایرانی برای مشارکت در دور دوازدهم این گفت‌وگوها در مسکو آمادگی کامل دارد.^۱

روحانیت ارتدوکس آمستردام از پاتریارک مسکو جدا شد



روحانیان کلیسای ارتدوکس روسیه در شهر آمستردام هلدن روز شنبه ۱۲ مارس اعلام کردند که از کلیسای مسکو به دلیل اتهام‌هایی که علیه آنها در مورد حمله روسیه به اوکراین وجود دارد، جدا می‌شود.

در بیانیه‌ای که این کلیسا در وب سایت خود منتشر کرد، آمده است که پس از جلسه‌ای، «روحانیون به اتفاق آرا اعلام کردند که دیگر برای آنها امکان ندارد که ذیل پاتریارک مسکو فعالیت کرده و در عین حال یک محیط امن معنوی برای مؤمنان خود فراهم کنیم.»

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۰۱۲۳۱۳۵۰۹>

در بیانیه افزوده شده است که آنها از اسقف اعظم روسی اسقف‌نشین هلند که در لاهه مستقر است، خواسته‌اند که به آنها «برکناری شرعی» اعطا کند و درخواست کرده‌اند که به کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه بپیوندند.

در این بیانیه، روحانیون کلیسای آمستردام گفتند که دیگر نام پاتریارک کریل، رئیس کلیسای ارتدوکس روسیه، را به دلیل حمایت وی از حمله به اوکراین، در مراسم دعای خود ذکر نخواهند کرد.

پاتریارک کریل در خطبه ۲۷ فوریه، مخالفان مسکو در اوکراین را «نیروهای شیطانی» توصیف کرد که علیه «وحدت روسیه» می‌جنگند. شعبه آمستردام کلیسای ارتدوکس روسیه تنها کسی نیست که به موضع رهبر کلیسا اعتراض دارد.

در اوکراین، برخی از کشیش‌های ارتدوکس روسی از زمان آغاز تهاجم، کلیسای مسکو را محکوم کرده‌اند.

همچنین ژان دو دوبنا، اسقف اعظم مستقر در پاریس، که ریاست حدود ۶۰ محله‌ای را بر عهده دارد که در سراسر اروپای غربی از سنت روسی پیروی می‌کنند، در نامه‌ای سرگشاده که روز چهارشنبه، ۹ مارس، منتشر شد، حمایت خود را از اوکراین ابراز کرد.

او همچنین از پاتریارک کریل درخواست کرد تا برای توقف «حمام خون» مداخله کند.^۱

عالم برجسته یهودی در یکی از بزرگ‌ترین تجمعات تاریخ اسرائیل به خاک سپرده شد



صدها هزار اسرائیلی روز یکشنبه، ۲۹ اسفند، در مراسم تشییع جنازه خاخام حایم کانیوفسکی (Chaim Kanievsky)، رهبر معنوی یهودیت ارتدوکس حریدی، در یکی از بزرگ‌ترین تجمعات عمومی در تاریخ اسرائیل گرد آمدند. خاخام کانیوفسکی روز جمعه در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

^۱ https://www.voanews.com/a/amsterdam_s_orthodox_clergy_split_from_moscow_patriarch_/۶۴۸۲۴۰۴.html

برآوردها حاکی از آن بود که ۴۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ عزادار در مراسم تشییع جنازه شرکت کردند. جمعیت نه تنها «بنی براک»، یک شهرک فوق‌العاده ارتدوکس در حاشیه شرقی تل‌آویو که خاخام در آن زندگی می‌کرد، بلکه بخش بزرگی از مرکز اسرائیل را نیز تعطیل کردند.

جمعیت تخمینی همچنان از ۸۵۰۰۰ نفری که گفته می‌شود در مراسم تشییع جنازه خاخام اوادیا یوسف، یکی دیگر از رهبران ارتدوکس که در سال ۲۰۱۳ درگذشت، کمتر بود.

خاخام کانیوفسکی هیچ جایگاه رسمی نداشت، اما به طور گسترده به عنوان رهبر یهودیان لیتوانیایی شناخته می‌شد، جریانی غیر حسیدی از یهودیان ارتدوکس که ریشه در اروپای شرقی دارد. یهودیان لیتوانیایی تقریباً یک سوم از ۱٫۱ میلیون خریدی در اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

خاخام کانیوفسکی به دلیل دانش دایره‌المعارفی خود از قوانین و کتاب مقدس یهودی مورد احترام بود. خانواده او گفتند که او از دهه ۱۹۳۰ تا کنون ۱۷ ساعت در روز متون مذهبی را می‌خوانده است.

این مطالعه و تحقیق بی‌امان، شهرت او را به عنوان یک عالم برجسته یهودی تثبیت کرد و صدها هزار نفر را بر آن داشت تا برای توصیه‌های روحانی منظم در مورد چیزهای عمیق و پیش‌پاافتاده به او مراجعه کنند. هر روز صدها نفر بیرون از خانه خاخام کانیوفسکی صف می‌کشیدند تا در مورد مسائلی مانند مسائل فوری پزشکی و سیاسی و حتی لوازم خانگی که باید بخزند از او راهنمایی بگیرند.

نفتالی بنت، نخست وزیر اسرائیل، در بیانیه‌ای پیش از جلسه کابینه روز یکشنبه، به خاخام ادای احترام کرد. بنت گفت: «نام خاخام کانیوفسکی به عنوان بخش مهمی از تاریخ تورات قوم اسرائیل به یادگار خواهد ماند.»

خاخام کانیوفسکی نفوذ قابل توجهی بر یک حزب سیاسی اسرائیلی، دگل هاتوره، که نماینده بخش‌هایی از جامعه خریدی در پارلمان اسرائیل است و در طول سه دهه گذشته نقش کلیدی در چندین دولت اسرائیل ایفا کرده است، داشت. در هفته‌های اولیه همه‌گیری ویروس کرونا، وقتی خاخام حتی با افزایش نامتناسب نرخ ابتلا در میان خریدی‌ها به پیروانش دستور داد مدارس خود را تعطیل نکنند، برای بسیاری از اسرائیلی‌های سکولار تبدیل به یک شرور شد. این تصمیم به یکی از بزرگ‌ترین رویارویی‌ها در تاریخ اسرائیل بین یهودیان سکولار و مذهبی کمک کرد.

اما خاخام کانیوفسکی بعداً موضع خود را تغییر داد و چندین بیانیه صادر کرد و پیروان خود را تشویق کرد که به محدودیت‌های کرونا پایبند باشند و واکسینه شوند.

زندگی منزوی و زاهدانه خاخام کانیوفسکی منجر به پرسش‌های مکرر اسرائیلی‌های سکولار در مورد میزان درک او از دنیایی شد که از آن صحبت می‌کرد.

خانواده او گفتند که او آن‌قدر روی مطالعه تلمودی متمرکز بود که نمی‌دانست چگونه چای دم کند یا نام بنیامین نتانیاوو، باسابقه‌ترین نخست‌وزیر اسرائیل را بشناسد.

مرگ هر یک از رهبران خریدی معمولاً باعث ایجاد بحث در مورد جانشین وی می‌شود. اما در مورد خاخام کانیوفسکی، این سؤال کمتر ضروری است، زیرا یک روحانی برجسته لیتوانیایی، خاخام گرشون ادلشتاین، ۹۸ ساله، که پیش از این نزد خریدی‌ها دارای وزنی برابر بود، باقی مانده است.^۱

یهودیان می‌گویند دائمی کردن ساعات تابستانی نماز صبح را تهدیدی کند



یهودیان آمریکایی می‌گویند که با تصویب سریع لایحه‌ای در مجلس سنای آمریکا مبنی بر اینکه ساعت تابستانی در تمام طول سال ثابت بماند، آنها متضرر شده و قصد مبارزه با آن را دارند.

^۱ https://www.nytimes.com/۲۰/۰۳/۲۰۲۲/world/middleeast/rabbi_chaim_kanievsky_funeral.html

مخالفان یهودی می‌گویند قانون دائمی شدن ساعات تابستانی، که در ۱۵ مارس به تصویب سنا رسید، تقریباً غیرممکن می‌کند که یهودیان نماز صبح را به طور جمعی بخوانند، و در عین حال در ماه‌های زمستان به موقع به محل کار یا مدرسه بروند.

طبق قوانین یهود، نماز صبح باید بعد از طلوع خورشید برپا شود. ساعت تابستانی که در حال حاضر از دومین یکشنبه ماه مارس آغاز شده و در اولین یکشنبه ماه نوامبر به پایان می‌رسد، تاریکی را در صبح‌های اواخر زمستان افزایش می‌دهد.

خاخام ابا کوهن، معاون امور دولتی سازمان آگودات (سازمانی آمریکایی که نماینده یهودیان ارتدوکس خریدی است)، گفت: «این بر زندگی مذهبی، زندگی حرفه‌ای و زندگی خانوادگی ما تأثیر خواهد گذاشت. اگر نماز جماعت و فرادی بعد از ساعت ۸ صبح شروع شود، مردم چگونه ساعت ۹ صبح یا زودتر به محل کار خود می‌رسند؟»^۱

ملاحظه: در یهودیت، مراسم نماز صبح که «شحریت» (سحر) نامیده می‌شود، معمولاً زمانی که به طور جمعی برگزار شود، ۳۰ تا ۴۰ دقیقه طول می‌کشد. خواندن تورات و خواندن برخی از دعاها، از جمله دعای کدیش یا نماز عزاء، باید در «جماعتی با دست کم ۱۰ بزرگسال» (=منیان) انجام شود.

^۱ <https://religionnews.com/۲۴/۰۳/۲۰۲۲/jews-say-making-daylight-saving-time-permanent-threatens-morning-prayer>

طبق قوانین یهود، اولین زمان برای خواندن نماز صبحگاهی زمانی است که نور طبیعی کافی وجود داشته باشد؛ «زمانی که کسی بتواند یک آشنا را در فاصله شش فوتی ببیند». این یک استاندارد فردی است، اما معمولاً نماز صبح بعد از طلوع آفتاب و قبل از ظهر انجام می‌شود.

انتخابات فرانسه؛ حمایت دو انجمن مهم یهودیان از ماکرون به دلیل ترس از ممنوعیت ذبح شرعی



مهم‌ترین انجمن‌های یهودیان فرانسه، «کانسیستوار و کریف» از ریاست جمهوری امانوئل ماکرون در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری حمایت کردند. این دو انجمن با انتشار بیانیه‌هایی نوشتند که «بنام دفاع از ارزش‌های جمهوری فرانسه» از اعضای خود می‌خواهند به امانوئل ماکرون رأی بدهند. در بیانیه انجمن‌های یهودیان از «تمامی شهروندان خواسته شده تا به‌طور گسترده برای پیروزی فرانسه در ۲۴ آوریل» بسیج شوند.

کمتر از ده روز دیگر امانوئل ماکرون، رئیس جمهور و رهبر حزب در راه و مارین لوپن، رهبر حزب اتحاد ملی، راست‌گرایان افراطی، در دور نهایی انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند.

الی کورچیا، رئیس انجمن کانسیستوار و خاخام اعظم، حیم کورسیا، در یکی از بیانی‌ها تأکید کردند که پیروزی «راست‌گرایان افراطی یک خطر جدی برای کل فرانسه» است. در همین راستا این دو مقام یهودی از تمام هم‌کیشان، حتی آنهایی که با امانوئل ماکرون اختلاف نظر دارند، خواستند تا به این اختلافات پایان داده و برای حفظ «جمهوری» ماکرون را دور دوم انتخاب کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخی راست‌گرایان افراطی فرانسه «یهودی‌ستیزی» آنها است. ژان ماری لوپن، پدر مارین لوپن، که دهه‌ها رهبر حزب راست‌گرای افراطی «جبهه ملی» بود چندین بار موضوع «کوره‌های آدم‌سوزی و کشتار میلیونی یهودیان توسط ارتش هیتلری» را زیر سؤال برده است.

دختر او که امروز رقیب اصلی امانوئل ماکرون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ آوریل است، در یک دهه گذشته سعی کرد تا چهره «یهودی‌ستیزانه» حامیان پدرش را تظہیر کند.

یکی از مهم‌ترین ابتکارهای او تغییر نام حزب پدرش، از جبهه ملی به اتحاد ملی و اخراج پدر از این حزب بود.

مارین لوپن مخالف ذبح شرعی حیوانات چه برای یهودیان و چه برای مسلمانان است.

مؤسسات یهودی نگران هستند که در صورت انتخاب مارین لوپن، به جز افزایش یهودی‌ستیزی مجبور شوند که محصولات دامی خود را از خارج وارد کنند.

در بیانیه انجمن کونسیستوار آمده است: «ذبح گوشت برای شهروندان یهودی و شهروندان مسلمان بخشی از آیین‌های دینی و مذهبی محسوب می‌شود و قانون اساسی فرانسه امکان انجام آزادانه آیین‌های مذهبی را به شهروندان می‌دهد. آزادی دین و عقیده، ستون قانون اساسی است و باید همه نامزدها به آن احترام بگذارند.»

فرانسه بیشترین تعداد شهروندان یهودی در اروپا را دارد. آخرین آمار در سال ۲۰۱۶ تعداد آنها را بیش از ۴۱۶ هزار نفر ثبت کرده است. پس از فرانسه، بریتانیا با ۲۱۹ هزار نفر و سپس روسیه و آلمان با کمتر از ۱۸۰ هزار یهودی قرار می‌گیرند.^۱

^۱ https://per.euronews.com/۱۳/۰۴/۲۰۲۲/jewish_associations_supporting-macron_for_the_presidential_elections

اخبار کوتاه

۱. شورای وزیران مصر، سه‌شنبه ۲۳ فروردین از موافقت با پیش‌نویس قانون ممنوعیت ازدواج زیر ۱۸ سال و حبس متخلفان و ترغیب‌کنندگان به آن خبر داد. شورای وزیران در بیانیه‌ای تصریح کرد که پیش‌نویس مذکور برای کاهش این پدیده منفی و اثرات منفی آن از حیث این که افراد زیر ۱۸ سال آمادگی روانی، فرهنگی، عقلی یا جسمی را ندارند، است. بر اساس این لایحه، هرکسی که پسر یا دختر زیر ۱۸ سال را به ازدواج درآورد به یک سال حبس و جریمه ۵۰ تا ۲۰۰ هزار جنیه مصری مجازات می‌شود.^۱
۲. «ذبیح‌الله مجاهد» سخنگوی مرکزی طالبان حمله تروریستی مشهد را محکوم کرد. مجاهد در پیامی نوشت: «امارت اسلامی حمله بر عبادتگاه و روحانیون در کشور ایران را محکوم می‌نماید. این کار ربطی به افغان‌ها و افغانستان ندارد.» از سوی دیگر نیز اقشار مختلف اتباع افغانستانی در ایران با صدور بیانیه‌هایی این حمله را محکوم کرده و از دو ملت ایران و افغانستان خواستند تا اسیر فتنه‌های قومی و مذهبی نشوند.^۲
۳. اولین نماز تراویح پس از ۸۸ سال با تأخیر دو ساله به دلیل شیوع همه‌گیری کرونا در مسجد ایاصوفیه استانبول برگزار شد. این مسجد پس از ۸۶ سال

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۵۱۷۵۰>

^۲ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۱۱۸۰۰۰۰۱۰>

در ۲۴ جولای ۲۰۲۰ بازگشایی شد. در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه نماز

تراویح به سنت عثمانی «اندرون»^۱ در این مسجد اقامه می‌شود.^۲

۴. سفیر سعودی در انگلیس در نشستی که در دانشگاه آکسفورد برگزار شده

بود تلاش کرد رنگ دینی بودن را از کشورش بزداید. خالد بن بندر آل

سعود گفت: «باید بگویم دولت من (دولت سعودی) ادعای رهبری دینی ندارد

و روشی که ما در حکمرانی دنبال می‌کنیم بر این اساس نیست که نقشی در

توسعه دین داریم، اما بی‌شک بر علما تأثیرگذاریم.» بن بندر ادامه داد: «بار

دیگر می‌گویم که خانواده حاکم بر عربستان ارتباطی به محمد(ص) ندارد،

ما فقط یک قبیله بیابانگرد بودیم که در جنگ پیروز شدیم.» پیش از این

نیز محمد بن سلمان در مصاحبه با مجله «آتلانتیک» در تلاش بر آمد از

شخصیت محمد بن عبدالوهاب و نقش او در تأسیس حکومت سعودی

بکاهد.^۳

۵. رسانه‌های هندی گزارش دادند فروشندگان و بازرگانان مسلمان از برپایی

غرفه‌ها و گاری‌های دستی خود در ایالت کارناتاکا در طول فعالیت‌های

جشنواره کوت ماریکامپا جاتری که از دوم فروردین مطابق با ۲۲ مارس

^۱ در ادامه بخوانید: «ترکیه شیوه باستانی اقامه نماز تراویح در دوره عثمانی را احیا

می‌کند»

ترکیه/اقامه نماز تراویح بعد از ۸۸ سال در مسجد - <https://www.aa.com.tr/fa>

۲۵۵۰۰۳۰/یا صوفیه-استانبول

^۳ <https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۴۰۲۶۴۲>

برگزار شد، محروم شدند. این در حالی است که فروشندگان هندی از سایر ادیان به طور معمول کار خود را ادامه دادند. این اقدام یک حرکت تشدید و تبعیض‌آمیز جدید علیه مسلمانان هندی در این کشور است. این ممنوعیت فعالیت در واکنش به خواسته جنبش ملی‌گرای هندو (هندوتوا) صورت گرفته است.^۱

۶. حجت‌الاسلام و المسلمین سید علی السید قاسم، رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌ها در لبنان، حکم رسمی دولت واتیکان را برای عضویت در کمیسیون بین‌المللی پاپی مسیحی و اسلامی و نمایندگی جامعه شریف شیعیان در واتیکان دریافت کرد. این مراسم در حضور منوسینور جوزف اسپتیری، نماینده پاپ فرانسیس، سفیر پاپ در لبنان و شخصیت‌های رسمی و اندیشمندانی از واتیکان و لبنان برگزار شد.^۲

۷. ترکی الشیخ، رئیس اداره سرگرمی‌های عمومی (هیئة الترفیه العامة) در عربستان سعودی، با انتشار کلیپی با چهره یکی از شخصیت‌های سریال کارتونی معروف آمریکایی «سیمپسون‌ها»، مردم عربستان را به بزرگ‌ترین جشن بالماسکه در شهر ریاض دعوت کرد. این جشن بالماسکه پنج‌شنبه، ۱۷ مارس و مصادف با عید یهودی «پوریم» در ریاض برگزار شد. جشن پوریم هر ساله و در چهاردهم ماه عبری «ادار» برگزار می‌شود. این جشنی است

^۱ <http://shabestan.ir/detail/News/۱۱۵۹۶۹۱>

^۲ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۴۵۳۶۵>

که به مناسبت نجات یهودیان ایران در زمان خشایارشا از دست هامن بر
پا می‌گردد.^۱

^۱ https://www.bbc.com/arabic/trending_۶۰۷۹۸۰۹۰



بخش دوم: روندها

ماه رمضان و مقاومت فلسطین

«عید پسخ»، بشکه باروت قدس اشغالی



از ابتدای ماه مبارک رمضان و به دنبال تشدید تنش‌ها در اراضی اشغالی، فراخوان‌ها و تهدیدات گروه‌های موسوم به «معبد» و خاخام‌ها برای ورود غیرقانونی به مسجد الاقصی در جریان آنچه عید «پسخ» خوانده می‌شود، شدت می‌گیرد تا صهیونیست‌ها در محوطه مسجد الاقصی به تقدیم قربانی برای عید پسخ بپردازند.

«گروه‌های صهیونیستی معبد» چه کسانی هستند؟

نخستین گروه‌های موسوم به جماعت‌های معبد در دهه ۶۰ قرن گذشته میلادی و به طور مشخص پس از اشغال شهر قدس توسط ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ تشکیل شدند و «جماعت امنای کوه معبد» نامیده می‌شوند.

مقصود از کوه معبد یا کوه هیکل همان حرم شریف قدس است که بر روی یک تپه در محله قدیمی بیت المقدس واقع شده است.

جماعت امنای هیکل یک جنبش یهودی-ارتدوکسی بسیار افراطی است که مقر آن در شهر قدس اشغالی قرار دارد و هدف اصلی آن ساخت آنچه «هیکل سلیمان» (معبد سلیمان) خوانده می‌شود، به جای مسجد الاقصی و احیای محل بجا آوردن آیین قربانی است.

این جنبش در سال ۱۹۶۷ توسط فردی به نام «گرشون سالمون» یکی از افسران ارتش رژیم صهیونیستی بنیان نهاده شد. اعضای این جنبش علناً خواهان تخریب مسجد الاقصی و اخراج تمام مسلمانان و مسیحیان از آنچه «سرزمین اسرائیل» می‌نامند، هستند.

طی دهه‌های گذشته و به خصوص پس از انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰، تعداد زیادی از این گروه‌های صهیونیستی در اراضی اشغالی رشد و توسعه پیدا کردند. این گروه‌ها بر این باورند که برپایی معبد ادعایی به جای مسجد الاقصی به منزله جوهر حضور صهیونیسم در خاک فلسطین است.

از سال ۲۰۰۳ یعنی سالی که ورود غیرقانونی صهیونیست‌ها به مسجد الاقصی با دستور قضایی آغاز شد، این گروه‌ها نفوذ بسیار زیادی در نهادهای رژیم صهیونیستی پیدا کردند و سهمیه‌ای روزافزون در کِنِست (پارلمان رژیم صهیونیستی) کسب کردند تا به نوعی مشخص‌کننده سیاست‌های کلی در اراضی اشغالی باشند و امتیازات بسیاری در یهودی‌سازی قدس به دست آورند.

این گروه‌ها در تلاش برای ایجاد سیاست‌هایی به منظور اخراج فلسطینیان از سرزمینشان و تضعیف پایداری آن‌ها با توسل به هر شیوه‌ای برای تهدید زندگی فلسطینیان، دارایی‌ها و مقدسات آن‌ها هستند. طبق اطلاعات ارائه شده توسط «مرکز اطلاعات ملی فلسطین»، اقدامات این گروه‌ها با حمایت و پشتیبانی نهادهای امنیتی، نظامی و سیاسی و حتی نهادهای قانون‌گذار در اراضی اشغالی صورت می‌گیرد.

ده‌ها نفر از این گروه‌های صهیونیستی همواره درصدد برآمده‌اند تا فراکسیونی در میان راست‌گرایان اراضی اشغالی شکل دهند و در تشکیل کابینه‌های راست‌گرا در اراضی اشغالی نقش داشته باشند.

مقصود از قربانی عید پسخ در محوطه مسجد الاقصی چیست؟

از ابتدای ماه مبارک رمضان، این گروه‌ها فراخوانی برای ورود به مسجد الاقصی در طول روزهای «عید پسخ» صادر کردند. این عید که از روز جمعه ۲۶ فروردین‌ماه آغاز می‌شود و تا روز شنبه ۳ اردیبهشت‌ماه ادامه می‌یابد، پس انجام «قربانی‌های پسخ» پایان می‌یابد. این عید به مناسبت آزادی یهودیان از برده‌داری فرعون‌های مصر بزرگ داشته می‌شود.

«رافائل موریس» رهبر گروه موسوم به «بازگشت به کوه معبد» که اخیراً متعهد به اجرای این آیین شده، در ابتدای ماه مبارک رمضان در پیامی به پلیس رژیم صهیونیستی این موضوع را مطرح کرد و مدعی شد: «طبق برنامه، با دوستان خود در شب عید پسخ برای تقدیم قربانی خواهیم آمد... تا برای جهان روشن کنیم

که این پاسخ صهیونیستی اصیل ما به موج تروریسم است. و همچنین برای اینکه حاکمیت یهودی کامل بر کوه معبد را اعلام کنیم».

«یهودا کروز» دبیرکل شورای سنهدرین جدید نیز روز سه‌شنبه، ۲۳ فروردین، در جریان سخنرانی خود در مسجد الاقصی به همین موضوع پرداخت و ادعا کرد: «همه چیز آماده تقدیم کردن قربانی پسخ در کوه معبد است». او با اشاره به «قبه سلسله» (گنبد مستقلی در شرق قبه الصخره) گفت: «در زمان مشخص شده، اینجا محل ذبح خواهد بود».

طبق آموزه‌های تورات، قربانی‌های عید پسخ بایست در شب این عید سر بریده شوند و خون آن‌ها در نزدیکی قبه سلسله جاری شود؛ قبه‌ای که صهیونیست‌ها مدعی هستند به منظور پنهان کردن آثار «ذبح‌گاه توراتی» بنا شده است.

«زیاد ابیحیص» پژوهشگران امور قدس در گفت‌وگو خبرگزاری رسمی فلسطین «وفا» در این خصوص می‌گوید که احیای آیین قربانی توسط گروه‌های هیکل برای تمام مسلمانان جهان چالشی بزرگ است که با حمایت مقامات رژیم صهیونیستی انجام می‌شود. وی می‌افزاید که این مراسم در واقع برای احیای آن معبد ادعایی صورت می‌گیرد چراکه این گروه‌ها بر این باورند که «قربانی کردن آیین محوری یهودیان است که با ویرانی معبد، از بین رفته است. احیای آیین قربانی درواقع احیای معنوی همان معبد است که با در نظر گرفتن مسجد الاقصی به عنوان سازه صورت می‌گیرد؛ با آنکه بنا و آثار این مسجد همچنان اسلامی است».

ابحیص همچنین در این باره خبر داد که این گروه‌های افراطی عملاً روز دوشنبه، ۲۲ فروردین، قربانی عید پسخ را در منطقه «القصور الامویه» که کاملاً چسبیده به مسجد الاقصی است، شبیه‌سازی کرده‌اند.

رسانه‌های عبری و فلسطینی اخیراً ویدئوهایی را منتشر کردند که نشان می‌داد اعضای گروه‌های معبد عصر دوشنبه در اقدامی به منظور شبیه‌سازی قربانی در عید پسخ که قرار است عصر روز جمعه، ۲۶ فروردین، آغاز شود، قربانی کرده‌اند.

جنبش بازگشت به کوه معبد، روز سه‌شنبه، در اظهاراتی اعلام کرد که به کسانی که موفق به قربانی عید پسخ در مسجد الاقصی می‌شوند، جایزه مالی خواهد داد. در پیام این فراخوان آمده بود که این مسابقه هم‌زمان با تهدیدات جنبش حماس و ممانعت پلیس از وارد کردن قربانی‌ها به مسجد الاقصی در جریان عید پسخ صورت می‌گیرد.

این جنبش اعلام کرد: «کسانی که تلاش می‌کنند قربانی کنند و موفق نمی‌شوند، ۴۰۰ شِکِل (واحد پول رژیم صهیونیستی) دریافت می‌کنند و کسانی که تلاش می‌کنند و تا حدودی موفق به این کار می‌شوند، ۸۰۰ شِکِل دریافت خواهند کرد. اما کسانی که به صورت موفقیت‌آمیز در الاقصی قربانی می‌کنند، ۱۰ هزار شِکِل مبلغ مالی یعنی چیزی برابر با ۳۱۰۰ دلار آمریکا دریافت می‌کنند».

صهیونیست‌ها در عید پسخ آیین‌هایی توراتی را انجام می‌دهند و با آوردن «فطیر عید» به مسجد الاقصی، اقدام به همخوانی بخش‌هایی از «شموت» یا «سفر خروج» می‌کنند که در آن به خروج بنی‌اسرائیل از مصر پرداخته شده است.

همچنین گروهی از کاهنان با لباس سفید «توبه» برای انجام آیین‌های توراتی در الاقصی وارد مسجد می‌شوند.

بشکه باروت؛ هشدار درباره انفجار وضعیت در قدس

عده‌ای از ناظران پس از فراخوان گروه‌های معبد برای ورود به مسجد الاقصی و قربانی در محوطه مسجد هشدار داده‌اند که وضعیت در قدس تا سرحد انفجار پیش خواهد رفت. «ناجح بکیرات» معاون مدیر اداره اوقاف اسلامی قدس اشغالی در این باره می‌گوید: «کابینه اشغالگران با تمام بازوها و نهادهای خود از طریق این تحولات و رخدادها بنا دارد وضعیت را متشنج کند و اهالی قدس، نمازگزاران و افرادی را که به اقصی می‌آیند، تحریک نماید».

شیخ بکیرات می‌افزاید که تل‌آویو با این اقدامات به دنبال تحقق سه هدف است؛ اول تحمیل کارشکنی‌های صهیونیست‌ها به اهالی قدس و مردم فلسطین و جهان و عادی کردن این امور در نظر آن‌ها. دوم، مخابره کردن این پیام که دیگر چیزی مقدسی وجود ندارد و مسجد الاقصی و همچنین ماه رمضان برایشان اهمیتی ندارد و پایان دادن قداست مسجد الاقصی. سوم، خالی کردن شهر از حضور فلسطینیان به منظور زمینه‌سازی برای اعیاد.

گروه‌های مقاومت فلسطین نیز روز دوشنبه هشدار داده بودند که اجرای این آیین در مسجد الاقصی به معنای زیرپا گذاشتن خطوط قرمز و «بازی با آتش» است. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، چهارشنبه، رسماً در بیانیه‌ای به رژیم صهیونیستی درباره برگزاری این آیین در مسجد الاقصی هشدار داد.

حماس در بخشی از بیانیه خود اعلام کرد: «از هیأت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که تمام اقدامات را برای جلوگیری از این خطر اتخاذ کنند که ممکن است به شعله‌ور شدن تمام منطقه بیانجامد».

در پی پیام هشدارآمیز مقاومت فلسطین درباره هرگونه اقدام تحریک‌آمیز، «اسحاق هرتزوگ» رئیس رژیم صهیونیستی از تأکید تل‌آویو بر حفظ وضعیت موجود در حرم قدسی خبر داد و خبرها مبنی بر قصد شهرک‌نشینان برای ذبح قربانی‌هایشان در روز عید یهودی «پسح» در مسجد الاقصی را رد کرد.^۱

فلسطینی‌ها مقبره یوسف در نابلس را تخریب کردند



صبح روز یکشنبه، ۲۱ فروردین، فلسطینی‌ها مقبره یوسف در شرق نابلس در شمال کرانه باختری اشغالی را تخریب کردند.

^۱ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۱۲۴۰۰۰۶۱۵>

شاهدان عینی گزارش دادند که ده‌ها فلسطینی در تظاهراتی که از مرکز اردوگاه آوارگان بلاطه در شرق نابلس آغاز شد، شرکت کردند و اقدامات رژیم صهیونیستی در شهر جنین (شمال) و اردوگاه آن را محکوم کردند.

شاهدان توضیح دادند که راهپیمایی به سمت مقبره یوسف در شهر بلاطه منتهی شد، جایی که شرکت‌کنندگان درهای مقبره را شکسته، سنگ مرمر مقبره و متعلقات آن را تخریب و بخشی از آن را آتش زدند.

بنی گانتز، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در این باره گفت: «حادثه نقض حرمت مقبره یوسف یک موضوع بسیار جدی است و اسرائیل مایل است این مکان را بازسازی و سریعاً آن را به حالت سابق برگرداند و تمام اقدامات را برای جلوگیری از تکرار چنین حادثه‌ای انجام دهد».

وی در بیانیه‌ای که وبسایت عبری واللا منتشر کرده است، افزود: «من امروز صبح پیامی تند به تشکیلات خودگردان فلسطین دادم که موظف است فوراً حضور نیروهای خود را در این مکان تشدید کند و اقداماتی را علیه کسانی که به ثبات، امنیت و اماکن مقدس آسیب می‌زنند، اتخاذ کند».

مقبره یوسف در لبه شرقی نابلس قرار دارد که تحت کنترل فلسطینیان است و از زمان اشغال کرانه باختری توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷، یهودیان آن را زیارتگاه مقدس می‌دانند.

بر اساس اعتقادات یهودیان، استخوان‌های یوسف بن یعقوب پیامبر از مصر آورده شده و در این مکان دفن شده است، اما تعدادی از باستان‌شناسان صحت

روایت اسرائیلی‌ها را رد کرده و گفته‌اند که این زیارتگاه تنها چند قرن قدمت دارد و زیارتگاه (آرامگاه) شخصی مسلمان به نام «یوسف دویکات» است.^۱

اعتراض کاربران فضای مجازی به استقبال از سلبریتی ترک توسط فلسطینی‌ها



به دنبال ورود بوراک اوردمیز، مشهورترین سرآشپز جوان ترکیه‌ای به مسجد الاقصی، بخشی از فضای مجازی فلسطینی‌ها و کاربران عرب‌زبان به بحثی داغ درباره این موضوع گذشت.

^۱ <https://www.alquds.co.uk/> فلسطینیون - یحطمون مقننات قبر یوسف فی

بوراک، یک سرآشپز و فودبلاگر جوان ترکیه‌ای است که به خاطر لبخندهای خیره و بی‌وقفه‌اش به سمت دوربین در حین آشپزی مشهور شده و در مدت زمان کوتاهی با حمایت پدرش توانسته، مجموعه رستوران‌های زنجیره‌ای را در ترکیه دایر کند.

این سلبریتی در اینستاگرام بیش از ۳۳ میلیون فالوئر، در تیک‌تاک بیش از ۵۷ میلیون فالوئر و کانال یوتیوبش هم ۵ میلیون دنبال‌کننده دارد. از همین جا می‌توان دانست که در منطقه یکی از مشهورترین‌ها به حساب می‌آید.

بوراک، عصر روز جمعه، ۱۹ فروردین و ۶ ماه رمضان، وارد مسجد الاقصی شد و استقبال پرحرارت بخشی از فلسطینی‌ها از او در جوار مسجد الاقصی، حرف‌وحديث‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده است.

ماجرا آنجا داغ می‌شود که بدانیم رژیم صهیونیستی تنها به شهروندان کشورهایی جواز ورود به بیت‌المقدس را می‌دهد که چیزی به نام «اسرائیل» را به رسمیت شناخته باشند و در نتیجه دولت‌های این کشورها باید نوع رابطه‌شان را به سمت «عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس» سوق داده باشند. حتی خود فلسطینی‌های ساکن دیگر مناطق سرزمین‌های اشغالی غیر از بیت‌المقدس (اورشلیم) هم قادر به ورود به این منطقه نیستند. بنابراین بوراک از جواز اسرائیلی برای ورود به مسجد الاقصی استفاده کرده است.

یک کاربر فلسطینی از غزه در توئیترش ضمن بازنشر ویدئوی استقبال از بوراک نوشته است: «روشن است که هر فردی که تابعیت فلسطینی نداشته باشد و خارج از فلسطین زندگی کند و برای ورود به مسجد الاقصی باید انگشت‌نگاری

شود، اعم از خلیجی، هندی، ترکی و غیره... بوراک تابعیت فلسطینی ندارد اما در چشم به هم زدن به الاقصی آمده است! در حالی که من فلسطینی ساکن فلسطین هستم اما در عمرم مسجد الاقصی را ندیده‌ام!!»

ترکیه یکی از اولین کشورهایی بود که از سال ۲۰۱۶ تدریجاً به سمت عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل حرکت کرد تا اینکه سال گذشته دیدارهای رسمی دیپلماتیک بین سران ارشد دولتی ترکیه با سران رژیم صهیونیستی، رسماً از آغاز روابط خبر داد.

بنابراین بوراک برای فلسطینی‌ها در واقع بیش از آنکه یک سلبیتی ساده، یک سرآشپز مشهور یا یک فودبلاگر فعال اجتماعی خندان و مهربان باشد، نماد عادی‌سازی روابط ترکیه با رژیمی است که سرزمین‌شان را غصب کرده است. بر این اساس، رفتار بخشی از اهالی بیت المقدس در استقبال از بوراک توسط بسیاری از کاربران فلسطینی، مصری، ایرانی و حتی سعودی و دیگران مورد انتقاد قرار گرفته است.

یک کاربر سعودی، ویدئوی بیرون انداختن چند زائر اماراتی از مسجد الاقصی توسط فلسطینی‌ها را که در آن با عبارت «عادی‌سازها بروید بیرون! عادی‌سازها بروید بیرون!» را علیه آنان به کار می‌برند، باز نشر کرده و به طعنه نوشته است: «یک اماراتی دارد می‌رود در اقصی نماز بخواند، و بفرماید! این استقبال فلسطینی‌ها از اوست! دقیقاً شبیه استقبالی که از بوراک کردند! دورش را گرفته بودند و برایش سجاده قرمز پهن می‌کردند در حالی که می‌دانستند بحرین

و امارات، آخرین دولت‌هایی هستند که عادی‌سازی را در پیش گرفتند اما ترکیه اولین دولتی بود که با یهود وارد رابطه شد».

بدیهی است که این برخورد تنها محدود به جمعیتی اندک از فلسطینیان است که در ویدئوها هم از چند صد نفر تجاوز نمی‌کنند. اما این رفتار قابل نقد و قابل تأمل در نقض روند تحت فشار قرار دادن عادی‌سازان روابط با اسرائیل در خاک سرزمین‌های اشغالی موضوعی است که وجدان دیگر ملت‌های منطقه را درد آورده و آنان را وادار به واکنش کرده است.

حالا سؤال یا انتقاد دیروز و امروز کاربران فضای مجازی، این بوده است که چرا با بوراک، برخورد متفاوتی نسبت به سایر عادی‌سازان شده است؟ آیا این اتفاق به پدیده سلبریتیسم باز می‌گردد؟ آیا ممکن است استقبال‌کنندگان از این مسئله اطلاع نداشته باشند؟ آیا علاقه به یک چهره مشهور، آنان را از تصمیم درست در لحظه ناتوان کرده است؟^۱

ملاحظه: دولت ترکیه که این روزها در پی اصلاح روابط خود با عربستان، امارات، مصر و به خصوص رژیم صهیونیستی است، از سویی با میزبانی از رئیس‌جمهور این رژیم در استانبول و یا با محکوم کردن عملیات‌های شهادت طلبانه این روزهای جوانان فلسطینی در کرانه باختری، به شدت پایبندی خود را به روابط استراتژیک با رژیم صهیونیستی اثبات می‌کند و از سویی دیگر با فرستادن سلبریتی خود در قالب هیئت هلال احمر ترکیه و با نمایش مانوری از فعالیت‌های خیرانه و پخش غذا میان

^۱ <https://www.mehrnews.com/news/۵۴۶۳۵۶۱>

نیازمندان، تلاش دارد همچنان برگ برنده حمایت از مسئله فلسطین را برای خود زنده نگه دارد.

آتش‌سوزی مهیب در پروژه بزرگ در دست ساخت فرقه بهائیت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین



اوایل فروردین امسال رسانه‌های بهائیت خبر از پیشرفت پروژه بزرگ ساختمانی خود در شهر عکای فلسطین اشغالی داده بودند.

این ساختمان که از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ساختمانی این فرقه یاد شده، به عنوان مرقد پیشوای دوم این فرقه عباس عبدالبهاء در حال احداث بود.

اما جمعه ۸ آوریل برخی رسانه‌های محلی خبر دادند که دقیقاً همین مجتمع ساختمانی دچار یک آتش‌سوزی مهیب شده و به کلی در آتش سوخته است.

مرکز تشکیلات بهائیت مستقر در سرزمین‌های اشغالی با انتشار بیانیه‌ای وقوع این آتش‌سوزی را تأیید و به خسارات سنگین ناشی از آن اعتراف کرده است.^۱

گفتنی است با وجود گذشت چندین روز از واقعه آتش گرفتن مقبره یکصد میلیون دلاری عباس افندی، همه رسانه‌های غربی و حتی عربی هیچ اشاره‌ای به این افتضاح امنیتی اسرائیل و مصیبت بهائیان نکرده‌اند، این در حالی است که کمترین اتفاق در خاک اسرائیل به سرعت در دنیا پخش می‌گردد.

^۱ https://t.me/Ali_MousaviNejad/۶۲۲

اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

فیلم پرونده‌های کشمیر؛ مودی از آن تجیدی کند و منتقدان می‌گویند به نسل‌کشی مسلمانان در هند دامن خواهد زد



یک فیلم هندی کم‌هزینه جدید با تمرکز بر مهاجرت هزاران هندو از منطقه مورد مناقشه کشمیر با اکثریت مسلمان، تحسین‌های نخست‌وزیر نارندرا مودی را برانگیخت و در گیشه موفق شد.

«پرونده‌های کشمیر»، فیلمی ۱۷۰ دقیقه‌ای به زبان هندی (IMDb: ۱۰/۸،۳) است که داستان تخیلی دانش‌آموزی را روایت می‌کند. او طی داستان متوجه می‌شود والدین هندی کشمیری‌اش توسط شبه‌نظامیان اسلام‌گرا کشته شده‌اند و آن‌طور که پدر بزرگش به او گفته در تصادف نبوده است.

حامیان این فیلم که در جریان تحولات خشونت‌آمیز سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۰ و در زمان حال اتفاق می‌افتد، می‌گویند که به فصلی از تاریخ کشمیر که اغلب نادیده گرفته می‌شود، نور می‌تابد. منتقدان می‌گویند که این فیلم نسبت به واقعیت‌ها و جریان‌ات ضد اسلامی بی‌تفاوت است.

هنگامی که در سال ۱۹۸۹ شورشی علیه حکومت هند در گرفت، صدها هزار نفر مجبور به ترک کشمیر شدند و خانه‌ها و جان‌های بسیاری را از دست دادند. بسیاری از آنها هندو بودند که به «پاندیت‌های کشمیری» معروف بودند و بعداً در اردوگاه‌هایی در شمال هند مستقر شدند.

از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۴، حزب ملی‌گرای هندو به رهبری مودی از هندوهای آواره کشمیر که می‌خواهند به وطن خود بازگردند، حمایت کرده است.

مودی فیلم را تحسین کرده و گفت که این فیلم حقیقت را نشان می‌دهد و برخی با منافع شخصی کمپینی برای بی‌اعتبار کردن آن به راه انداخته‌اند. مودی بدون اینکه مشخص کند به چه کسی اشاره می‌کند، گفت: «آنها شوکه شده‌اند که حقیقتی که برای سال‌ها پنهان شده بود آشکار شد و با واقعیت‌ها پشتیبانی می‌شود».

بلافاصله پس از اکران فیلم، بسیاری از ایالت‌های تحت حاکمیت BJP (از جمله: اوتار پرادش، گوا، تریپورا، مادیا پرادش، کارناتاکا، هاریانا، گجرات و اوتاراکند) این فیلم را معاف از مالیات کردند. در مادیا پرادش، دولت یک نمایش ویژه فیلم را برای وزرای کابینه ترتیب داده است. یکی از رهبران ایالتی حزب

بهاراتیا جاناتا (BJP) به کارمندان دولت نیم روز مرخصی داد تا بروند و فیلم را ببینند.

حامیان مودی و BJP این فیلم را در رسانه‌های اجتماعی تأیید کرده‌اند، در حالی که ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نشان می‌دهد که تماشاگران فیلم مردم را تشویق می‌کنند، شعار می‌دهند و پرچم‌های هند را به اهتزاز در می‌آورند. آکشی راثی، که صاحب چندین سالن نمایش در مرکز و غرب هند است، می‌گوید: «به وضوح این همان داستانی است که مردم هند می‌خواهند در حال حاضر بشنوند.»

از آغاز اکران، این فیلم در کمتر از یک هفته از ۴۰۰ اکران در سراسر کشور به ۳۰۰۰ اکران رسید.

بر اساس ارقام منتشر شده توسط تاران آدارش، تحلیلگر تجاری، در زمانی که بسیاری به دلیل ترس از کووید-۱۹ نگران بازدید از سالن‌های سینما هستند، این فیلم طی پنج روز ۶۰۰ میلیون روپیه (۷,۸۶ میلیون دلار) در گیشه هند فروخته است.

برای مقایسه، یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های اخیر بالیوود، «Gangubai Kathiawadi»، در پنج روز اول فروش خود ۵۷۰ میلیون روپیه بلیط فروخت. راثی گفت: «آنچه ما می‌بینیم یک موفقیت بی‌سابقه در فروش است که قبلاً مشابه آن را ندیده بودیم. باور نکردنی است.»

با این حال، همه موافق نیستند، برخی فیلم را به عنوان شاهی بر دوقطبی شدن فزاینده مذهبی هند می‌دانند که منتقدان می‌گویند که مودی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۴ به آن دامن زده است.^۱

انیس احمد، دبیر جبهه مردمی هند (PFI) در توییتری نوشت که هدف همیشه تسریع نسل‌کشی مسلمانان در هند بوده است. وی در ادامه با به اشتراک گذاشتن ویدیوی یک سالن سینما نوشت: «تنها چیزی که در فیلم‌های سینما می‌بینید، فراخوان‌های آشکار نسل‌کشی مسلمانان است».

وی در ادامه نوشت: «این کشور باید به خاطر داشته باشد که اگر نسل‌کشی مسلمانان رخ دهد، ویوک آگنیهورتری کارگردان و بازیگران «پرونده‌های کشمیر» نیز مسئول خواهند بود».^۲

^۱ <https://www.reuters.com/world/india/controversial-kashmir-movie-praised-by-indias-modi-is-box-office-hit-۱۶-۰۳-۲۰۲۲>

^۲

<https://twitter.com/AnisPFI/status/۱۵۰۴۳۱۶۰۲۴۰۸۶۰۹۷۹۲۲?s=۲۰&t=pjUUHaUixhLtLMdBqauZDQ>

دادگاه عالی کارناتاکا در هند ممنوعیت حجاب در مدارس را تأیید کرد



دادگاهی در هند سه‌شنبه، ۱۵ مارس، ممنوعیت استفاده از حجاب در کلاس‌های درس را در ایالت جنوبی این کشور تأیید کرد که می‌تواند نخستین نمونه برای سراسر کشور باشد که جمعیت بزرگی از مسلمانان را در خود جای داده است.

به گزارش رویترز، قاضی ارشد «ریتو راج آواستی» از دادگاه عالی کارناتاکا در جنوب هند در حکمی گفت: «ما به این نتیجه رسیده‌ایم که استفاده از حجاب توسط زنان مسلمان بخشی از انجام وظایف اصلی و مهم مذهبی در دین اسلام نیست!»

وی ادامه داد: «دولت قدرت و اختیار دارد که درباره خط مشی استفاده از یونیفورم نظر بدهد. ما بر این عقیده هستیم که دستور استفاده از لباس فرم برای

مدارس صرفاً یک محدودیت معقول از نظر قانون اساسی است که محصلان نمی‌توانند به آن اعتراض کنند.»

پیش از صدور این حکم، مقام‌ها و مسئولان این ایالت مدارس و کالج‌ها را تعطیل کرده و محدودیت‌هایی را در تجمعات عمومی با هدف جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی وضع کردند.

سازمان اسلامی دانشجویان در هند نیز که نماینده هزاران محصل مسلمان در سراسر کشور است، گفت که نگران این است حکم امروز باعث شود تا ایالت‌های بیشتری در کلاس‌های درس خود ممنوعیت حجاب را اعمال کنند. کارناتاكا، تنها ایالت جنوبی است که توسط حزب ملی گرای هندو «بهاراتیا جاناتا» به رهبری نخست وزیر نارندرا مودی اداره می‌شود و سال آینده میلادی انتخابات مجلس ایالتی را برگزار می‌کند.

منتقدان می‌گویند حزب مودی احتمالاً از این تفرقه بین مسلمانان و هندوها نفع می‌برد اگرچه حزب گفته که مسئله ممنوعیت حجاب ربطی به تلاش‌های سیاسی آن ندارد.

محصلانی که این ممنوعیت را در دادگاه به چالش کشیده بودند، گفتند که داشتن حجاب یک حق اساسی است که بر اساس قانون اساسی هند تضمین شده و یک عمل ضروری اسلام است.^۱

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۲۴۱۹۴۷۱>

هندوها پخش صدای اذان از مساجد را در ماه رمضان متوقف می‌کنند



هندوها برای جلوگیری از پخش صدای اذان از مساجد در ماه مبارک رمضان بارها اقدام به پخش مراسم و نیایش‌های هندو با صدای بلند و رقص و پایکوبی در کنار مساجد به هنگام اذان کردند. در برخی از این اقدامات، هندوهای افراطی با بالا رفتن از مأذنه مساجد، پرچم زعفرانی‌رنگ هندوها را برافراشتند.

«بهارات شتی»، فعال هندو گفت که این اقدام در سراسر معابد ایالت «یلاهانکا» در هنگام پخش صدای اذان از مساجد اجرایی خواهد شد.

جلوگیری از پخش صدای اذان از مساجد با راه‌اندازی کمپین پخش مراسم نیایش هندوها از این جهت جنجال‌برانگیز شده که با آغاز ماه رمضان همراه شده است.^۱

در همین حال، رهبر یکی از احزاب مرتبط با جناح راست افراطی هند در اتمام‌حجتی به دولت ایالت مهاراشترا خواستار جمع‌آوری بلندگوهای تمام مساجد شد.

راج تاکری، رهبر حزب MNS در اتمام‌حجت خود اعلام کرده که دولت ایالتی باید تا قبل از ۳ می (۱۳ اردیبهشت) این کار را انجام دهد.

تاکری روز سه‌شنبه، ۲۳ فروردین، در یک گردهمایی عمومی گفت که اگر دولت ایالتی قبل از ۳ مه بلندگوها را از مساجد خارج نکند، اعضای MNS در مقابل مساجد، سرود مذهبی هندوها (هانومان چالیسا) را پخش خواهند کرد.

اوایل ماه آوریل، راج تاکری اعلام کرده بود که دولت ایالتی باید بلندگوها را از تمام مساجد حذف کند و مدعی شد که این بلندگوها باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شده است.

او گفته بود که من مخالف هیچ نماز خواندنی نیستم، اما مردم باید در محل زندگی خود به ایمان خود عمل کنند و باعث مزاحمت دیگران نشوند.

به دنبال سخنرانی راج تاکری، بسیاری از حامیان MNS شروع به پخش هانومان چالیسا جلوی مساجد کرده بودند که با دخالت پلیس پایان یافت.

^۱ <http://www.shabestan.ir/detail/News/۱۱۶۲۷۸۹>

راج تاکری تأکید کرد که اگر دولت ایالتی اقدامی نکند او و اعضای حزبش مسئول اقدامات بعدی نیستند.

تاکری و حزب او پیش‌تر به دلیل اعمال خشونت در جریان تبلیغات حزبی خود، به‌ویژه در مورد مهاجران مورد انتقاد قرار گرفته بودند.^۱

دادگاه هند مؤسسه ذاکر نایک را به مدت ۵ سال غیرقانونی اعلام کرد



وزارت کشور هند در اطلاعیه‌ای که روز چهارشنبه ۳۰ مارس صادر کرد، بنیاد «البحوث الإسلامية» (IRF) را غیرقانونی و فعالیت آن را به مدت پنج سال ممنوع اعلام کرد.

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۴۹۲۲۱>

در اطلاعیه وزارت کشور آمده است که سخنان ذاکر نایک، بنیان‌گذار IRF، غیر قابل قبول است، زیرا او تروریست‌های شناخته شده را تمجید می‌کند و همچنین اعلام می‌کند که هر مسلمان باید تروریست باشد.

در ادامه این اطلاعیه آمده است که مؤسس IRF همچنین به ترویج گرویدن اجباری جوانان به اسلام، توجیه بمب‌گذاری‌های انتحاری، طرح نظرات اعتراض‌آمیز علیه هندوها، خدایان هندو و سایر ادیان، که به اهانت به ادیان دیگر است، پرداخته است.

در این اطلاعیه آمده است: «نایک همچنین جوانان مسلمان و تروریست‌های هند و خارج از کشور را برای ارتکاب اقدامات تروریستی تشویق می‌کند».

پیش از برگزاری دادگاه ضد تروریسم، وکیل کل اظهار داشت که شواهد زیادی در پرونده وجود دارد که نشان می‌دهد ذاکر نایک با تبلیغ آموزه‌های خود از طریق ویدیوها و سخنرانی‌ها و سخنرانی‌های تحریک‌آمیز که از طریق کانال‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، همچنان با پیروان خود در هند ارتباط برقرار می‌کند.

در اطلاعیه وزارت کشور همچنین آمده است که مطالب ثبت‌شده در این دادگاه نشان می‌دهد که متولیان IRF و به ویژه ذاکر نایک به سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس به منظور جمع‌آوری سرمایه ادامه می‌دهند و تراست‌ها، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌هایی پوششی را افتتاح کرده‌اند که همه آنها تنها

با هدف رادیکال کردن افراد و به‌ویژه جوانان مسلمان مورد استفاده قرار می‌گیرند.^۱

ملاحظه: ذاکر نایک، مبلغ برجسته هندی و البته انگلیسی‌زبان و متخصص در فضای ادیان تطبیقی است که به جرأت می‌توان گفت بیش از هر مسلمان زنده دیگری، باعث گرایش غیرمسلمانان به اسلام شده و در شبه‌قاره هند و جهان اسلام به پدیده‌ای تبدیل گردیده است.

ظاهر نایک با ریشی بلند و عرقچینی بر سر، در کنار کت و شلوار و کراوات، نشان کاملی از سرّ درون اوست. او از طرفی اصرار دارد که هر آنچه مسلمین می‌گویند باید طبق قرآن و حدیث صحیح باشد و از طرف دیگر عقل و منطق و همچنین علم را در کنار قرآن و حدیث از منابع معتبر برای رسیدن به حقیقت می‌شمرد؛ و این یعنی سلفیت در کنار روشنفکری! ذاکر نایک از سال ۲۰۱۶ به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی دولت هند، در مالزی به سر می‌برد. او در هند به «پول‌شویی، نفرت‌پراکنی و ترویج تروریسم» متهم است. وی همچنین به دلیل اظهارات اخیرش در باره حقوق هندوها در معرض انتقادهای شدید قرار گرفته است.

ذاکر نایک به تازگی با زیر سؤال بردن نابرابری میان هندوها و دیگر اقلیت‌های ساکن در مالزی گفته بود که حقوق هندوها در این کشور جنوب شرق آسیا «صد برابر بیشتر» از اقلیت مسلمان در هند است.

^۱ <https://www.ndtv.com/india-news/religious-preacher-zakir-naiks-islamic-foundation-banned-unlawful-uapa-tribunal-۲۸۵۳۷۷۲>

هند تاکنون چندین بار از مالزی درخواست کرده است که ذاکر نایک را به این کشور تحویل دهد اما این درخواست‌ها از سوی مالزی رد شده‌اند. این امر سبب سرد شدن روابط و تنش میان هند و مالزی شده است.

مرجعیت دینی در صحنه سیاسی عراق

نماینده آیت‌الله سیستانی دلیل تعلیق خطبه مرجعیت را بیان کرد



سید احمد الصافی، نماینده آیت‌الله سیستانی و امام جمعه حرم حسینی، درباره توقف قرائت خطبه دوم نماز جمعه کربلا معروف به خطبه مرجعیت گفت: «بعضی اوقات متن خطبه به دلیل اهمیت موضوع به دست حضرت آیت‌الله سید علی سیستانی (مدّ ظلّه العالی) نگاشته می‌شود و برخی از مواقع کلیات مطلب توسط او گوشزد می‌شود و در مورد سوم هم خطیب خطبه را نوشته و برای مرجع عالی ارسال می‌کند تا ایشان حذف و اضافاتی را که در آن لازم است، اعمال کنند.»

او تأکید کرد: «برخی گروه‌های سیاسی به خیلی از توصیه‌های مرجع عالیقدر عمل نمی‌کنند در حالی که آیت الله سیستانی قصد ندارد که فقط سخنرانی کند، بلکه می‌خواهد این سخنرانی تأثیر داشته باشد با این وجود برخی پاسخ بسیار ضعیفی دادند با وجود اینکه محتوای خطبه بیش از یک بار تکرار شده بود.»

نماینده مرجعیت عالیقدر شیعه در عراق تأکید کرد که تاکنون تصمیمی برای از سر گرفته شدن خطبه دوم نماز جمعه کربلا گرفته نشده است.

خطبه دوم نماز جمعه که در صحن شریف حرم امام حسین(ع) برگزار می‌شود، حاوی موضوعات سیاسی حساس، اصلاحات و رهنمودهای اجتماعی است که توسط سید احمد الصافی و شیخ عبدالمهدی الکرلایی قرائت می‌شود.^۱

ملاحظه: نماز جمعه شهر کربلا از ۱۶ اسفند ماه سال ۹۹ به علت شیوع ویروس کرونا و در راستای التزام به دستورالعمل‌های بهداشتی برای اولین بار در هفده سال گذشته پس از سقوط رژیم بعث در عراق تعلیق گردید. در طی سال‌های پس از سقوط پیام‌های سیاسی آیت الله سیستانی تنها از طریق خطبه‌های دوم نماز جمعه کربلا بیان می‌گردید تا به نوعی نماز جمعه کربلا به تنها مرکز رسمی نشر بیانیه‌های سیاسی آیت الله سیستانی بدل گردد؛ از درخواست از مردم جهت شرکت فعال در انتخابات مجلس قانون اساسی پس از سقوط گرفته تا اعلام فتوای دفاع کفایی که مقدمه‌ای برای شکل‌گیری حشد الشعبی در عراق گردید. (برخی از این بیانیه‌ها و

^۱ <http://fna.ir/\0937a>

اطلاعیه‌های قرائت شده در خطبه‌های نماز جمعه کربلا در سایت آیت الله سیستانی بارگذاری شده است.)

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نقش‌های سیاسی آیت الله سیستانی از طریق اطلاعیه‌های خوانده شده در خطبه‌های نماز جمعه کربلا پس از جهت‌دهی به رأی‌دهندگان انتخابات سال ۲۰۰۵، درخواست ایشان از عادل عبدالمهدی برای کناره‌گیری از نخست‌وزیری عراق بود. در اواسط سال ۲۰۱۹ و هم‌زمان با شروع تظاهرات موسوم به تشرین از میدان التحریر بغداد، آیت الله سیستانی توصیه‌هایی را به طرف‌های مختلف اعم از تظاهرات‌کنندگان و دولت عراق بیان کردند که در این بین تنها نخست‌وزیر منسوب به مجلس اعلی انقلاب اسلامی بود که به توصیه ایشان مبنی بر کناره‌گیری از قدرت لیک گفت، در حالی که دیگر بازیگران تظاهرات بی‌اعتنا به توصیه مرجعیت اعلی به فعالیت‌های از پیش برنامه‌ریزی شده خود ادامه دادند.

پیش از این نیز در بهمن سال ۹۴ مرجعیت اعلام کرده بود که با توجه به بی‌فایده بودن خطاب قرار دادن سیاستمداران دیگر در رابطه با مطالب سیاسی بیانی نخواهد داشت. در طی سالیان متمادی که ایشان در نماز جمعه سیاستمداران را دعوت به اصلاح دولت می‌کردند از جمله در خطبه نصر، که به مناسبت پیروزی بر نیروی‌های داعش در سال ۲۰۱۷ در نماز جمعه خوانده شد، به تفصیل به اهمیت مبارزه با فساد در داخل حکومت و برخورد با مفسدان پرداخته بودند که گذشت زمان اثبات کرد این توصیه‌ها تأثیری در اعمال سیاستمداران عراقی نداشته است.

اعتراضات و واکنش‌ها به اهانت علیه مرجعیت در عراق



مردم در شهرهای مختلف عراق و نیز شخصیت‌ها و فعالان سیاسی این کشور نسبت به اهانت به مرجعیت عراق و به‌ویژه نجف اشرف به شدت اعتراض کردند. نایف کردستانی یکی از شخصیت‌های همسو با حزب دموکرات در توییتی بسیار جنجالی نوشت: «من با مرجعیت عربی از [تبار] اهل بیت موافق هستم، نه با مرجعیت هندی و فارسی و افغانی که سید نیستند حتی اگر عمامه سیاه بر سر داشته باشند».

کردستانی پس از واکنش‌های اولیه توییت دیگری با این مضمون منتشر کرد: «توییت من در مورد مرجعیت عربی، حمایت سیاسی از جناب سید مقتدی صدر و ائتلاف نجات ملی است و نه به عنوان کاستن از یک مرجع خاص، به ویژه

مرجعیت نجف که آن را جناب سید علی سیستانی نمایندگی می‌کند، احزابی در فرایند سیاسی وجود دارند که به مرجعیت سیاسی خارجی متکی هستند.»

گرچه نایف کردستانی پس از روانه شدن برخی گروه‌های شیعه به سمت دفتر حزب دموکرات و اعتراضات شدید طیف‌های مختلف سیاسی و دینی مجبور به عذرخواهی شد، اما به هر روی نویسنده توییت توهین‌آمیز علیه مرجعیت توسط نیروهای امنیتی کردستان دستگیر شد.

مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق در محکومیت توهین نایف کردستانی به مقام مرجعیت اعلام کرد: «توهین روز گذشته توسط یک فرد در حق مرجعیت را به شدت محکوم می‌کنیم و به هیچ وجه توهین به مقدسات و نمادهای والا قابل قبول نیست، و این تخطی از خطوط قرمز است.»

حسن سالم یک فعال سیاسی عراق در توییتی نوشت که این فتوای مرجعیت بود که مانع از سقوط اربیل شد.

وی ادامه داد: «زمانی که داعش به نزدیکی دروازه‌های اربیل رسید این فتوا مرجعیت بود که مانع از سقوط آن شد.»

منابع عراقی از تظاهرات مردمی مقابل مقر حزب دموکرات کردستان عراق در بغداد، در محکومیت اظهارات توهین‌آمیز علیه آیت الله سید علی سیستانی مرجعیت عالیقدر جهان تشیع خبر داده بودند.

معترضان با شعار «مراجع دینی، خط قرمز ما هستند» مقر حزب دموکرات کردستان عراق در بغداد را به آتش کشیدند.

طرفداران جنبش‌های نجباء و کتائب سیدالشهدا نیز با حمل پرچم‌هایی در اعتراض به اهانت به مراجع تقلید، مقابل مقر بارزانی‌ها دیده شدند.

هم‌زمان، هشتگ «#الا_السيد_المرجع» (تنها سید مرجع) با اشاره به عدم تحمل به عبور از خط قرمز شیعیان در جسارت به مراجع تقلید در شبکه‌های اجتماعی عراق داغ شد و در صدر ترندهای بامداد دوشنبه، ۸ فروردین، نشست.^۱

ملاحظه: این نخستین بار نیست که نایف کردستانی نسبت به مراجع شیعه هتاک می‌کند. در ۲۵ مارس ۲۰۲۱ او در توییتی نوشت: «احزاب شیعی نفت و اموال دولت را سرقت می‌کنند، چرا که مطابق با فتاوی مراجع دینی



و در رأس آنها سید
سیستانی و شیخ
اسحاق فیاض نفت و
اموال دولت مجهول
المالک است!

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۴۵۴۰۷>

Dr-Nayif Kurdistanî



۴ يناير ۲۰۲۰

یوم أمس انتقد المرجع الصامت مقتل السليمانی وعده
خرقًا للسيادة العراقية .

ومن هنا نتساءل

ألم يكن وجود السليمانی مع مجموعة من قيادات
الحرس الثوري خرقًا للسيادة العراقية يا صمام
الأمان؟!

#خارج النص

عندما تسمع السیستانی يتحدث بهذه الطريقة
الساخرة تعلم جيدًا غباء من يتبعه والسیستانی نفسه
ساعد الأمريكان بدخول العراق باعتراف الحاكم
العسكري بول بريمر !

همو در ۴ ژانویه ۲۰۲۰ با «مرجع ساکت» (المرجع الصامت) خواندن آیت
الله سیستانی، از موضع گیری ایشان پیرامون تجاوز آمریکایی‌ها در قضیه
شهادت سردار سلیمانی انتقاد کرده و مرجعیت را به مساعدت آمریکایی‌ها
برای اشغال عراق متهم کرد.

جریان الصرخیه، و واکنش هانسبت به تخریب مراقد اهل بیت



شهروندان عراقی در بابل، بغداد، الناصریه، الرمیثه، النهروان، السماوه، القاسم، الحمزه با تجمع در مقابل مقرها و دفاتر این جریان مخالفت خود با جریان الصرخیه را اعلام کردند و ضمن بستن حسینه‌ها و دفاتر وابسته به آنها، برخی را به آتش کشیدند.

اظهارات اخیر خطیب یک مسجد در بابل که وابسته به جریان الصرخیه مبنی بر تخریب مراقد مطهر اهل بیت (ع)، خشم دوستداران اهل بیت (ع) در عراق را برانگیخت.

شهروندان عراقی در بابل، بغداد، الناصریه، الرمیثه، النهروان، السماوه، القاسم، الحمزه با تجمع در مقابل مقرها و دفاتر این جریان مخالفت خود با جریان الصرخیه را اعلام کردند و ضمن بستن حسینه‌ها و دفاتر وابسته به آنها، برخی را به آتش کشیدند.

دوستان اهل بیت(ع) همچنین در تظاهراتی علیه این جریان، شعارهای «کلا کلا للصرخیه» و «کلا کلا آل سعود» سردادند.

در این میان مقتدی صدر با انتشار توییتی خواستار خودداری از تخریب مساجد و اماکن متعلق به جریان الصرخیه در نقاط گوناگون عراق شد.

صدر نوشت که واکنش‌های مردمی به کسانی که خود را به مذهب تشیع منتسب می‌کنند و خواستار تخریب مراقد مطهر شده‌اند اقدامی شایسته و دفاع از دین و مذهب و نشانه عشق به اهل بیت(ع) و «خشم بر حق» است.

او افزود که با وجود این نباید دست به تخریب و آتش زدن و منفجر کردن مساجد زد و فقط کافی است که این مساجد بسته شود و «اصحاب فتنه نتوانند اقدامات مشکوک خود را در آنها ادامه دهند».

صدر افزود که تخریب مساجد دست کمی از تخریب مراقد مطهر ندارد و از مردم خواست که مقدسات و مساجد را حفظ کنند.

پیروان مکتب اهل بیت(ع) به بسیاری از دفاتر و مراکز وابسته به جریان الصرخیه در نقاط گوناگون عراق حمله کردند.

در این راستا ده‌ها تن از هواداران این جریان دستگیر شده‌اند و حکم بازداشت «محمود الصرخی» سرکرده این جریان نیز صادر شده است.

همچنین دادگاه تحقیق العماره در جنوب این کشور چند روز قبل حکم بازداشت متهم «محمود عبدالرضا محمد» ملقب به «محمود الصرخی» را صادر کرد.

مرکز رسانه‌ای شورای عالی قضایی عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد: دادگاه بر اساس احکام ماده (۳۷۲) که در آن صراحت شده هرکس علناً به اعتقاد یک فرقه مذهبی حمله و یا به شعائر (مناسک) آن اهانت کند، تحت پیگرد قرار می‌گیرد، قرار بازداشت را صادر کرده است.

«محمود بن عبد الرضا بن محمد الحسنى الصرخى» مرجع خودخوانده در عراق است که خود را حسنى نسب مى‌داند. وی در سال ۱۹۶۴ در شهر کاظمین به دنیا آمد. فارغ‌التحصیل دانشکده مهندسی دانشگاه بغداد در سال ۱۹۸۷ است و پس از آن در سال ۱۹۹۴ وارد حوزه علمیه شد.

وی در سال ۲۰۰۳ قبل از سرنگونی رژیم صدام، دیکتاتور معدوم عراق به یکباره ظاهر شد و خود را به عنوان یکی از مراجع دینی عراق در سطح آیت‌الله العظمی معرفی کرد.

الصرخى به رغم نداشتن وزنه‌ای علمی، خود را از شاگردان آیت‌الله شهید محمدباقر صدر و آیت‌الله سیستانی معرفی کرد و از سال ۲۰۰۳ میلادی (در ۴۰ سالگی) با ادعای «مرجعیت» در عراق فعالیت خود را آغاز نمود.

سپس مسائلی همچون حسنى بودن و ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) درباره وی شایع شد. پس از ظهور علنی وی، طرفدارانی از شیعیان جنوب عراق به دور وی جمع شدند و انحراف جدیدی شکل گرفت که نارضایتی و اعتراض مراجع تقلید را در پی داشت. با ادعای وی مبنی بر اینکه ادامه‌دهنده راه آیت‌الله شهید محمدباقر صدر است. آیت‌الله سید کاظم حائری در پاسخ یک

استفتا در مورد او اعلام کرد: «سید محمود حسنی صرخ‌ی مجتهد نیست و ما به وی اعتمادی نداریم».

از سوی دیگر، در پی جنجال‌های متعدد محمود الصرخ‌ی و طرفدارانش، رئیس قبیله آل صرخه «شیخ علی الصکبان» و روسای سه طایفه این عشیره یعنی طوایف «آل برجس، الصوایح و الیببات» در بیانیه‌ای موضع خود را برای عموم روشن ساختند. افراد ذکر شده در این بیانیه از الصرخ‌ی برائت جسته و اعلام کردند به نیابت از تمام افراد عشیره بار دیگر با آیت الله سید علی سیستانی مرجعیت عالیقدر شیعیان در عراق بیعت می‌کنند.

در همان زمان پس از بررسی سابقه وی، مشخص شد که او نیز از نیروهای سابق سازمان امنیت حزب بعث بوده که با همکاری با سازمان اطلاعات سعودی، با هدف تخریب مرجعیت شیعه، پا به عرصه گذاشته است.

گفته می‌شود که نام الصرخ‌ی ابتدا محمود عبدالرضا البهادلی بود و سپس به شیخ محمود التمیمی تغییر پیدا کرد. وی زمانی که شیخ محمود التمیمی نام داشت لباس و معمّم سفید به تن داشت و از وی به عنوان عنصر پلیس امنیت عراق یاد می‌شد. او پس از مدتی نام خود را به سید محمود الصرخ‌ی تغییر داد و سپس با عمامه مشکی در انتظار عمومی ظاهر شد.

وی در سال ۲۰۰۵، در شهر «حله» عراق نمایان شد و در مدت زمان بسیار کوتاهی تعدادی دفتر در شهرهای مختلف شیعه‌نشین عراق افتتاح کرد و مدعی مبارزه با نظامیان آمریکا شد و ادعا کرد که سه نفر از آنان را کشته است.

الصرخی که هم‌زمان با اعدام صدام و نابودی حزب بعث عراق مخفی شده بود، هشت سال پیش بار دیگر، هم‌زمان با ظهور داعش و بقایای حزب بعث و تحرکات تروریستی آن‌ها در عراق با هدف ایجاد فتنه بین شیعیان این کشور آفتابی شد و نیروهای وابسته به آن در شهر کربلا با نیروهای امنیتی درگیر شدند و فتنه به پا کردند.

شبکه خبری «العربیه» عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴، زمانی که الصرخی و یارانش در کربلا دست به آشوب زده بودند، وی را مخالف «رهبری مذهبی و دینی سنتی شیعه عراق» معرفی کرد که «مقر آن در نجف است؛ شهری که آیت الله علی سیستانی رهبری آن را بر عهده دارد».

در این گزارش، تعداد عناصر وابسته به الصرخی حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار فرد مسلح برآورد شد که در سال ۲۰۱۴، با نیروهای دولت مرکزی عراق درگیر شده بودند.

العربیه با این ادعا که عناصر الصرخی خواستار «تشکیل حکومت مذهبی شیعه در عراق هستند که بر اساس اصل ولایت فقیه باشد»، در همان زمان گزارش داده بود که «بزرگ‌ترین تهدیدی که متوجه بغداد است، از جنوب است... و گروه‌های حاضر در این منطقه می‌توانند تهدیدی برای عراق و ایران باشند».^۱

^۱ <https://www.dinonline.com/۳۸۰۶۹>

<https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۱۲۳۰۰۰۱۸۴>

صعود راست‌گرایی در غرب

لوپن با شعار مبارزه با اسلام رادیکال، به دور دوم انتخابات فرانسه راه یافت



مارین لوپن که با شعارهای ضد مهاجرتی و ملی‌گرایانه وارد رقابت‌های انتخاباتی شده است قول داده از شیوه زندگی فرانسوی حمایت و با اسلام‌گرایی رادیکال در فرانسه مبارزه کند.

نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری فرانسه دو نامزد رقیب در انتخابات پیشین را برای دور دوم در برابر یکدیگر قرار داد و فروپاشی احزاب سنتی و دیرپای این کشور را که از همان هنگام آغاز شده بود به سرانجام خود نزدیک‌تر کرد. امانوئل ماکرون با کسب حدود ۲۸ درصد آرا، پیش‌تاز دور اول انتخابات

شد و مارین لوپن، رهبر حزب «اجتماع ملی» نیز با کسب اندکی بیش از ۲۳ درصد آرا به دور دوم راه یافت.

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، دو هفته پس از دور اول، در روز یکشنبه ۲۴ آوریل برگزار خواهد شد. در این مرحله دو نامزد پیش‌تاز، مارین لوپن و امانوئل ماکرون، برای راه یافتن به کاخ ریاست جمهوری (کاخ الیزه) با یکدیگر رقابت خواهند کرد.

این سومین بار است که مارین لوپن برای ورود به کاخ ریاست جمهوری در رقابت‌های انتخاباتی شرکت می‌کند. این سیاستمدار فرانسوی، برای اولین بار در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۲ با کسب ۱۷.۹ آرا در مرتبه سوم قرار گرفت و به مرحله دوم راه نیافت.

همچنین لوپن، در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۷ فرانسه بار دیگر نامزد شد و بر لزوم ریشه‌کن کردن اسلام‌گرایی افراطی در فرانسه تأکید کرد و خواستار خروج فرانسه از اتحادیه اروپا، لغو پیمان شینگن و محدودیت در مهاجرت شد.^۱

وی که در طور مبارزات انتخاباتی بارها به مسلمانان حمله و حقوق و آزادی‌های آنها را تهدید کرده است، در تازه‌ترین اظهار نظر خود روز پنجشنبه

فرانسه/۲۰۲۲۰۴۱۰ مارین لوپن؛ از وعده‌های اقتصادی تا - <https://www.rfi.fr/fa/>

مبارزه با اسلام - رادیکال - در فرانسه

۱۸ فروردین متعهد شد که برای مسلمانانی که در انتظار عمومی روسری می‌پوشند جریمه‌هایی صادر کند.

لوپن در صحبت با رادیو RTL توضیح داد که چگونه تعهد خود مبنی بر ممنوعیت حجاب در همه مکان‌های عمومی اجرا می‌شود و گفت که پلیس آن را مانند بستن کمربند ایمنی در خودروها اجرا می‌کند.^۱

رقیب بالقوه ترامپ قانون «نگو هجنس‌گرا، در فلوریدا را امضاء کرد



رون دوسانتیس، فرماندار ایالت فلوریدا در آمریکا روز دوشنبه، ۸ فروردین، مصوبه ممنوعیت آموزش درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی در مدارس ابتدایی این ایالت را امضا کرد.

^۱ https://www.france24.com/en/live-news/20220407-le-pen-vows-headscarf-fines_in-tight_french-election_battle

این طرح که به تصویب مجلس سنای ایالتی فلوریدا رسیده به قانون «نگو همجنس‌گرا» معروف شده است. مخالفان این مصوبه بر این باور هستند که قانون «نگو همجنس‌گرا» زمینه تبعیض علیه همجنس‌گرایان را فراهم می‌کند.

بحث بر سر این قانون طی هفته‌های گذشته به شکاف‌های فرهنگی و سیاسی در فلوریدا و دیگر ایالت‌های آمریکا دامن زده بود.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده این قانون را «نفرت‌انگیز» خوانده است. منتقدان قانون «نگو همجنس‌گرا» بر این باور هستند که نحوه نگارش آن به گونه‌ای است که ممنوعیت آموزش و بحث درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی در کلاس‌های درس را تنها به مدارس ابتدایی محدود نخواهد کرد.

رون دوسانتیس که از او به عنوان ستاره نوظهور حزب جمهوری‌خواه ایالات متحده یاد می‌شود از جمله نامزدهای بالقوه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ و رقیب احتمالی دونالد ترامپ در رقابت مقدماتی جمهوری‌خواهان است. او تأکید می‌کند که وظیفه آموزش درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی به کودکان بر عهده والدین است.

فرماندار فلوریدا پیش از امضای قانون «نگو همجنس‌گرا» گفت: «اطمینان حاصل خواهیم کرد که والدین می‌توانند کودکان خود را به مدرسه بفرستند تا آموزش ببینند نه اینکه ارشاد شوند.»

جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان ایالتی فلوریدا اخیراً به طرح دیگری نیز رأی داده‌اند که آموزش و بحث در کلاس‌های ابتدایی درباره موضوعات مرتبط با «نژاد» را محدود می‌کند. هدف از تصویب این طرح ممنوعیت

آموزش‌هایی مبتنی بر «نظریه انتقادی نژاد» است هرچند در آن به طور مستقیم اشاره‌ای به این نظریه نشده است.

پژوهشگران علوم انسانی در «نظریه انتقادی نژاد» پدیده نژادپرستی را محدود به پیش‌داوری‌های فردی نمی‌دانند و از نظامی با ساز و کار و مقررات نانوشته سخن می‌گویند که زمینه ظهور نژادپرستی را فراهم کرده است.^۱

تشدید روزافزون اختلافات فرهنگی راست‌گراها و لیبرال‌ها در آمریکا



شاید روزی نباشد که خبر، یادداشت یا مقاله‌ای پیرامون تنش‌های فرهنگی میان راست‌گراها و لیبرال در ایالات متحده در رسانه‌های این کشور منتشر نشود. در حالی که جریان راست‌گرا که خواستار بازگشت به سنت‌ها و تشدید

^۱ <https://per.euronews.com/۲۸/۰۳/۲۰۲۲/possible-trump-rival-desantis-signs-dont-say-gay-bill-in-florida-despite-objections>

مؤلفه‌های هویتی غربی هستند، در آمریکا و اروپا یکسره در حال قوت گرفتن است، جریان لیبرال نیز در مقابل هر گام رو به جلوی راست‌گرایان، گامی شدیدتر در راستای تحقق ارزش‌های لیبرالی برمی‌دارد.

در تازه‌ترین رویداد، در خبری که کم کم دارد تازگی خود را از دست می‌دهد، راست‌گرایان موفق شدند در ایالت اوکلاهما هم سقط جنین را ممنوع کنند. فرماندار ایالت اوکلاهما قانونی را امضا کرد که به موجب آن سقط جنین در ایالت اوکلاهما غیرقانونی خواهد بود و افرادی که این عمل را انجام دهند، مجرم شناخته شده و با حداکثر ۱۰ سال زندان یا ۱۰۰ هزار دلار جریمه مالی مواجه خواهند شد.

این قانون استثنایی برای سقط جنین حاصل از تجاوز جنسی یا زنا با محارم قائل نیست و فقط در مواردی که از نظر پزشکی ضروری بوده و جان فرد در خطر باشد، این عمل مجاز دانسته خواهد شد.

طی ماه‌های اخیر ایالت‌هایی چون تگزاس، فلوریدا و آریزونا نیز محدودیت‌هایی جدی برای سقط جنین وضع کرده بودند.^۱

در مقابل اما لیبرال‌ها از طرحی خبر دادند که طبق آن والت دیزنی ۵۰ درصد کاراکترهای آثار تولیدی خود را به همجنس‌گرایان و اقلیت‌ها اختصاص می‌دهد.

^۱ <https://edition.cnn.com/۱۲/۰۴/۲۰۲۲/politics/oklahoma-abortion-ban-kevin-stitt/index.html>

یکی از مدیران ارشد شرکت والت دیزنی به نام کیری بروک (Karey Burke) در مصاحبه‌ای ویدیویی که تحت کمپین رسمی « Reimagine Tomorrow» شرکت دیزنی (کمپینی جهت حمایت از همجنس‌گرایان) منتشر کرده است، گفته است: «به عنوان یک مادری که صاحب یک فرزند تراجنسیتی و یک فرزند همه‌جنس‌گرا است، از اینکه در آثار تولیدی این شرکت شاهد تعداد بسیار زیادی از کاراکترهای با گرایش‌های متنوع جنسی شامل همجنس‌گرایان باشد، استقبال می‌کند.»

او افزوده علاقه‌مند است ۵۰ درصد کاراکترهای محصولات این شرکت به گرایش‌های متنوع جنسی (LGBTQIA) و اقلیت‌های نژادی اختصاص یابد.^۱

^۱ <https://t.me/c/۲۱۲۹/۱۴۸۱۰۲۷۷۶۸>

دین دولتی

ترکیه شیوه باستانی اقامه نماز تراویح در دوره عثمانی را احیای کند



پس از گذشت نزدیک به دو قرن، سازمان دیانت ترکیه هم‌زمان با تصمیم خود برای بازگشایی مساجد برای اقامه نماز جمعه و تراویح که به مدت دو سال به دلیل شیوع بیماری همه‌گیری کرونا به حالت تعلیق درآمده بود، امسال تصمیم گرفت که روش «اندرون» را در اقامه نماز تراویح در ماه رمضان احیا کند. نهاد مذهبی ترکیه در سال جاری با بازگشت نسبی زندگی به روال عادی در این کشور، تصمیم گرفت تا این سنت باستانی را که از آغاز قرن نوزدهم در کاخ‌های سلاطین عثمانی رایج بود، احیا کند.

خواندن نماز تراویح به روش «اندرون» نخست در قصرهای خلافت عثمانی برگزار می‌شد و این روش پس از آن به مساجد نیز گسترش یافت و در ایام خاص برگزار می‌شد. در این روش، خواندن ۳ رکعت اول نماز تراویح در مقام (موسیقی) اصفهان انجام می‌شود و امام در رکعت چهارم به سمت مقام صبا روی می‌آورد، در حالی که مؤذنان به خواندن نغمات و مناجات بر پیامبر در مقام صبا می‌پردازند.

امام در هر ۴ رکعت طبق مقامی که در آن بزرگ مؤذنین بر پیامبر صلوات و دعا می‌خواند، بین مقام‌ها حرکت می‌کند و پس از اتمام، به خواندن نغمه‌ها و ادعیه می‌پردازد و پس از اقامه نماز وتر به مرحله ذکر و تسبیح می‌رود. این مراسم ده‌ها هزار نمازگزار را برای اقامه نماز تراویح به این شکل در عمارت تاریخی ایاصوفیه در ماه رمضان به سوی خود می‌کشاند.

پس از تصمیم به تبدیل موزه ایاصوفیه به مسجد در بیست و چهارم جولای ۲۰۲۰، امسال و پس از ۸۸ سال برای اولین بار، نماز تراویح در آن برگزار می‌شود. ایاصوفیه در قرن ششم پس از میلاد به عنوان یک کلیسای بیزانسی ساخته شد و بیش از نه قرن چنین بود تا اینکه قسطنطنیه، پایتخت دولت روم شرقی، شهری اسلامی و بعداً مقر خلافت اسلامی شد و این کلیسا توسط سلطان محمد عثمانی به مسجد تبدیل گشت.^۱

^۱ https://www.bbc.com/arabic/middleeast_61050577

آذربایجان تقویم ماه رمضان خود را از ایران به ترکیه تغییر داد



نهاد دین در آذربایجان گامی دیگر در راستای حرکت سیاسی این کشور به سوی ترکیه برداشت. سایت خبری روزنامه استار در این باره نوشت: «اولین بار کشور جمهوری آذربایجان به جای ایران، تقویم ماه رمضان خود را بر مبنای ترکیه تعیین کرد.»

این پایگاه خبری افزود: «آذربایجان امسال به جای ایران، تقویم رمضان را بر اساس ترکیه تعیین کرد. بر طبق بیانیه اداره مسلمانان قفقاز، بر اساس محاسبات رصدخانه اخترفیزیک شاماخی آکادمی ملی علوم آذربایجان، اولین روز ماه مبارک رمضان، ۲ آوریل، تعیین شد. پس از اعلام این رصدخانه، الله شکور پاشازاده شیخ الاسلام آذربایجان نیز با صدور فتوا این تاریخ را اعلام کرد.»

دکتر رامین صادق تاریخدان آذربایجانی گفت: «می دانستیم که برخی از مردم به طور غیر رسمی هم زمان با ترکیه روزه می گیرند. نماز عید فطر نیز طبق تقویم

در ترکیه در ماه مبارک رمضان اقامه می‌شد. گاهی اوقات حتی دو روز پشت سر هم نماز عید فطر برگزار می‌شد. اولین بار است که به صورت رسمی شاهد این اتفاق (هم‌زمانی تقویم ماه رمضان جمهوری آذربایجان با ترکیه) هستیم و این خیلی اتفاق مهمی است.^۱

وزیر اوقاف مصر: «فرزندآوری زیاد باعث افزایش طلاق می‌شود»



در راستای کمپین کنترل جمعیت عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، محمد مختار جمعه وزیر اوقاف مصر روز جمعه ۱۹ فروردین در جلسه مجلس سنای مصر درباره افزایش جمعیت گفت: «فرزندآوری زیاد آمار طلاق را افزایش می‌دهد»!

^۱ <https://qafqaz.ir/fa/> ذوق‌زدگی-پان-ترکیسم-از-اقدام-غیرشرعی-سوس

وی افزود: «اینکه زن بیش از یک بار زایمان کند، زیبایی و طراوتش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه باعث افزایش طلاق می‌شود».

وزیر اوقاف مصر در ادامه با اشاره به اینکه کشورش به افراد سودمند زیادی نیاز دارد، گفت: «ما نمی‌توانیم نسل‌هایی را به رخ امت‌ها بکشانیم که از مشکلات بهداشتی و آموزشی رنج می‌برند».

وی با تأکید بر اینکه «افزایش فرزندآوری با افزایش موارد طلاق در ارتباط است»، خاطرنشان کرد: «فرزندآوری زیاد باعث می‌شود زن از شوهرش دور و در نتیجه شوهر دلزده شود».

این مقام مصری در ادامه خاطرنشان کرد که از پزشکان برای آگاهی‌دهی درباره مسائل خانوادگی و جمعیتی در مساجد کمک خواهند گرفت.

اظهارات مختار جمعه واکش‌های زیادی را در فضای مجازی در این کشور به همراه داشته است. کاربری به نام هبه مجدی در این باره نوشت: «فرزندآوری زیاد زن، زنانگی‌اش را افزایش می‌دهد و او را جوان نگه می‌دارد. من سکوت کردم اما با اطلاعات اشتباه شما روبرو شدم».

کاربر دیگری نوشت: «وزیر اوقاف پزشک زنان و زایمان شده است. مبارک باشد».

یکی دیگر از کاربران در واکنش به سخنان وزیر اوقاف مصر آورده است: «وقتی یک روحانی سخن خداوند عزوجل درباره اینکه مال و فرزندان زینت زندگی دنیوی هستند را نادیده می‌گیرد، این مصیبت است. به خداوند قسم به خاطر این سخن در پیشگاه خداوند مسئول خواهید بود».

با این حال برخی دیگر نیز از سخنان مختار جمعه استقبال کرده‌اند و خواستار کنترل زاد و ولد در این کشور شده‌اند.^۱

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۵۱۵۳۶>



بخش سوم: تحلیل‌ها

شیعیان عربستان و اعدام ده‌ها زندانی؛ از سکوت تا انفعال

به قلم: سید هاشم رضوی



آنچه پس از شهادت ۴۱ زندانی شیعه مشخص گردید این است که معارضان شیعی خارج از عربستان کاملاً با بدنه خود در داخل بی‌ارتباط هستند یا ارتباط بسیار محدودی دارند.

محمد بن سلمان تنها یک هفته پس از آنکه در مصاحبه مفصل خود با مجله آمریکایی آتلانتیک از حذف حکم اعدام در عربستان جز در مورد قصاص نفس سخن گفت، بزرگ‌ترین اعدام جمعی تاریخ سعودی را به راه انداخت و ۸۱ زندانی سیاسی و امنیتی و جنایی را در یک روز گردن زد.

عوامل متعددی از جمله درگیر بودن افکار عمومی با بحران اوکراین، نیاز کشورهای غربی به نفت عربستان و خلاصی از معارضان سیاسی در سایه حکومت با ثبات ملک سلمان را می‌توان برخی از این علل خواند.

نکته قابل تأمل در این میان واکنش داخلی عربستان به ویژه جامعه شیعیان شرق عربستان به این رخداد مهم بود. پیگیری و بررسی شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد، تنها پس از گذشت چهار روز از اعدام شیعیان قطیف موج نه چندان نیرومند ایجاد شده در توئیتر که شبکه اجتماعی برتر عربستان به شمار می‌آید، تقریباً فروکش کرده است. در مورد واکنش‌های میدانی نیز علیرغم انتشار تصاویر و فیلم‌هایی با عنوان اعتراضات مردم قطیف یا تشییع جنازه شهدا و خواندن نماز بر پیکر آنان در رسانه‌های اجتماعی، متأسفانه هیچ کدام صحت ندارد و مرتبط با اتفاقات گذشته عربستان یا حتی در بحرین است و اساساً حکومت سعودی پیکرهای شهدای اخیر را تاکنون حتی به خانواده قربانیان تحویل نداده است و با توجه به فضای شدید امنیتی اعمال شده از سوی نیروهای امنیتی و نظامی در مناطق شیعه نشین، هیچ اعتراض خیابانی قابل توجهی در واکنش به این اعدام‌ها رخ نداده است.

بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که عمده اعتراض‌های منسجم که با هشتگ مشخص مدیریت شده عمدتاً از عراق و تا حدی از ایران بوده است. برای مثال در دور روز اول هشتگ‌های #مملکه_الاجرام و #مملکه_الارهاب را گروه‌های عراقی داغ کرده‌اند. اما در مورد اکانت‌های عربستانی رصدهای صورت گرفته چه در مورد اکانت‌های کاربران داخل و چه در مورد اکانت‌های معارضان خارج، هیچ نشان از فعالیت هماهنگ شده برای به راه انداختن موج یا جریان اعتراضی حتی در فضای مجازی مشاهده نمی‌شود.

عمده فعالیت‌های صورت گرفته در واکنش به این رویداد آن هم از سوی بخشی از معارضان خارج، تلاش‌های فردی برای انعکاس اخبار و معرفی بخشی از این ۸۱ نفر به عنوان زندانی سیاسی و تمییز آنان از دیگر اعدام شدگان مرتبط با حوادث تروریستی و اعدامی‌های دارای پرونده جنایی بوده است.

این در حالی است که بخش قابل توجهی از معارضان تریبون‌دار مانند حزب التجمع الوطنی یا اصلاً به این رویداد نپرداختند یا اینکه به صورت بسیار گذار و صرفاً برای رفع تکلیف به آن اشاره کرده و از کنار این واقعه هولناک عبور کردند.

سایر جریان‌های معارض حکومت سعودی در وضع بهتری هستند

جریان‌های دیگر معارضه مانند طیف وابسته به سعد الفقیه یا جریان حجازی همبسته با محمد المسعری هرچند در سه روز اول عملکردی قابل قبول و برخی رضایت بخش داشتند، اما در روز چهارم، پرداختن به اعدام‌ها از اولویت آنان خارج شده است.

جریان حجازی معارضه به طور مشخص مجدداً بر موضوع تخریب محله‌های جده تمرکز کرده است. حجازی‌ها پس از آغاز تخریب برخی محله‌های جده که با هدف ساختن پروژه‌های مدنظر بن سلمان انجام می‌شود، با بسیج نیروهای در خارج و داخل و به راه انداختن کمپین‌ها، نشست‌ها و استفاده از قابلیت‌های توییتر و کلاب‌هاوس، توانستند تخریب محله‌های جده را به عنوان مقابله حکومت سعودی با خرده فرهنگ‌های و آثار تمدنی جامعه عربستان، به

مسئله اول معارضه عربستان تبدیل کرده و حتی حکومت سعودی را مجبور به توقف موقت طرح کند.

تمرکز بر قدرت و مداوم چند هفته‌ای بر این موضوع سبب شد گروه‌های دیگر مانند بسیاری از معارضان کانادا که عمدتاً نجدی هستند نیز به این کمپین‌ها ملحق شوند تا جایی که اکنون گروه‌های مرتبط با «النحل الالکترونی» نیز فعالیت‌های قابل توجهی در تبیین ظلم حکومت به ساکنان جده در جریان تخریب خانه‌های این شهر داشته‌اند.

جریان حجازی به رهبری سلطان العبدلی و کمک محمد المسعری پس از مواجهه با اقبال معارضان و مردم از پروژه اعتراض به تخریب خانه‌های جده که اکنون در توییتر با هشتگ «#هدد_جده» از آن یاد می‌شود، سقف مطالب را بالا برده و با شعار حجاز را نجات دهید (حجاز در مقابل نجد و الشرقیه) رسماً لزوم جدا شدن حجاز از عربستان را تئوریزه می‌کند.

معارضان نجدی نیز که عمدتاً در قالب حزب التجمع الوطنی در کانادا گرد هم آمده‌اند، پس از تشکیل حزب مذکور و تقویت زیرساخت‌های رسانه‌های رسانه‌ای آن با رویکرد اصلاح‌گرایانه و نه براندازانه، فعالیت خود را در زمینه‌هایی همچون گسترش آزادی‌های مدنی، احترام به حقوق شهروندی، اصلاح ساختار حکومت در بخش‌های اجرایی، قضایی و قانون گذاری و در نهایت اعتراض به خودسری و دیکتاتوری محمد بن سلمان متمرکز کرده‌اند.

به طور خلاصه، اصلاحات در ادبیات حزب تجمع، یعنی برکناری بن سلمان و روی کار آمدن جانشین قانونی ملک سلمان از دیدگاه حزب، یعنی احمد بن

عبدالعزیز و اداره کشور به صورت یک دوره انتقالی و آماده کردن آن برای انتخابات تعیین نوع حکومت و تدوین و تأیید قانون اساسی.

ساختاری که حزب برای رسیدن به این هدف پی ریزی نموده به تقویت بُعد رسانه‌ای خلاصه نمی‌شود. التجمع الوطنی در برابر «ارتش سایبری سعودی» اقدام به شبکه کردن گروهی از معارضان داخل و خارج با عنوان «مشروع النحل الالکترونی» در توییتر کرده است. وجود چنین شبکه‌ای این امکان را به اعضای اصلی حزب داده که ارتباطات به صورت دوسویه میان معارضان داخل و خارج برقرار گردد و برخلاف معارضه‌های سنتی حکومت سعودی یک طرفه و از بیرون به داخل نباشد.

معارضان شیعی تنها تر از همیشه

این در حالی است که جریان معارضه شیعی از فقدان چنین زیرساخت‌های رنج می‌برد و افول غیرقابل تصور موج ایجاد شده بر اثر چنین اتفاق مهمی آن هم در عرض کمتر از چهار روز به وضوح این نقص را نشان می‌دهد. هرچند که این موضوع آسیب شناسی جدی و همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد اما عجالتاً آنچه به نظر می‌رسد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

عدم سازماندهی: عمده معارضان شیعه شناخته شده در توییتر اعضای حرکت خلاص هستند. در میان این اعضا به ترتیب حمزه الحسن، فؤاد ابراهیم و حمزه الشاخوری نسبت به بقیه شناخته شده‌تر هستند. دیگر معارضان شیعی که

عمدتاً به صورت اکانت‌های ناشناس فعالیت می‌کنند که ظاهراً ارتباط سازمان یافته‌ای با این افراد نداشته و هم افزایی خاصی مشاهده نمی‌شود.

فقدان رهبری مشخص: معارضان شیعه عربستانی از نظر دینی و مذهبی عمدتاً معتقد و ملتزم هستند اما پس از مصالحه جریان حسن الصفار با حکومت سعودی، معارضانی که در خارج ماندند و حاضر به پیوستن به جریان مصالحه نشدند از داشتن مرجعیتی عربستانی برجسته و واحد یا حتی مشخص محروم ماندند.

عدم ارتباط با معارضان داخل: آنچه پس از شهادت ۴۱ زندانی شیعه مشخص گردید این است که معارضان شیعی خارج از عربستان کاملاً با بدنه خود در داخل بی‌ارتباط بوده یا ارتباط بسیار محدودی دارند.

تجربه اعتراضات معارضان حجازی و نجدی در رسانه‌های اجتماعی نشان داده بن سلمان در برابر به وجود آمدن فضای رسانه‌ای به خصوص در رسانه‌های غربی علیه خود بیمناک است و آن را به مصلحت خود، حداقل تا پیش از رسیدن با تخت پادشاهی و تثبیت قدرت نمی‌داند و طی این سال‌ها بارها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تن به خواسته معترضان داده است.

اما شیعیان عربستان به دلایلی که شرح آن رفت، مورد چنین ظلم بزرگی واقع شدند و در صورت ادامه این سکوت، بعید نیست حکومت سعودی جری‌تر شده و چنین اقداماتی یا حتی شدیدتر از آن را تکرار نمایند. به خصوص آنکه به

گفته منابع معارضه عربستانی هنوز بیش از ۳۰ نفر از زندانیان سیاسی با خطر اعدام روبه‌رو هستند.^۱

تفرقه و دوگانه‌سازی؛ الگوی جدید مواجهه حکومت سعودی با شیعیان عربستان

به قلم: داریوش درویشی



در گذشته نزاع شیعیان عربستان با حکومت سعودی نزاعی مذهبی و در تقابل با نهاد دینی وهابی و درباری تعریف می‌شد. حتی حکومت جدید سعودی (پس از ملک عبدالله و تحت قدرت محمد بن سلمان) نیز در اولین اقدام سیاست خارجی‌اش یعنی حمله به یمن، رویکردی مذهبی و ضد شیعی در پیش گرفت.

^۱ <https://mersadcss.com/products/commentary/> - شیعیان عربستان و اعدام‌دهها

دستگاه تبلیغاتی بن سلمان در آغاز جنگ با تحریک افکار عمومی داخلی علیه تشیع جنگ را توجیه کرد و حکومت را در حال جنگ علیه شیعیان معرفی کرد اما وقتی روحیه ضد شیعی به قدری تحریک شد که بمب‌گذاری‌هایی در مناطق شیعه‌نشین عربستان اتفاق افتاد، حکومت به سرعت متوجه خطای راهبردی‌اش شد و محل نزاع را ملی و کاملاً غیرمذهبی تعریف کرد.

حکومت جدید سعودی و شخص محمد بن سلمان که تحت فشارهای جهانی دیگر امکان استمرار رویه ایدئولوژیک پیشین را نداشت و علاوه بر آن وهابیت را مانع اصلی تحقق رؤیاهایش می‌دید، به تدریج نهاد دینی را به حاشیه راند و نفوذ و قدرت آن را کاهش داد. لذا ضمن تبلیغ نوعی اسلام غیرسیاسی فردی و متساهل مؤلفه‌های هویتی ملی و کاملاً غیردینی را تقویت کرد. ولیعهد سعودی، اصلی‌ترین رقیب خود را اسلام سیاسی و انقلابی (شیعی جمهوری اسلامی ایران و سنی اخوان المسلمین) یافت و در مواجهه با شیعیان عربستان نیز همین رویکرد را اتخاذ کرد. وی در مصاحبه سال ۲۰۱۸ خود با مجله آتلانتیک منکر طایفه‌گرایی مذهبی در عربستان شد و گفت در این کشور شیعیان امکان رسیدن به مسئولیت‌های مهم و سطح بالا را دارند و در آینده در شورای وزیران هم حضور خواهند داشت. بن سلمان در این مصاحبه مشکل را «ایدئولوژی ایرانی» (اسلام شیعی انقلابی) معرفی کرد.

در همین راستا رسانه‌های سعودی نیز با کشف شیعیان عربستانی همسو با حکومت و مخالف جریان مقاومت و جمهوری اسلامی ایران مستمراً به آن‌ها تریبون دادند و مواضع آن‌ها علیه شیعیان انقلابی و معترض این کشور را برجسته

کردند. این سیاست رسانه‌ای علاوه بر ایجاد تفرقه در میان شیعیان و «وابسته به خارج» معرفی کردن معترض، حکومت سعودی را حکومتی ملی و فراگیر نشان می‌داد که از همه مذاهب و طیف‌های اجتماعی حمایت می‌کند.

حکومت سعودی در سایه همین روند تلاش کرد تا تمام شیعیان انقلابی را تعقیب، زندانی و اعدام کند و هر اقدام کوچک حتی در حد پرتاب سنگ به پلیس توسط یک نوجوان را هم اقدام علیه امنیت ملی بخواند و حکم اعدام برایش صادر کند. اگر چه حمایت شیعیان همسو با حکومت در فضای رسانه‌ای و ایران‌هراسی افراطی به کمک این حکومت می‌آمد، در جنایت اخیر اعدام دسته‌جمعی ۴۱ شیعه انقلابی و معترض دروغ‌گویی و مکر رسانه‌ای نیز در پیش گرفته شد. حکومت سعودی هم‌زمان با این ۴۱ شهید شیعه، تعدادی از وابستگان به القاعده، برخی از خرابکاران و حتی دو اسیر جنگ یمن را نیز اعدام کرد. چند تن از این افراد عوامل وهابی حمله تروریستی سال ۲۰۱۴ به عزاداران روز عاشورای حسینی «الدالو» در الاحساء بودند. رسانه‌های سعودی بلافاصله پس از انتشار خبر اعدام ۸۱ نفر، به سراغ خانواده شیعیان قربانی آن اقدام تروریستی و روحانیون شیعه آن محله رفتند و رضایت و شادمانی آن‌ها از اعدام تروریست‌ها را به گونه‌ای منعکس کردند که گویا از اعدام شیعیان راضی و خوشحال‌اند.

بنابراین حکومت جدید سعودی تلاش دارد به افکار عمومی داخلی و خارجی القا کند که هیچ مشکلی با شیعیان به‌مثابه شهروندان این کشور ندارد اگر معترض (یا به زعم حکومت، وابسته به خارج) نباشند و در این راستا از

دیدگاه همسوی برخی شیعیان لیبرال و غیرانقلابی نیز بهره می‌برد و خط نفاق و تفرقه میان شیعیان را در پیش گرفته است.^۱

مرکز تبلیغی عربستان؛ ابزار تازه برای سازش با صهیونیست‌ها



موج عادی سازی اعراب با رژیم صهیونیستی از ماهیت سیاسی و اقتصادی خود فراتر رفته و به سطح مذهبی نیز رسیده است. عربستان از خلال مرکز سعودی موسوم به «رابطه العالم الاسلامی» که به بهانه گسترش اسلام ایجاد شده بود، تلاش می‌کند تا در راستای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی فعالیت کند. «محمد العیسی» رئیس کنونی سازمان «رابطه العالم الاسلامی» اعلام کرد که این مرکز سعودی برای رابطه دوستی میان اسلام و یهودیت ارزش قائل است و به دنبال تغییر اصل همکاری میان ادیان است.

^۱ <https://ble.ir/IsuPResearch>

العیسی در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی فاکس نیوز اعلام کرد که دوره دبیرکلی او بر شکستن اختلافات مذهبی و ایجاد تغییرات محسوس در این زمینه متمرکز بوده است.

وی گفت: «همتایان یهودی من سابقه جدیدی را ایجاد خواهند کرد و به پیشرفت ملموسی در روابط بین رهبران دینی مسلمان و یهودی دست خواهند یافت».

مرکز مذکور در دهه شصت قرن ۲۰ به دست «فیصل بن عبدالعزیز» پادشاه وقت این کشور ایجاد شد. هدف اولیه از ایجاد این مرکز، مقابله با گسترش تفکر ناصریسم و اندیشه‌های سکولار بود، ولی در حال حاضر، اهداف آن تغییر کرده است. این مرکز امروزه نشان داده است که از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. شایان ذکر است که این اولین بار نیست که العیسی به بهانه اصلاح دین، به طرفداری از رژیم اسرائیل می‌پردازد.

«محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی سال ۲۰۱۶ العیسی را به عنوان رئیس این مرکز انتخاب کرد. با انتخاب این فرد، دوران تازه‌ای آغاز شد تا بتواند در «همگرایی فرهنگی و دیپلماسی نرم با اسرائیل و نهادهای حامی آن در آمریکا» نقش مهمی ایفا کند.

در این زمینه «رابرت ساتلوف» مدیر اجرایی موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، گفت: «رابطه العالم الاسلامی یک عقاید و موعظه‌های ضد اسرائیلی را منتشر کرد، اما تحت رهبری العیسی تغییری اساسی در رویکرد آن به وجود آمد؛ چراکه وی ارتباط خود را با سایر ادیان تقویت کرد».

العیسی گفت: «در حالی که یهودیان و اعراب قرن‌ها در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند... غم‌انگیز است که در دهه‌های اخیر از یکدیگر دور شده‌ایم.»

اسناد العالم الاسلامی نشان می‌دهد که این مرکز در می ۲۰۱۸، با کمیته روابط عمومی عربستان و آمریکا موسوم به «سابراک» قرارداد امضا کرده است. سابراک یک مؤسسه فشار سیاسی است که «سلمان الانصاری» تبعه سعودی آن را مدیریت می‌کند.

یکی دیگر از برنامه‌های سفر هیئت رابطه العالم الاسلامی که آوریل ۲۰۱۸ صورت گرفت، بازدید از موزه آثار باستانی یهودیت در نیویورک بود. این بازدید با دعوت یک سازمان یهودی-آمریکایی حامی رژیم صهیونیستی صورت گرفت. محمد بن سلمان که به خوش‌خدمتی به صهیونیست‌ها شهره است، شیخ محمد العیسی وزیر دادگستری پیشین این کشور و دبیرکل رابطه العالم الاسلامی را مأمور کرد تا سرسخت‌ترین دشمن جهان اسلام یعنی رژیم صهیونیستی را نزد ملت‌های منطقه عربی و به‌ویژه عربستانی‌ها همسایه‌ای دوست معرفی کند که تعامل و عادی‌سازی با آن واجب است.

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نیز در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ در صفحه کاربری خود در توییتر، از بازدید محمد العیسی، به همراه شماری از علمای دینی و مسلمان از ۲۴ کشور از اردوگاه آشویتس استقبال کرد.

در واقع، شیخ محمد العیسی سابقه‌ای طولانی در پروسه عادی‌سازی روابط با اسرائیل دارد و بارها در مناسبت‌های متعدد خواستار برقراری روابط با این رژیم شده است.

العیسی پیش از این نیز اظهاراتی در حمایت از مسئله عادی‌سازی روابط با اسرائیل داشته است، او در مصاحبه‌ای با روزنامه عبری زبان یدیعوت آحارونوت در حاشیه حضورش در همایشی در پاریس گفته بود، هرگونه اقدام خشونت‌آمیز و یا تروریستی که بخواهد خود را پشت دین اسلام پنهان کند، هیچ‌گونه توجیهی حتی در داخل اسرائیل ندارد.^۱

پرونده‌های کشمیر؛ از اسلام‌هراسی تا ایران‌هراسی

به قلم: سرباز روح الله رضوی



خلال قرون متمادی، مستضعف‌ترین جامعه در کشمیر، شیعیان بودند. شیعیان کشمیر بارها مورد غارت قرار گرفته‌اند که از این وقایع در تاریخ کشمیر تحت عنوان «تاراج» یاد می‌شود. شیعیان به خاک و خون کشیده شدند و زیارتگاه‌های مقدس آنها به آتش کشیده شد.

^۱ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۶۹۴۹۱۴/۲۳/۰۱/۱۴۰۱>

بعدها در دوران حاکمیت یک صد ساله خاندان هندوی «دوگرا» بر کشمیر (۱۸۴۶-۱۹۴۷) که تمامی مسلمین تحت ظلم و فشار بودند، شیعیان نیز به عنوان اقلیتی در دل مسلمین مورد ظلم و ستم واقع می‌شدند. در این دوران کشمیری‌های هندو نور چشمی بودند. پس از تقسیم شبه قاره نیز این باز شیعیان بودند که محروم‌ترین‌ها به شمار می‌آمدند.

نقطه عطف تاریخ شیعیان کشمیر انقلاب اسلامی ایران بود که به رهبری امام خمینی در سال ۱۹۷۹ رقم خورد. آنچه انقلاب اسلامی ایران به شیعیان عطا کرد تغییر نوع نگاه و الگوآفرینی و هویت بخشی بود نه سرریز دلارهای نفتی به جیب شیعیان کشمیر؛ کاری که عربستان سعودی با همفکران خویش کرد. شیعیان کشمیر که تا دیروز هیچ هم به شمار نمی‌آمدند ناگهان هویت پامال شده‌ی خویش را باز یافتند.

حالا که فیلم جنجالی «پرونده‌های کشمیر» مسلمانان کشمیر را به شکل عمومی جانباری نشان می‌دهد که اقدام به نسل کشی هندوهای کشمیری کردند و به شکل خاص امام خمینی را بعنوان الهام بخش خشونت در کشمیر به تصویر می‌کشد و مروج مکتب اهل بیت در کشمیر میر شمس الدین عراقی را بدتر از هیتلر خطاب می‌کند، این باز شیعیان هستند که قربانی پروپاگاندای رسانه‌ای شدند.

شیعیان کمترین نقش را در درگیری‌های مسلحانه مبارزین کشمیری علیه دولت هند ایفا کردند و هیچ حس مشترکی با شعارهای حامیان پاکستان در کشمیر نداشتند. شیعیان البته موضع خویش را علیه جنایات هند در کشمیر هم

بارها ابراز داشتند اما هیچ‌گاه به هیچ گروه قومی مذهبی حمله نکرده‌اند چه آنکه خویشتن قربانی حملات افراط‌گرایان بوده‌اند.

اینک همان شیعیان، همان محروم‌ترین گروه قومی مذهبی در کشمیر، همان مردم دور از خشونت و سلاح، توسط ماشین رسانه‌ای حزب حاکم بر هند بعنوان تروریست‌های بی‌رحم نشان داده می‌شوند و چهره‌های مورد احترام ایشان مورد هتک و بی‌حرمتی قرار می‌گیرد.

واقعیت امروز هند نشان می‌دهد آنهایی که باور داشتند شیعیان کشمیر می‌بایست به دهلی‌نو اعتماد کنند تا حقوق‌شان تأمین شود و هویت‌شان به خطر نیافتد، چه مسیر خطایی می‌پیمودند.^۱

^۱ <https://t.me/RoohullahRazavi/۲۹۳۷>

مرجعیت دینی در الجزایر؛ از تصوف تا وهابی‌گری

به قلم: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در الجزایر



جامعه الجزایر همچون سایر جوامع در شمال آفریقا، مصر، مغرب و تونس در تاریخ گذشته خود مهد تصوف و محبت اهل بیت عصمت و طهارت بوده است.

زندگی دینی مردم این خطه همیشه به وسیله علمایی که به طور عمده فارغ‌التحصیل زوایا بودند اداره می‌شد و شیوخ زوایا رهبری دینی مردم بر عهده داشتند. شخصیت‌های تاریخی این کشور امثال امیر عبد القادر و... خود از شیوخ زوایا بودند.

شیوخ تصوف و مریدانشان در فقه پیرو مذهب مالکی و در عقاید و کلام اشعری بوده و در عین حال سلوک صوفیانه را نیز در شیوه دین‌ورزی حفظ

می‌کردند. صدها زاویه (خانقاه) و هزاران مزار از بزرگان صوفیه که در شهر و روستای الجزایر وجود دارد کانون‌های دین‌ورزی مردم به شمار می‌رفته است. این شیوه دین‌داری در عین حال همچون سایر فرقه‌ها، با بسیاری از انحرافات و خرافات هم همراه بوده است.

هم‌زمان با یکصدمین سال اشغال الجزایر توسط فرانسه، جمعی از علمای الجزایری که تحت تأثیر حرکت وهابیت و سلفی‌گری قرار گرفته بودند، گرد هم جمع شدند و جمعیتی را به نام «جمعیت علمای مسلمان الجزایر» در این کشور تأسیس کردند. عبد الحمید بن بادیس و محمد بشیر ابراهیمی از جمله فعال‌ترین این افراد بودند. در ابتدا تمام خطوط فکری دینی از قبیل: سلفی‌ها، صوفی‌ها، اباضی‌ها، علمای رسمی وابسته به حاکمیت فرانسوی در آن عضو بودند. این جمعیت خود را از ادامه‌دهندگان راه سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و محمد ابن عبد الوهاب معرفی کرده و هدفش را اصلاح وضعیت دینی الجزایر اعلام نمود.

اما به زودی مشخص شد که هدف از اصلاح اعلام شده چیزی جز مبارزه با تصوف نبوده است. از همین روی درگیری و کشمکش بین اعضای ارشد جمعیت علمای مسلمان و به ویژه محمد بشیر ابراهیمی با شیوخ تصوف آغاز و منجر به کناره‌گیری شیوخ تصوف از جمعیت شد.

جمعیت علمای مسلمان در عین مبارزه بی‌امان با تصوف که بسیاری از شیوخ آن از انقلابیون ضد استعمارگری فرانسه بودند، با اشغالگران فرانسوی مماشات و گاهی همکاری می‌کردند و در دوران مبارزات انقلابی مردم بر علیه فرانسه هم

همیشه از قافله عقب بوده و حتی گاهی انقلابیون را به خرابکاری و اخلاگری متهم می‌ساختند. پس از پیروزی انقلاب الجزایر و تشکیل دولت ملی، انقلابیون به قدرت رسیده اعتنایی به جمعیت علما نکرده و این جمعیت مدتی منحل شده و در عمل در حالت انزوا به سر می‌برد. البته افراد موجه و علمای انقلابی هم به ندرت در صف اعضای جمعیت حضور داشتند.



مشی جمعیت در دوره‌های اخیر مبتنی بر سلفی‌گری تبلیغی و تربیتی بوده و در بخش عظیمی از مساجد، دانشگاه‌ها، روزنامه‌ها، آموزش و پرورش و مدارس حضور فعال دارد. در جریان حراک شعبی و تغییر حکومت و با روی کار آمدن آقای عبد المجید تبون، عبد الرزاق قسوم، رئیس جمعیت در دیداری با او تقاضای تأسیس منصب افتاء در الجزایر و گنجاندن آن در قانون اساسی شد. تقاضایی که از سوی رئیس جمهور جدید مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت.

با افتتاح مسجد جامع الجزایر که بزرگ‌ترین مسجد قاره آفریقا است این جمعیت تلاش کرد در امر نام‌گذاری و اداره آن نفوذ داشته باشد که این تلاش هم به جایی نرسید، تا آنکه بالاخره آقای عبد المجید تبون رئیس جمهور الجزایر در اسفند ماه ۱۴۰۰ آقای شیخ مأمون القاسمی الحسني، شیخ زاویه رحمانیه را که

به میانه‌روی و اعتدال شهرت دارد به عنوان متولی مسجد جامع الجزایر منصوب کرده و به او رتبه وزیر داد.



وی سال‌ها قبل در مصاحبه‌ای با نشریه الاحرار در مورد اختلاف بین تشیع و تسنن گفته بود: «فتنه بین شیعه و سنی نقشه‌ای صهیونیستی، آمریکایی و غربی است. توطئه‌ای در کار است که نگاه‌ها را از دشمن حقیقی برگردانده و اعراب و مسلمانان را قانع کنند که خطر اصلی ایران، عقاید ایران و نظام حاکم بر آن

است. آنها از این راه می‌خواهند آتش فتنه بین شیعه و سنی را برافزودند. ما در گذشته به این موضوع اعتراض کرده‌ایم و گفته‌ایم که ما هیچ گاه راضی نیستیم که اختلافات مذهبی در شبکه‌های ماهواره‌ای و وسایل ارتباط جمعی مطرح شود، زیرا این امر تنها به اهداف دشمن خدمت کرده و بین امت اسلامی شکاف ایجاد می‌کند. ما معتقدیم که مناقشه در مورد این نوع قضایا در مجامع فقهی و مجالس علمی و دینی مورد بحث قرار گیرد. شما ملاحظه می‌کنید که غرب چگونه می‌خواهد مسئله فلسطین از اذهان مردم خارج شود. ولی قضیه فلسطین و قدس همچنان در وجدان مردم زنده باقی خواهد ماند، از بچگی با کودکان هست تا بزرگ شوند. ما فرزندانمان را اینگونه تربیت می‌کنیم و فلسطین در دل‌ها و وجدان‌ها باقی خواهد ماند.»

او در همین مصاحبه در مورد اختلافات با جمعیت علمای مسلمان گفته است: «ما با جمعیت علمای مسلمان اختلافی نداریم، زیرا مبانی اعتقادی ما یکی است. آنچه هست، اختلاف در روش‌ها است. ما هرچند در شیوه‌های دعوت با هم اختلاف داریم ولی همه ما به مبانی اسلام معتقدیم و برای پیشرفت آن و هدایت مردم به سوی آن عمل می‌کنیم، ولی وسیله‌ها و راه‌های رسیدن به این هدف بین ما متفاوت است.»

شیخ مأمون القاسمی در یک نوار صوتی که در صفحات اجتماعی بازتاب داشته است با اشاره به «کنفرانس اندیشه اسلامی» که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی قرن گذشته در الجزایر برگزار می‌شد گفته است: «در این کنفرانس علما و دانشمندان اسلامی از مذاهب مختلف شرکت می‌کردند. از تمامی مذاهب اهل

سنت و نیز از برادران ما از شیعیان که از ایران می‌آمدند، ولی زوایا از آن (جمعیت علمای مسلمان) کمی پس از تأسیس خارج شدند، زیرا برخی از تندروان و غالیان کارهایی کردند که باعث خروج زوایا شد و بزرگ‌ترین عامل آقای «عقی» بود که کارها را خراب کرد (عقی از مؤسسان جمعیت علمای مسلمان است).

این اظهارات این روزها در صفحات اجتماعی دست به دست می‌گردد و نخبگان جامعه از هر دو سو بر آن حاشیه می‌زنند.

در حالی که شیعیان الجزایر و هواداران ایران و جبهه مقاومت از این انتصاب خوشحالند و آن نشانه غلبه مشی اعتدال و وسطیت می‌دانند، یکی از سلفی‌ها در اظهار نظری در کانال «عین تموشنت السلفیه الدعویه» نوشته است: «آنچه از آن می‌ترسیدیم اتفاق افتاد و لا حول و لا قوه إلا بالله؛ تعیین یک نفر صوفی (شیخ زاویه هامل) به عنوان عمید مسجد جامع الجزایر در رتبه وزیر مسجد اعظم، بزرگ‌ترین بنای اسلامی پس از حرمین شریفین که دو میلیارد دلار هزینه ساخت آن شده است، آن را تبدیل به یک زاویه (صوفیانه) کرده است. به خدا اگر به جای آن یک بیمارستان می‌ساختند بهتر از وضع فعلی آن بود و الله المستعان».

فارین پالیسی: اسلام‌گرایان در خاورمیانه آماده بازگشت هستند



استفان کوک، محقق مسائل خاورمیانه، معتقد است که فرصت‌های متعددی وجود دارد که اسلام‌گرایان از طریق آن‌ها می‌توانند به کشورهای بازگردند که «گمان می‌رفت برای همیشه در آنجا نابود شده‌اند»، از جمله مصر و تونس. این مطلب در مقاله‌ای با عنوان «اسلام‌گرایی برای بازگشت آماده است»^۱، روز پنجشنبه، ۱۰ مارس، در مجله آمریکایی فارین پالیسی منتشر شد. وی گفت: «سال‌های گذشته برای اسلام‌گرایان خوب نبود، اما جریان‌های اسلامی از بین نرفتند، برعکس، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر خاورمیانه، به نظر می‌رسد که جریان‌های اسلامی چالش بزرگی برای رژیم‌ها در سراسر منطقه باشند.»

^۱ <https://foreignpolicy.com/10/03/2022/islamism-is-ready-for-a-comeback>

وی افزود که اعلام مرگ اسلام‌گرایی «اغراق‌آمیز» است و خاطرنشان کرد که اسلام‌گرایان همچنان از «فرصت‌های بالقوه» بهره‌مند هستند، زیرا شکاف دائمی بین آنچه دولت‌ها وعده می‌دهند و آنچه مردم در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند، ادامه دارد.

وی ادامه داد: «شکی نیست که عقب‌نشینی‌هایی که اسلام‌گرایان با آن روبه‌رو هستند واقعی است و به نظر می‌رسد که فعلاً راه و جایگاه خود را گم کرده‌اند، اما به زودی سازگار خواهند شد و تکامل خواهند یافت. به عبارت دیگر، بعید است آنها اکنون دست از مبارزه خود بردارند.»

او افزود: «همه مشکلات سیاسی جهان عرب که اسلام‌گرایان را (در سیاست) جذاب کرد، هنوز وجود دارد یا به تدریج بدتر می‌شود.»

وی به بازگشت اقتدارگرایی پس از انقلاب‌ها (بهار عربی)، فرصت‌های اقتصادی محدود و فقدان کانال‌هایی برای بیان دیدگاه‌های سیاسی اشاره کرد و اینکه رهبران موجود چشم‌انداز جذابی برای آینده ندارند و همچنان وحشی‌گری است که نشانه بارز استبداد سیاسی است.

کوک خاطرنشان کرد که برای مثال در مصر، اخوان المسلمین، علیرغم فرار اکثر اعضای آن به خارج از مصر پس از سال ۲۰۱۳ و زندانی شدن بسیاری از رهبران آن و حتی با وجود تلاش‌های رژیم برای بازسازی تاریخ به گونه‌ای که این گروه را «برای مصری‌ها بیگانه» کند، همچنان از «جایگاه مهمی» در جامعه مصر برخوردار است.

او افزود: «مشکل این است که به همان اندازه که گروه‌های اسلام‌گرا تکامل می‌یابند و تطبیق می‌یابند، رهبران دولت‌ها نیز همچنان مصمم هستند که اجازه ندهند آنچه بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ اتفاق افتاد دوباره تکرار شود.»^۱

کارشناس نظامی روس، جهان اسلام را شریک جدید روسیه خواند



ایگور کوروچنکو کارشناس نظامی روس در برنامه ۶۰ دقیقه شبکه تلویزیونی «روسیه ۱» گفت: «در چارچوب یک نظم جهانی در حال تغییر، روسیه باید مشارکت خود را با کشورهای آسیایی و خاورمیانه تقویت کند.»

فورین-بولیسی-الإسلاموية-لم- / ۲۰۲۲/۳/۱۲ news/۱۲/۳/۲۰۲۲ <https://mubasher.aljazeera.net/news/۱۲/۳/۲۰۲۲>

وی خاطرنشان کرد که غرب با تحریم‌های خود به هدفش برای نابودی اقتصاد روسیه که ثبات خود را نشان داده است، نرسید. تقویت روبل که نرخ ارز آن تنها برای چند روز کاهش یافت، گواه این امر است.

این کارشناس تأکید کرد: «روسیه در آینده نزدیک نمی‌تواند به تفاهم متقابل با کشورهای غربی دست یابد و تأکید بر توسعه همکاری‌ها باید در روابط با شرق و جهان اسلام باشد.»

کوروچنکو تأکید کرد: «این یک منطقه بسیار مهم برای روسیه است... جهان عرب شرکای جدید ما هستند».^۱

ملاحظه: گفتنی است از میان کشورهای جهان اسلام، هیچ یک با تحریم‌های غرب علیه روسیه همراهی نکردند و اغلب حتی موضعی جانب‌دارانه پیرامون بحران اوکراین نگرفتند.

رمضان قدیروف، رئیس جمهور چچن و متحد نزدیک پوتین، با اشاره به همین واقعیت، چند روز پیش (۲۸ مارس) در توییتی نوشت: «برادران و خواهران مسلمانان! به عنوان یک مسلمان، خوشحالم که تمام جهان اسلام از روسیه در مبارزه با شر جهانی حمایت کردند و هیچ کشوری با اکثریت مسلمان به تحریم‌ها علیه روسیه نپیوست. از طرف ۳۰ میلیون مسلمان در

^۱ <https://islamnews.ru/news-voenny-ekspert-nazval-islamskiy-mir-novym-partnerom-rossii>

روسیه، صمیمانه از شما تشکر می‌کنم. شما ثابت کردید که مسلمانان همیشه در کنار حق و عدالت ایستاده‌اند.^۱

دیکتاتوری دیجیتال فیسبوک درباره فلسطین



ما باید بدانیم که فیسبوک بر همه آنچه منتشر می‌کنیم نظارت می‌کند. البته همه متن‌ها را نمی‌خواند، بلکه این کار به صورت خودکار انجام می‌شود. سانسورکننده فیسبوک بدون بررسی محتوا الگوریتم‌ها را اعمال می‌کند، زیرا اصطلاحات را تعقیب می‌کند، نه متون و کلمات. وعده‌های قبلی شرکت فیسبوک در مورد بررسی سوگیری علیه محتوای عربی و فلسطینی در حد حرف بوده و عملی نشده است.

^۱ <https://twitter.com/RamzanKiadyrov/status/1508192827381010433>

فیسبوک از مجموعه دستورالعمل‌ها و نرم‌افزارهایی پیروی می‌کند که توسط رایانه‌ها پیاده می‌شود.

بر اساس این دستورالعمل، واژه «شهید» تبدیل به تروریست می‌شود. واژه‌های «بیت المقدس» و «مسجد الاقصی» به نوعی نفرت تبدیل و واژه «مقاومت» را به تحریک برای خشونت تبدیل می‌کند و به نظر می‌رسد که چنین رویه‌ای ادامه دارد و چیزی در این مورد اصلاح نکرده است.

یک تحقیق علمی توسط دانشگاه نیویورک که اواخر سال گذشته منتشر شد، جزئیات کمپینی را فاش کرد که اشغالگران علیه محتوای عربی و فلسطینی در بسترهای رسانه‌های اجتماعی از طریق الگوریتم‌های الکترونیکی راه‌اندازی کرده‌اند. اعضای این کمپین بر محتواهای ضد رژیم نظارت می‌کنند و به عنوان محتوای خشونت‌آمیز که باید حذف شود، گزارش می‌دهند.

تحقیقاتی که توسط پل بارت، جاستین هندریکس و گرانت سیمز از دانشگاه نیویورک تهیه شد، نشان داد که فیسبوک یک مرکز عملیات ویژه در سرزمین‌های اشغالی تأسیس کرده است. این مرکز شامل کارمندانی می‌شود که به زبان عربی مسلط هستند تا بر محتوای عربی نظارت داشته باشند. اکثر پست‌های فلسطینی توسط فیسبوک و توییتر حذف شده است. زیرا شامل کلماتی مانند شهید و مقاومت است.

آدام شاپیرو، رئیس ارتباطات و رسانه در فرانت لاین دیفندرز، گفت که تحولات در فلسطین باعث شده که شرکت‌هایی مانند فیسبوک، فعالان را

سرکوب و محتوای آنها را مسدود کند. در حقیقت فیسبوک شبیه یک دیکتاتور دیجیتال شده است و این چیزی است که باید به آن پرداخت.^۱

ملاحظه: حذف گسترده پیام‌های حامی فلسطین در حالی است که فیسبوک در پاسخ به اتهام انتشار محتواهای خشونت‌آمیز علیه مسلمانان روهینگیا، ناتوانی خود را برای تشخیص و حذف این دسته از پیام‌ها بهانه کرده است.

گزارش جدید گروه حقوق بشری «گلوبال ویتنس» (Global Witness) نشان می‌دهد که فیسبوک سال‌ها پس از اینکه مشخص شده در دعوت به خشونت نقش تعیین‌کننده‌ای در نسل‌کشی علیه اقلیت مسلمان روهینگیا داشته، نتوانسته این محتواهای خشونت‌آمیز را شناسایی و متوقف کند. کارشناسان می‌گویند علیرغم وعده‌های فیسبوک برای جلوگیری از انتشار محتوای نفرت‌انگیز، این پلتفرم هنوز حتی در ساده‌ترین آزمایش‌ها هم شکست می‌خورد.

ارتش میانمار در سال ۲۰۱۷ عملیات پاکسازی را در ایالت راخین در غرب میانمار انجام داد. بیش از ۷۰۰ هزار از اقلیت روهینگیا به بنگلادش گریختند. نیروهای امنیتی میانمار متهم به، کشتار، تجاوز و آتش زدن هزاران خانه این اقلیت مسلمان شدند. پلتفرم فیسبوک مهم‌ترین بستر در تسهیل این نسل‌کشی بود.

^۱ <https://thenewkhalij.news/article/۲۶۳۶۴۵>

ترس در کره جنوبی از گسترش اسلام و مساجد



خبرگزاری رسمی یونهایپ کره جنوبی با انتشار گزارشی از گسترش اسلام‌هراسی در این کشور خبر داد و به اختلاف جدید بر سر ساخت اماکن مذهبی اسلامی اشاره کرد.

این گزارش به کنفرانس مطبوعاتی در ۱۷ مارس در سئول، پایتخت این کشور اشاره دارد که در آن گروه‌های مدنی انتقادات خود را از اعطای مجوز برای ساخت مساجد و مراکز اسلامی ابراز کردند.

امتناع از ساختن مساجد

این گروه‌ها بیانیه‌ای صادر کردند که در آن، بر اساس آنچه این خبرگزاری گزارش داد، گفتند: «ما با ساخت نمازخانه مسلمانان در یک مکان استراتژیک

نزدیک به خط مرزی نظامی مخالفیم و مجوزها و پروانه‌های ساختمانی آنها برای حفاظت از کیفیت زندگی ساکنان محلی، حفظ تمامیت ملی و هویت محلی، باید لغو شود تا از ساکنان محلی محافظت شود.»

این خبرگزاری به بحث‌های مطرح شده توسط برخی گروه‌های مدنی در مورد ساخت نمازخانه مسلمانان به مساحت حدود ۲۳۱ متر مربع در شهر یونچئون در شمال سئول اشاره کرد.

پیش از این گزارش شده بود که یک مسجد دو طبقه به مساحت ۲۴۵ متر مربع در منطقه مسکونی نزدیک دروازه غربی دانشگاه ملی کیونگ پوک در دایگو در جنوب سئول در حال ساخت است، که کمیته ضد مسجد محله، تظاهراتی را در اعتراض به ساخت و ساز مسجد، با این استدلال که ساکنان محلی نگران اختلال ناشی از سرو صدا در مسجد هستند، ترتیب داد.

تبادل فرهنگی

لی هی سو، استاد مردم‌شناسی فرهنگی دانشگاه هانیانگ در این باره به این خبرگزاری گفت: «با افزایش تعداد بازرگانان، دانشجویان خاورمیانه و خانواده‌های چندفرهنگی، تعداد عبادتگاه‌هایی که از آنها استفاده می‌کنند نیز افزایش می‌یابد.»

وی افزود: «این نتیجه طبیعی تبادلات فعال بین کره جنوبی و کشورهای اسلامی است.»

بر اساس گزارش انجمن مطالعات خاورمیانه کره، از سال ۱۹۷۶ تا کنون، حداقل ۱۵۰ مسجد از جمله نمازخانه‌های کوچک در سراسر کشور ساخته شده است. این انجمن تخمین می‌زند که امروزه حدود ۲۰۰۰۰۰ مسلمان در کره جنوبی زندگی می‌کنند.

کارشناسان با اشاره به اینکه پدیده اسلام‌هراسی اغلب ناشی از ناآگاهی است، تأکید می‌کنند که باید اقدامات لازم برای رفع سوء تفاهم‌ها انجام شود. انجمن مسلمانان کره جنوبی تخمین می‌زند که حدود ۱۰۰۰۰۰ مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که حدود ۷۰ یا ۸۰ درصد آنها خارجی هستند.

ظلم به مسلمانان

پروفسور لی گفت: «این تعصب وجود دارد که مسلمانان خطرناک هستند، با این حال، پناهجویان یمنی ساکن جزیره ججو که ۴ سال پیش جنجال مشابهی را تجربه کردند، اکنون بدون هیچ مشکلی به خوبی زندگی می‌کنند.» وی تأکید کرد که دولت یا دولت‌های محلی باید برای رفع این سوگیری‌ها وارد عمل شوند. وی خاطرنشان کرد: «اغراق است اگر بگوییم اکثر مساجد در مناطق مسکونی واقع شده و باعث ایجاد مزاحمت برای مردم محلی می‌شود.» بر اساس نتایج یک نظرسنجی که توسط انجمن مطالعات خاورمیانه کره بر روی ۵۵ مسجد بزرگ در این کشور انجام شده است، ۶۵٫۶ درصد یا ۳۶ مسجد

از آنها در مناطق تجاری ضعیف، مناطق بازسازی شده یا مناطق حومه شهر واقع شده‌اند.^۱

آیا جنگ اوکراین باعث بهار عربی دوم خواهد شد؟



مجله فرانسوی لوپوینت نوشت: کمبود اقلام اساسی در شمال آفریقا و خاورمیانه به دلیل عواقب جنگ روسیه علیه اوکراین باعث می‌شود بسیاری فرضیه «نسخه دوم» بهار عربی را زمزمه کنند که جرقه آن کمبود مواد غذایی خواهد بود که رژیم‌های استبدادی در منطقه نمی‌توانند آن را مهار کنند.

^۱ <https://mubasher.aljazeera.net/news/politics/۲۲/۳/۲۰۲۲> - مخاوف في-کوريا-

الجنوبية من-انتشار

این مجله در گزارش خود نوشت: اوکراین و روسیه نماینده یک سوم صادرات گندم، جو، آفتاب‌گردان، آمونیاک و اوره در جهان هستند و همین موضوع به حق «یک سلاح غذایی» با اثرات مخرب نزدیک به اثرات سلاح‌های هسته‌ای است.

لوپینت خاطرنشان کرد: کشورهایی نظیر لیبی، مصر و الجزایر در تأمین نیمی از واردات گندم خود به هر دو طرف درگیری کنونی وابسته هستند و این به مثابه اعتیاد این منطقه است که چهار درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است و نیازهایش از واردات غلات جهانی به ۳۵ درصد می‌رسد و این باعث شکل‌گیری یک معادله جهنمی شده که بیش از پانزده سال بدون راه حل باقی مانده است.

حتی بدتر از آن، این مجله می‌افزاید که کمبود احتمالی اقلام اساسی در سال ۲۰۲۲، خطر یک کابوس غذایی در سال ۲۰۲۳ را به دنبال دارد به طوری که احتمال می‌رود اوکراین در فصل بهار به دلیل جبهه رفتن مردان و فرار زنان از بمب‌های روسیه برداشت محصولی نداشته باشد و ممکن است این کشور در فصل آینده یعنی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ کاشت نکند.

این در حالی است که آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد اخیراً با اشاره به اینکه بحران کنونی ممکن است باعث طوفان گرسنگی در مناطق زیادی از کره خاکی شود، هشدار داد که درگیری در اوکراین بیشتر به فقرا ضربه خواهد زد و بذریه‌های غذایی و آشفته‌گی در سراسر جهان را در پی خواهد داشت.

بر اساس گزارش این مجله، در حالی که مقامات کشورهای مغرب در رباط و پایتخت الجزایر اصرار داشته‌اند تشریح کنند که محصولات کافی تا پایان سال جاری وجود دارد، مقامات تونس اعلام کرده‌اند که تا تابستان ذخایر وجود دارد و همه چیز به محصول گندم تازه در تابستان امسال بستگی دارد اما اینها تنها استدلال‌هایی است که باعث افزایش حیرت جمعیت این کشورها در مواجهه با کمبود مواد اولیه می‌شود.

لوپوینت در پایان نوشت: بذره‌های نارضایتی در منطقه مغرب در سال ۲۰۲۲ همچنان شبیه زمان انفجار بهار عربی در ژانویه ۲۰۱۱ است در حالی که آتش خشم در منطقه عربی به صورت بدی مهار شده و این آتش به دلیل ناکامی آشکار رژیم‌های برگرفته از انقلاب‌ها در تونس، لیبی و مصر، همچنان شعله‌ور است.^۱

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۴۰۷۰۲>

مسیحیت انجیلی و برزیل؛ مذهبی که در تیم ملی گسترش یافته است



روز دربی در بلو هوریزونته بود، اما برای ژائو لیته، دروازه‌بان اتلتیکو مینیرو، فرقی نمی‌کرد زیرا معتقد بود عیسی مسیح مأموریت دیگری به او محول کرده است؛ انتشار کلام خدا در میان بازیکنان فوتبال.

بعد از ظهر آن روز در دسامبر ۱۹۸۲، او به رسم آنچه در سه سال گذشته انجام داده بود، قبل از شروع مسابقه به سمت کارلوس گومز، دروازه‌بان کروزیرو رفت و گفت: «عیسی تو را دوست دارد و من برای تو هدیه‌ای دارم» و یک نسخه از کتاب مقدس را به او تقدیم کرد.

در آن لحظه، همه چیز به نظر گومز کمی عجیب آمد. او حتی اعتراف کرد در ابتدا عصبانی هم شده بود. اما بعداً احساسش تغییر کرد و به جنبش مذهبی لیته، ورزشکاران مسیح پیوست و از پیروان سرسخت آن شد.

این جنبش مذهبی، انجمنی متشکل از ورزشکاران مسیحی انجیلی است که برخی از تأثیرگذارترین افراد فوتبال برزیل در آن عضو هستند.

در اولین جلسه، آنها تنها چهار نفر بودند اما این تعداد اکنون به حدود هفت هزار نفر در شصت کشور جهان رسیده است و فوتبالیست‌های مطرحی مانند کاکا، برنده توپ طلای ۲۰۰۷ و لوسیو، مدافع میانی سابق بایرن مونیخ، در میان آنها دیده می‌شوند.

لیته که سابقه پنج بازی ملی دارد، به بخش ورزش بی‌بی‌سی گفت: «همه چیز با الکس دیاس ریبریو، راننده فرمول یک، شروع شد که با شعار «عیسی نجات دهنده» روی اتومبیلش، مسابقه می‌داد.»

«من هم تصمیم گرفتم همین کار را کنم و این شعار را روی پیراهنم بنویسم. اما فدراسیون فوتبال برزیل آن را منع و تیمم، اتلتیکو را به کسر امتیاز تهدید کرد.»

«آن زمان بود که شروع به اهدای انجیل به بازیکنان کردم. روزهای سختی بود و پیش‌داوری بدی نسبت به بازیکنان مسیحی انجیلی وجود داشت. حتی در تیم ملی هم احساس راحتی نداشتم و برایم سخت بود.»

در سال ۱۹۸۰، زمانی که لیته مأموریت خود را آغاز کرد، ۹/۸۸ درصد از جمعیت برزیل کاتولیک بودند و سهم مسیحیان انجیلی، جنبشی در آیین پروتستان، تنها ۶/۶ درصد بود.

این نسبت از آن زمان به طور قابل توجهی تغییر کرده و بنا بر تحقیقات یک موسسه نظرسنجی در سال ۲۰۲۱، این ارقام اکنون به ترتیب به ۵۰ و ۳۱ درصد رسیده است.

البته برزیل همچنان بزرگ‌ترین کشور کاتولیک جهان است، اما پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۲ کلیساهای انجیلی عبادت‌کنندگان بیشتری را در این کشور به خود جذب کنند.

سال ۱۹۹۲ که لیته از فوتبال بازنشسته شد، انجمن ورزشکاران مسیحی در حال پیشرفت بود.

این انجمن در آرژانتین برنامه تلویزیونی خود را داشت و مجری‌اش پائولو سیلاس، هافبک سابق برزیل، بود. این برنامه هفته‌ای سه بار پخش می‌شد. آنها حتی تلاش کردند تا دیگو مارادونا را به آیین خود درآورند، اما تلاش‌هایشان بیهوده بود.

یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این جمع، بازیکن سابق بایرلورکوزن، بایرن مونیخ و مدافع راست برزیل، جورجینیو است. او هنگامی که کاپیتان بود به بازیکنان حریف انجیل هدیه می‌داد.

در جام جهانی ۱۹۹۴، او یکی از شش فوتبالیست مسیحی انجیلی برزیل بود که توانستند ایتالیا را در ضربات پنالتی شکست داده و قهرمان شوند. در هنگام ضربات پنالتی، پنج نفر از آنها در مرکز زمین حلقه‌ای تشکیل دادند و پس از ناکامی روبرتو باجو در ضربه پنالتی، خدا را شکر کردند.

نفر ششم، دروازه‌بان تیم ملی، تافارل بود که در محوطه شش قدم جشن گرفته بود. او پس از مسابقه گفت: «وقتی باجو توپ را برداشت، شک نداشتم که برنده خواهیم شد. هر کس به خدا ایمان داشته باشد، هرگز به کسی که به بودا ایمان دارد، نخواهد باخت.»

تصویر تافارل، که اکنون مربی دروازه‌بان‌های لیورپول است، در حال جشن گرفتن با دست‌هایش رو به آسمان در مقابل باجوی افسرده که پیرو آیین بودا است، به عنوان جلد کتاب «چه کسی عنوان چهارم را کسب کرد؟» استفاده شده است.

در این کتاب برخی از بازیکنان، این پیروزی را ناشی از لطف خداوند می‌دانند. ادعایی که البته از سوی مربی افسانه‌ای برزیل، ماریو زاگالو، مورد انتقاد قرار گرفت.

جنبش ورزشکاران مسیح دیگر از محبوبیت سابق برخوردار نیست. اما مسیحیت انجیلی به سرعت در برزیل گسترش یافته و در تیم ملی نیز از سال ۱۹۹۴ به بعد نفوذ آن افزایش یافته است.

در حالی که با لیته در دهه ۱۹۸۰ و در تیم ملی برخورد خوبی نمی‌شد، اما امروز کشیش‌های انجیلی اجازه دسترسی ویژه به اردوهای تیم ملی دارند. فدراسیون فوتبال برزیل و بازیکنان با کمک‌های مالی خود امکان سفر و اسکان آنها را فراهم می‌کنند. در برخی موارد حتی این کشیش‌ها تبدیل به همراهان همیشگی بازیکنان شده‌اند.

در طول جام جهانی ۲۰۰۲ که برزیل قهرمان شد، لوسیو، کاکا و ادمیلسون مدافع سابق بارسلونا مرتب در مراسم دعا شرکت می‌کردند.

در سال ۲۰۱۰ لوسیو در مصاحبه‌ای گفت: «در زمان استراحت، بازیکنان آزاد بودند هر کاری دوست داشتند انجام دهند، اما برای من، بهترین زمان برای عبادت بود. در این اوقات سعی می‌کردیم افکار مثبت خود را تقویت کنیم تا بتوانیم با فشار بسیاری که در بازی‌ها تحمل می‌کردیم، مقابله کنیم.»

در سال ۲۰۰۹، پس از قهرمانی برزیل در جام کنفدراسیون‌ها در آفریقای جنوبی، لوسیو و سایر بازیکنان پیراهن‌های سفیدی با شعارهای مذهبی مانند «من خدا را دوست دارم» و «من به عیسی تعلق دارم» به تن کردند.

مقام‌ها گفتند که پیراهن‌ها را فوراً درآورند، اما لوسیو مقاومت کرد و در حالی که جام را بلند می‌کرد، پیراهن سفیدش را به دور کمرش بسته بود. فدراسیون فوتبال دانمارک علناً از این حرکت شکایت کرد و نامه هشدارآمیزی از سوی فیفا که مطابق قوانینش «اظهارات سیاسی، مذهبی یا شخصی» ممنوع است، به برزیل ارسال شد.

سال بعد، صداهایی از داخل برزیل بلند شد و تأثیر مسیحیت انجیلی بر ساختار تیم ملی را زیر سؤال برد.

برای مثال، فشار بسیاری برای دعوت رونالدینیو به جام جهانی ۲۰۱۰ بود. او در آن زمان برای آث میلان بازی می‌کرد. مجله ای‌اس‌پی‌ان روی جلدش نوشت: او دعوت نخواهد شد، زیرا «برای بازی در سلسائو (لقب تیم برزیل)، فوتبال کافی

نیست. بلکه باید عضوی از «کلیسای کوچک» (اشاره به جمع مسیحیان انجیلی تیم) بود.»

در نهایت همین اتفاق افتاد و رونالدینیو دعوت نشد.

پس از حذف برزیل مقابل هلند در مرحله یک‌چهارم نهایی، ادعاهایی مطرح شد مبنی بر اینکه تحلیلگر قدیمی تیم با کسی که «تجربه انجیلی بیشتری» داشته جایگزین شده است.

چند سال بعد در سال ۲۰۱۵، فدراسیون فوتبال برزیل مدیر امنیتی تیم ملی را برکنار کرد، زیرا اجازه داده بود مراسم انجیلی در داخل هتل تیم، بدون اطلاع سرمربی وقت، دونگا، برگزار شود.

کشیش حاضر در مراسم بعداً در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «امروز جشن ورود به بهشت را گرفتیم، زیرا سه نفر تصمیم درستی گرفتند و عیسی مسیح را پذیرفتند». آلیسون بکر و فابینیو از لیورپول، به همراه داوید لوئیز، مدافع سابق چلسی و آرسنال و لوکاس مورا از تاتنهام از جمله حاضران در آن جشن بودند. در برزیل تنها فوتبال نیست که تعداد پیروان و قدرت مسیحیت انجیلی افزایش یافته است. بلکه در سیاست هم هست.

ژائیر بولسونارو، رئیس جمهور راست افراطی برزیل، با حمایت تقریباً هفتاد درصد جامعه مسیحیان انجیلی، از جمله ستارگان فوتبال مانند نیمار و ریوالدو، در انتخابات ۲۰۱۸ پیروز شد.

بولسونارو که در یک خانواده کاتولیک به دنیا آمده است، بعداً توسط یک کشیش انجیلی در رودخانه اردن دوباره غسل تعمید شد و قول داد که یک قاضی دیوان عالی منصوب کند که «به طرز افراطی انجیلی» باشد و به قولش عمل کرد. هنگامی که در دسامبر ۲۰۲۱، اندره مندونکا، وکیل و کشیش انجیلی، برای این مقام انتخاب شد، ویدئویی از بانوی اول، میشل بولسونارو در حالی که فریاد می‌زد «خدا پاک و منزه است» در فضای مجازی بسیار پربازدید شد.

مندونکا زمانی که دادستان بود، با استفاده از آیات کتاب مقدس از بازگشایی کلیساها در طول همه‌گیری کووید-۱۹ دفاع کرده بود. او انتصابش را «قدمی کوچک برای انسان و قدمی بزرگ برای انجیلی‌ها» دانسته بود.

ریشه‌های گسترش مسیحیت انجیلی در سیاست به سال ۱۹۸۶ باز می‌گردد، زمانی که شایعه شد برزیل در نظر دارد مذهب کاتولیک را تنها دین رسمی خود قرار دهد. در آن سال، ۳۲ نماینده فدرال با گرایش مسیحیت انجیلی انتخاب شدند. تعداد آنها اکنون به ۱۰۵ نماینده و همچنین ۱۵ سناتور افزایش یافته است.

زمانی که دیلما روسف، رهبر سابق این کشور در سال ۲۰۱۶ استیضاح شد، ۵۸ نماینده رأی خود را به خدا تقدیم کردند.

منتقدان، انجیل‌گرایی در سیاست را نشانه قدرت یافتن محافظه‌کاران و افزایش عدم تحمل مخالفان و آزادی مذاهب گوناگون، به ویژه باورها و آیین‌های آفریقایی، می‌دانند.

در حالی که اخیراً محبوبیت مردمی بولسونارو به ۲۲ درصد کاهش یافته است، او قصد دارد در انتخابات بعدی ریاست جمهوری با استفاده از

فوتبالیست‌های انجیلی و مشهوری مانند نیمار که همچنان به او وفادار هستند، محبوبیت از دست رفته خود را بازیابد.

والتر کازاگرانده، بازیکن سابق تیم ملی برزیل که اکنون مفسر و کارشناس تلویزیونی است، با انتقاد از نیمار، مدعی شد که او تبدیل به خدمتکار بولسونارو شده است.^۱

چرا نسل جدیدی از زنان کاتولیک هنگام عبادت حجاب می‌پوشند؟



بسیاری از جوانان آمریکایی مشتاق هستند که میراث تلخ سرکوب و مردانگی موجود در ایالات متحده را روشن کنند و به آنها بپردازند. با این حال، اقلیتی از جوانان کاتولیک به دنبال الهام گرفتن از گذشته بوده و از شیوه‌های

^۱ <https://bbc.in/۳KΔirOH>

قدیمی‌تر و سنتی‌تر استفاده می‌کنند. عده‌ای به سوی مراسم مذهبی لاتین کشیده می‌شوند و برخی دیگر کنف (یک نوع ردای مسیحی غربی بدون آستین) یا گردنبندهای مذهبی با نمادهای مذهبی می‌پوشند. برخی از زنان جوان کاتولیک به پوشیدن حجاب سر که در طول مراسم عشای ربانی پوشیده می‌شود، روی آورده‌اند که هنجارها و نقش‌های جنسیتی متمایز را در تضاد با فرهنگ گسترده‌تر آمریکایی تقویت می‌کند.

عمل حجاب ارتباط تنگاتنگی با خلوص و حیا جنسی دارد، راهی برای پوشاندن موها برای جلوگیری از حواس‌پرتی مردان. قبل از شورای دوم واتیکان در سال ۱۹۶۲، زنان موظف بودند قبل از ازدواج، حجاب سفید بپوشند، که نشان‌دهنده خلوص جنسی بود، بسیار شبیه به لباس یا چادر سفیدی که زنان هنوز هنگام ازدواج می‌پوشند. پس از ازدواج، زنان به حجاب‌های عبادی سیاه روی می‌آورند که نمادی بیرونی برای پیوند ازدواج آنهاست.

شورای دوم واتیکان یا واتیکان دوم مجموعه‌ای از جلسات بود که جنبه‌های کلیسای کاتولیک را مدرن کرد. این قانون الزام زنان به پوشیدن حجاب را در طول مراسم عبادات لاتین حذف کرد. پس از آن، رواج پوشیدن حجاب توسط زنان تا حد زیادی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از بین رفت. در حالی که برخی از زنان پس از واتیکان دوم هرگز پوشیدن حجاب را متوقف نکردند، اغلب به این دلیل که خانواده‌هایشان یا جماعت‌شان این عمل را ادامه می‌دادند، اما بسیاری ترجیح دادند حجاب را کنار بگذارند. با این حال، در دهه گذشته، اقلیتی از زنان

کاتولیک، به‌ویژه جوانان آمریکایی نسل هزاره (متولدین دو دهه پایانی قرن بیستم)، انتخاب کرده‌اند که داوطلبانه سر خود را بپوشانند.

همانطور که من با زنانی که دوباره حجاب را انتخاب کرده‌اند مصاحبه کردم، واضح بود که بسیاری از آنها حجاب را به عنوان یک توسل به حیا و پاکی جنسی و به عنوان یک یادآوری فیزیکی برای پاک ماندن می‌دانند. برای مگدالنا، یک دانشجوی ۲۳ ساله اهل میدوسترن، «اهمیت حجاب سفید و کرم این است که یک تذکر دائمی است که می‌خواهید چه کسی باشید؛ پاک. شما می‌خواهید مقدس باشید. شما می‌خواهید پاکدامن باشید.» هلنا، دانشجوی ۱۹ ساله کالج، گفت: «وقتی حجاب می‌پوشیدم، تذکری بود که پاک باشم و فقط افکار پاک و اعمال پاک داشته باشم و پاکدامن باشم.» برای روت ۲۵ ساله، حجاب اهمیت خلوص جنسی را به یاد می‌آورد، و اینکه چگونه عروس مسیح بودن را به او یادآوری می‌کند، که برای پذیرایی مسیح در مراسم عشای ربانی از راهرو بالا می‌رود. او گفت: «شما پاک و عادل هستید و خود را برای آن یک ساعت برای مسیح فروتن می‌کنید.»

البته این تأکید بر پاکی جنسی چیز جدیدی نیست. حتی در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، در اوج جنبش پاکی آمریکا، بسیاری از کلیساهای کاتولیک ایالات متحده میزبان «برنامه‌های زیبایی واقعی» بودند که برای تقویت ریاضت و خودداری تا زمان ازدواج برای زنان جوان کاتولیک طراحی شده بود. همانطور که در یکی از مطالعات این برنامه آمده است: «زمان آن رسیده است که دختران نوجوان ما موهبت زنانگی خود را درک کنند.» زیبایی واقعی بخشی از مجموعه

آموزه‌هایی است با عنوان «فرهنگ خلوص»، که به ویژه در انجیلیسم محافظه‌کار آمریکایی برجسته بود. این آموزه‌های کلیسا یک دوگانگی جنسیتی را تقویت می‌کند، از زنان می‌خواهد که بار مسئولیت جنسی را به دوش بکشند، و چنانکه نویسنده لیندا کی کلاین می‌نویسد، از همه انتظار دارند که «به طور مطلق از رابطه جنسی پیش از ازدواج» پرهیز کنند. کلاین استدلال می‌کند که به مردان آموزش داده می‌شود که ذهن آنها شیطانی است در حالی که به زنان آموزش داده می‌شود که بدن آنها منبع وسوسه است. «زیبایی واقعی» همان ایدئولوژی را تقویت می‌کند و تأکید می‌کند که زنان قبل از ازدواج مسئول پاک ماندن (از افکار و اعمال جنسی) هستند و در عین حال مسئولیت جلوگیری از توجه ناخواسته جنسی مردان را با لباس پوشیدن متواضعانه بر عهده می‌گیرند.

در حالی که برخی از زنان با توجه به تغییر فصول عبادت، حجاب‌هایی را در رنگ‌های مختلف می‌پوشند، بسیاری هنوز هم سنت پوشیدن حجاب سفید قبل از ازدواج و حجاب سیاه یا قهوه‌ای بعد از ازدواج را حفظ می‌کنند. ماریسا ۳۲ ساله توضیح داد که رنگ سفید حجاب به عنوان «نشانه‌ای از عفت، پاکی و باک‌رگی» در نظر گرفته می‌شود. کلارا ۳۲ ساله نیز توضیح داد که چگونه زنان امروزی می‌توانند حجاب سفید بپوشند، حتی اگر باکره نباشند. او گفت: «برای من، اگر حجاب سفید بپوشم، شبیه پاکی است. شبیه باکرگی است. حتی اگر هنوز باکرگی خود را ندارید، می‌توانید آن حجاب را بپوشید تا آن معنای باکرگی و پاکدامنی را داشته باشید.»

برای لیلی، ۳۴ ساله، حجاب نمادی از صمیمیت زناشویی است، «زیرا مو، به عنوان نشانه زیبایی، به طور خاص برای شوهرش محفوظ می ماند». برای دونا ۳۱ ساله، شما «موهای خود را غلاف می کنید زیرا موهای شما یک ویژگی بسیار جذاب است». آملیا، ۲۸ ساله، استدلال می کند که این عمل زن را به عنوان نوعی مایه شرم پنهان نمی کند، بلکه بخشی از او را برای همسرش محفوظ می دارد. او گفت: «اینطور نیست که ما بخواهیم آن چیزها را پنهان کنیم، اما چون دغدغه ازدواج داریم، می خواهیم آنها را به طور بالقوه مقدس نگه داریم». برای آملیا، حجاب موها را پنهان می کند، همانطور که لباس های معمولی بدن را پنهان می کند، بنابراین یک زن می تواند از وسوسه مردان جلوگیری کند.

این زنان دیدگاه های مشابهی با برخی از جوامع یهودی حسیدی دارند، جایی که مو به عنوان جنبه ای حسی از بدن زن دیده می شود و تنها برای شوهرش محفوظ است. این زنان از روسری یا کلاه گیس استفاده می کنند که در زبان ییدیش، شیتل (sheitel) نامیده می شود. به همین ترتیب، در برخی از جوامع مسلمان، زنان به دلایل مختلف، از جمله برای نشان دادن افتخار به هویت قومی خود یا تسلیم در برابر خدا، یا حفظ عفت از مردان خارج از خانواده، حجاب دارند.

برخلاف جوامع ارتدکس یهودی و مسلمان، که زنان در خارج از خانه موهای خود را با روسری یا کلاه گیس می پوشانند، این زنان کاتولیک فقط در طول مراسم عشای ربانی از حجاب استفاده می کنند. اما برای برخی از زنانی که با آنها مصاحبه کردم، ایده حجاب به انتخاب لباس هایی که هم در داخل و هم

در خارج از عبادت می‌پوشند، گسترش می‌یابد. آنها به دامن‌ها و لباس‌های بلند روی آورده‌اند، لباس‌هایی که هم زنانه و هم ساده هستند. در واقع، ایده زنانگی در میان زنان محجبه رایج بود. پاملا، ۲۴ ساله، گفت: «این به شما احساس زنانگی بیشتری می‌دهد. من در کلیسا احساس زنانگی بیشتری می‌کنم، و این واقعاً جالب است؛ زیرا شما را به شیوه‌ای زیبا متمایز می‌کند.» این یک شناسه قابل مشاهده برای جنسیت است. کلارا، ۳۸ ساله، از حجاب تجلیل می‌کند زیرا زنان را تشویق می‌کند «به بدن خود احترام بگذارند، بلکه به گونه‌ای لباس بپوشند و رفتار کنند که دیگران را به احترام به ما و حفظ کرامت ما دعوت کند». او گفت: «با حجاب و پوشش متواضعانه، مثل این است که خود را محفوظ بداری.»

همانطور که کارن ۳۳ ساله توضیح داد: «شما برای پنهان کردن چیزی بدن خود را حجاب نمی‌کنید یا لباس‌های ساده نمی‌پوشید، بلکه این کار را انجام می‌دهید زیرا به آن مقدسات و آن وقار پی می‌برید و [اینکه] برای همه نیست.» برای برخی، عفتی که حجاب در پوشاندن موهایشان ایجاد می‌کند، همان چیزی است که در وهله اول آنها را به سمت حجاب کشانده است. رز، ۲۲ ساله، توضیح داد که پوشیدن حجاب باعث می‌شود که در مجموع با حیای بیشتری لباس بپوشد. رز این ایده حیا و جلوگیری از توجه جنسی را به هم مرتبط می‌کند: «وقتی حجاب به سر می‌کنی، باحیاءتر لباس می‌پوشی، بنابراین به شما نگاه ابزاری و مادی نمی‌شود.» برای دلایلا ۱۸ ساله، این بخشی از «نحوه لباس پوشیدن زنان است تا مردان را بیشتر وسوسه نکنیم».

این همچنین سیگنالی برای مردان است که اعتقادات سنتی دارند. کِلر ۲۶ ساله گفت که پوشیدن حجاب زنان را برای مردان «جذاب‌تر» می‌کند. دوست پسر او از این عمل حمایت می‌کند و اظهار می‌کند که «ظاهر زنانه» آن را دوست دارد، اما هرگز او را مجبور به حجاب نکرده است. این ایده توسط چندین زن دیگر که من با آنها مصاحبه کردم تکرار شد، که شرکایشان جذب آنها شدند زیرا حجاب نشان می‌داد که آنها عقاید سنتی کاتولیک را دارند. یلنا گفت: «اگر کسی را بینم که محجبه است، تقریباً می‌توانم حدس بزنم که او سنتی‌تر است، یا به چیزهای خاصی درباره عبادت فکر می‌کند.»

یکی دو نفر از زنانی که با آنها صحبت کردم گفتند که حجاب همچنین نشان می‌دهد که آنها تسلیم مردان هستند. همانطور که کاتولیک‌های متعصب تسلیم خواست خدا هستند، معتقدند که زن باید تسلیم شوهرش شود. با این حال، همه زنان این ارتباط را برقرار نمی‌کنند، و برخی حجاب را وسیله‌ای برای اعمال قدرت خود بر بدن خود می‌دانند. این نشانگر آن است که دلایل مختلفی برای حجاب زنان وجود دارد، همانطور که گروهی متفاوت از زنان وجود دارند که این عمل را در جامعه کاتولیک آمریکا احیا کرده‌اند.

من با زنان محجبه از طریق پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی آنلاین، عمدتاً فیسبوک، ارتباط برقرار کردم، جایی که زنان به دنبال حمایت و راهنمایی در مورد این عمل بودند. زنانی که با آنها مصاحبه کردم در سراسر کشور زندگی می‌کنند، از ایندیانا تا آریزونا، واشنگتن تا ماساچوست، و تا آلاباما. آنها در زمینه‌های مختلفی از جمله نظامی، حقوق، بهداشت، آموزش و خانه‌داری کار

می‌کردند. برخی حتی تحریک شده‌اند تا شرکت‌های عرضه‌کننده حجاب را راه‌اندازی کنند؛ یک زن شرکت بزرگی را در مینه سوتا اداره می‌کند که حجاب‌های دست‌ساز تولید می‌کند و همچنین از ایتالیا وارد می‌کند، و زن دیگری شرکتی را اداره می‌کند که حجاب‌های رایگان را برای زنان علاقه‌مند ارسال می‌کند. همه به عنوان دگرجنس‌گرا شناخته می‌شوند و به جز دو نفر، همه سفیدپوست هستند.

یکی از سؤالات بزرگی که من با آن مواجه شدم این بود که چرا این عمل در دهه گذشته افزایش یافته است. در آن زمان اتفاقات زیادی در رابطه با هویت زنان در کلیسای کاتولیک رخ داده است که می‌تواند با احیای حجاب مرتبط باشد. در ژانویه ۲۰۲۱، پاپ فرانسیس قانون رسمی کلیسا را تغییر داد تا صراحتاً به زنان اجازه دهد به عنوان سخنران خدمت کنند، کتاب مقدس را بخوانند و در محراب به عنوان خادمین عشای ربانی خدمت کنند. زنان هنوز نمی‌توانند به عنوان کشیش خدمت کنند، نقشی که منحصرأ برای مردان محفوظ است. گسترش نقش زنان در محراب، جماعتی را که می‌خواهند این نقش‌ها را صرفاً برای مردان محفوظ نگه دارند، کنار می‌زند و واکنش‌های منفی را به دنبال دارد.

کلیسا همچنین در سه سال گذشته دوگانگی بین نقش‌های سنتی زن و مرد را تقویت کرده است. در حالی که پاپ فرانسیس اخیراً اظهار داشت که همجنس‌گرایان «فرزندان خدا [و] حق داشتن یک خانواده را دارند» و ایالت‌ها باید پیوندهای مدنی (ابزار حقوقی برای ازدواج همجنس‌گرایان) را به رسمیت بشناسند تا از حقوق کاتولیک‌های همجنس‌گرا بر اساس قانون حمایت کنند، اما

با این وجود او تغییری در قانون کلیسا ایجاد نکرد تا اجازه دهد پیوندهای همجنس‌گرا توسط کلیسا به رسمیت شناخته شوند. در ژوئن ۲۰۱۹، واتیکان بیانیه‌ای درباره افراد تراجنسیتی منتشر کرد که این ایده را رد می‌کند که جنسیت می‌تواند از جنسیت بیولوژیکی متفاوت باشد. این بیانیه، و قانون کلیسا در سال ۲۰۲۱ که بار دیگر تأکید می‌کرد زنان نمی‌توانند به عنوان کشیش خدمت کنند، دوگانگی جنسیتی و این ایده را تقویت می‌کند که نقش‌های سنتی و متمایز برای مردان و زنان در کلیسا وجود دارد.

در ۱۰ سال گذشته، کاتولیک سنتی نیز شاهد رشد فزاینده‌ای بوده است. محله‌های محافظه‌کار که سنت‌های قبل از واتیکان دوم را جشن می‌گیرند، به یکباره در سراسر کشور سر برآورده‌اند. هم‌زمان «تغییرات محافظه‌کارانه» در میان کشیش‌های کاتولیک در ایالات متحده پدیدار شده است. شهر رو به رشد سنت ماری، در کانزاس نیز نشانه‌ای دیگر از این روند است. سنت ماری، که برای چهار دهه محل استقرار یک بخش از انجمن سنت پیوس ایکس (SSPX) بوده است، طبق گزارش آتلانتیک شاهد افزایش کاتولیک‌های محافظه‌کار بوده است که به سمت جامعه گوشه‌نشین رفته‌اند، جایی که بسیاری از زنان لباس‌های باحیا می‌پوشند و «از ممنوعیت واتیکان در مورد کنترل بارداری پیروی می‌کنند». آتلانتیک همچنین گزارش داد که برخی از خانواده‌ها به این دلیل به این شهر روستایی کشیده شده‌اند که به دلیل ایمانشان در جوامع دیگر احساس انزوا می‌کنند و نگران گناهانی هستند که ممکن است فرزندانشان در دنیای بیرون با

آن‌ها مواجه شوند، از جمله نوجوانانی که پورنوگرافی را کشف می‌کنند، که تفاوت چندانی با استدلال‌های پشت برنامه «زیبایی واقعی» ندارد.

زنانی که در ایالات متحده عمل به حجاب را دوباره به از سر گرفته‌اند، بر سر دوراهی بین کلیسایی که نقش‌های جنسیتی را تقویت می‌کند و کشوری که سقط جنین در آن به موضوعی عمیقاً سیاسی تبدیل شده است، قرار دارند. زنان در کلیسا همگی به شیوه‌های منحصربه‌فردی به این درگیری پاسخ می‌دهند: برخی برای انتصاب زنان و به رسمیت شناختن کاتولیک‌های LGBTQ فشار می‌آورند، در حالی که برخی دیگر خود را وقف اعمال سنتی‌تر کاتولیک کرده و ابزارهای مذهبی سنتی را باز پس می‌گیرند.

آیا رواج حجاب در آینده نیز ادامه خواهد داشت؟ آیا به مرور زمان کاهش می‌یابد؟ آیا رهبری کلیسای کاتولیک موضعی صریح در مورد این عمل داوطلبانه یا در مورد هویت جنسیتی و یا معنای زن کاتولیک بودن اتخاذ خواهد کرد؟ رشد حجاب در مقطع حساسی در تاریخ کلیسا اتفاق می‌افتد، زمانی که برخی از این زنان معتقدند ایدئولوژی‌های جنسی و جنسیتی سنتی در خطر هستند. همانطور که ترزا گفت، «ارزش‌های سنتی در حال حاضر در جهان ما مورد حمله قرار گرفته‌اند، و من فکر می‌کنم که صدای مخالفت علیه چیزهایی مانند ارزش‌های سنتی خانواده و حیا، عفت و پاک‌ی» در حال افزایش است. حجاب عمیقاً با این مسائل در هم تنیده است و ممکن است راهی برای عقب راندن این تغییر در جامعه سکولار آمریکا باشد.

رواج حجاب نشان می‌دهد که چگونه اقلام عبادی - چیزهایی که ما می‌پوشیم و با آن‌ها دعا می‌کنیم - بر نحوه تصور زنان و پرورش تجربه‌شان از جنسیت و تمایلات جنسی تأثیر می‌گذارد. کلیسای کاتولیک مدت‌هاست که بر روشی که زنان جوان از جنسیت و زنانگی خود تصور می‌کنند، تأثیر گذاشته است. حجاب همین کار را برای نسل بعدی زنان کاتولیک که با توری سفید احاطه شده‌اند، انجام می‌دهد.^۱

محصولات-میزان-نهادها/چرا-نسل- <https://mersadcass.com/divisions/institutions/>

/جدیدی-از-زنان-کاتولیک-هنگام-عبا



بخش چهارم: گزارش‌ها

جریان‌شناسی سیاسی شیعیان خلیج فارس؛ انقلابیون، اصلاحیون و استقراریون



با شنیدن نام شیعیان حوزه خلیج فارس آنچه به ذهن مخاطب عام می‌رسد فضایی مبهم توأم با حس مظلومیت است. این فضای ذهنی مبهم تا حدودی در سطوح بالاتر نسبت به جریان‌ات سیاسی شیعه در این حوزه نیز وجود دارد. اما نقطه مشترک ابهام در هر دو بخش نشأت گرفته از عدم شناخت کافی است. در مصاحبه پیش رو آقای علیرضا مجیدی، مدیر بخش خاورمیانه اندیشکده جریان، با نگاه تاریخی-اجتماعی و بررسی حوادث نیم قرن گذشته به چگونگی ایجاد و فراز و فرود جریان‌ات شیعی در حوزه خلیج فارس پرداختند.

به دلایل مختلف چه از منظر اجتماعی و چه سیاسی معمولاً شیعیان حوزه خلیج کمتر موضوع تحلیل‌گران داخلی قرار گرفته‌اند؛ از این رو لطفاً برای ورود به بحث جریان‌ات سیاسی یک شمای کلی از جامعه شیعیان در کشورهای حوزه خلیج

فارس ارائه بفرمایید؟

شیعیان حوزه خلیج فارس در ابتدا و در یک نگاه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. شیعیان بومی و مهاجر. خود شیعیان مهاجر هم به دو دسته از نظر زبانی تقسیم می‌شوند: عرب و عجم. با اینکه در بین بومی‌ها هم شیعیان عجم وجود دارد اما به خاطر نگاه متعصبانه موجود در منطقه خلیج فارس، عجم‌های بومی این منطقه را مهاجر به حساب می‌آورند.

شیعیان بومی خلیج فارس نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند و در تحلیل سیاسی، دقت نظر در این تفکیک بسیار مهم است. اخباریون، شیخیون و اصولیون. دسته اول؛ شیعیان اخباری که در بحرین پرشمارند؛ در احساء، قطیف و منطقه شرقی عربستان به خصوص در شهر حفوف حضور دارند. ساکنان منطقه اخیر چنان اخباری متعصبی هستند که حتی در دوره‌ای ارتباط خود را با سایر شیعیان قطع کرده بودند. بارزترین ویژگی این دسته که از حیث سیاسی برای ما مهم است آن است که پیرو تقلید نیستند. چون بقای بر میت را مجاز می‌دانند، خود و هم‌کیشان خود را ملزم به داشتن کتاب «من لا یحضر» شیخ صدوق می‌کنند و به این ترتیب به شیخ صدوق اقتدا می‌کنند. اثر عملی این اقتدا آن است که سایر شیعیان را با این سؤال و چالش مواجه می‌کنند که اساساً چرا باید تقلید کرد. این چالش جماعت اصولی و متشرع را به سمت تعصب بر روی مراجع سوق می‌دهد اعم از نجف و کربلا یا قم و تهران؛ که در نهایت خود این تعصب منتهی به نوعی تفرق می‌شود. اثر عملی دوم اینکه بالاخره مردم ناچارند به علمای اخباری مراجعه کنند و این رجوع خود موجب ایجاد شبه مرجعیت محلی می‌شود. این مرجعیت محلی خصوصاً در بحرین بسیار حائز اهمیت است و سایر کشورهای عربی و به خصوص

نهادهای حکومتی از ایجاد مرجعیت محلی استقبال می‌کنند و ترجیح می‌دهند دارالاقواف شیعی و جعفری را به اخباریون واگذار کنند. چون چالش و درگیری داخلی شیعه با شیعه را افزایش می‌دهد.

در فرایند مرجعیت محلی چه اتفاقی می‌افتد که منتهی به اختلافات شیعیان و

استقبال نهادهای حکومتی از این گروه می‌شود؟

به این نکته توجه داشته باشید که اینجا منظور از مراجع محلی شیخیه است که در دسته دوم جای می‌گیرد. شیخیه تقلید را ارجاع به میت می‌دهند و آن را به شیخ صدوق بازمی‌گردانند. اما برای سؤالات پیش‌آمده روزمره به نزدیک‌ترین و دم‌دست‌ترین عالم مراجعه می‌کند. این علمای اخباری خود شبکه‌ای تشکیل داده‌اند که به دو دلیل مورد حمایت حکومت‌ها هستند. این علما یا با عقیده یا به اقتضای منافع برای تقویت شبکه، مخاطب خود را بعد از اخباریون جامعه شیعیان می‌دانند و دائم در حال مباحثه با آن‌ها هستند و به خصوص متشرعین اصولی را به اخباری‌گری دعوت می‌کنند.

یکی از نمودهای بارز این مباحثه و حتی تضاد آن است که بخش زیادی از این گروه علیه مراجع اصولیون (در همه جای عالم) موضع می‌گیرند. پس دولت‌ها به دو جهت از این گروه حمایت می‌کنند. اولاً چون اختلاف داخلی شیعیان بالا می‌رود. ثانیاً شبکه این گروه محلی است و امتداد فرامرزی ندارد پس خیلی راحت قابل کنترل هستند. از طرفی تعامل این گروه با حکومت نه همیشه ولی نوعاً مثبت است و از این تعامل مثبت به عنوان عاملی اعتباربخش جهت مقابله با علمای اصولی استفاده می‌کنند. در بحرین این مسئله بسیار پررنگ است. قبیله‌ی

آل عصفور (عصافیر) در بحرین رابطه‌ی خوبی با رژیم آل خلیفه دارند به‌طوری‌که حتی بعد از سرکوب شیعیان بحرین در اعتراضات ۲۰۱۱ هم روابط حسنه آنها با آل خلیفه به هم نخورد. این رابطه در بحث مرجعیت شیعی و کارکرد سیاسی برای اخباریون مهم است که در نهایت هم منجر به اختلاف با سایر شیعیان می‌شود.

لطفاً دسته دوم یعنی شیخیه را هم کمی معرفی بفرمایید.

این گروه در منطقه شرقی عربستان، کویت، امارات و عمان (کمتر) و بحرین نفوذ دارند. شیخیه را شیخ احمد احسائی تأسیس کرد. اگرچه خاستگاه شیخ احمد شرقیه عربستان بود اما عمدتاً در ایران و کربلا حضور داشت. با این حال فضای علمی احساء را به شدت تحت تأثیر قرار داد. حتی در خود ایران هم به روایتی در دوره‌ای یک چهارم جمعیت شیعیان شیخی بودند.

بر پایه اعتقادات شیخیه دین ۴ رکن دارد. توحید، نبوت و امامت؛ رکن چهارم و یا رکن رابعه در دوران غیبت و واسطه بین امام و مؤمنین است. از این رو این گروه حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیه» را به رکن رابعه ارجاع می‌دهند. در نتیجه اگر کسی رکن رابعه خود را نشناسد و از او تبعیت نکند به مرگ جاهلیت مرده و اسلامش اهمیتی ندارد. بعد از شیخ احمد، سید کاظم رشتی جانشین او شد و شیخیه‌ای که ما امروز می‌شناسیم اساساً حاصل کار سید کاظم رشتی است. چون او بود که اعتقادات شیخیه را سازمان‌دهی کرده و اعتقادات شیخیه را از متشرعه جدا و اعلام کرد رکن رابع همان شیخ احمد بوده است. که در نهایت هم مردود و مهدور الدم و کشته شد.

بعد از مرگ سید کاظم شیخیه به ۴ گروه تقسیم شد. چون ۴ نفر از شاگردانش اعلام کردند رکن رابعه هستند در نتیجه ۴ گروه از جمله بابیه و بعد هم بهائیت حاصل این اختلاف بود. اولین گروه به رهبری ملا محمد خان کرمانی ایجاد شد که بزرگ‌ترین دسته شیخیه را هم ایجاد کرد. او در همان زمان سید کاظم رشتی و زمانی که او در کربلا حضور داشت از کربلا به ایران برگشت و نماینده سید کاظم در ایران بود. بعد از مرگ سید کاظم هم اعلام کرد که من جانشین به حق هستم. فضای غالب شیخیه هم به سمت او رفت. نفر دوم علی محمد باب شیرازی بود که بابیه و بعد هم بهائیت را ایجاد کرد. اما بابیه تا جایی پیش رفت که کلا اسلام را منسوخ و ظهور دین جدید را اعلام کرد.

دسته سوم پیروان اسکوئی‌ها بودند. دسته چهارم تبریزی‌ها بودند. کل مردم احساء پیرو کرمانی‌های بزرگ با اینکه رکن آن در ایران بود، ماندند. این نکته مهمی است که اعراب، رکن رابعه را به یک ایرانی کرمانی برگرداند و نسل اندر نسل هم وفادار ماندند تا این اواخر که رکن رابع به یک نفر از بصره رسید و از اعراب شد و گرنه تا پیش از آن همیشه رکن رابع از ایران بود. احسائی‌ها وفادار به این گروه ماندند اما بحرینی‌ها به سمت تبریزی‌ها رفتند و بعد از مرحوم اسکوئی فردی به نام احقاقی در بحرین رکن رابع این گروه می‌شود. احقاقی‌ها یکی از قبایل بسیار بزرگ بحرین است که بعد از این علمدار شیخیه شدند. این قبیله از قبایل ثروتمند و اصیل بحرین است که از دوره قیمومیت انگلستان مورد احترام آل خلیفه نیز بوده است. به این ترتیب در بحرین صاحب نفوذ شدند. احقاقی‌ها در حال حاضر کارکرد سیاسی ندارند. یعنی عملاً از ۲۰۱۱ موضع قطعی نه‌له و

نه علیه آل خلیفه نداشتند. اما در تحلیل رفتاری احقاقی‌ها دو نکته حائز اهمیت است. اول اینکه حسینه‌ها و مراکز تبلیغی دینی را در بحرین در اختیار دارند که همین مسئله بخشی از شبکه‌ی مبلغین بحرین را تحت الشعاع قرار می‌دهد. دیگر اینکه احقاقی‌ها با مرجعیت در تهران و قم و نجف زاویه دارند. این موضوع در بحرین اثرگذار است. به خصوص در دهه نود میلادی که اهمیت این موضوع در توضیح گروه سوم خواهد آمد.

با تمام نکات جالب توجه دو گروه اول به نظر می‌رسد گروه سوم از اهمیت بیشتری برخوردار است که در مورد هر دو گروه قبلی مطالبی متوقف به توضیح پیرامون این گروه شد؟

بله؛ همه آنچه گفتیم خارج از دایره اصولیون و متشرعین شیعه است که اکثریت شیعیان جنوب خلیج همین گروه هستند. اگرچه هنوز هم در قطیف شیخیه و در بحرین اخباری ادعا می‌کند که اکثریت است. شاید جمع اخباری و شیخیه به اصولی‌ها برسد اما به صورت نسبی و تقسیم به سه مدرسه مسلماً اصولیون بیشتر هستند. اصولیون متشرع، تا دهه ۶۰ و ۷۰ قرن پیش زندگی سیاسی آنچنانی نداشتند، بلکه جزئی از جامعه‌ای بودند که دارای حاکمیت بدوی و حکومت‌های محلی تحت قیمومیت انگلستان داشتند. از این حیث تفاوتی بین شیعه و سایرین در این جوامع نبود. مثلاً هنگام تأسیس کشور امارات در ۱۹۷۱، کسی که پرچم را به دست شیخ زاید می‌دهد که برافراشته کند، یک شیعه به نام محمد مهدی التاجر است که در تأسیس دولت امارات عربی هم نقش داشت. او بعدها مسئول مستشار حقوقی ابوظبی در مسئله اختلافات با قطر بر سر جزایر

می‌شود. پس تا اینجا رد پای از شیعه بودن به عنوان عنصری متفاوت از جامعه، نمی‌بینیم. شیعه جزئی از جامعه است که مثل دیگران هر جا لازم است نقش‌آفرینی می‌کند بدون اینکه شیعه بودنش مطرح باشد.

این مسئله طبیعی به نظر می‌رسد چون خود اهل سنت هم تا اینجا چندان استقلالی در قدرت نداشتند. یعنی تا وقتی که حکومت‌ها محلی بودند و قدرت چندان معنایی نداشته اختلافات این چنینی هم خیلی مطرح نمی‌شد که حالا شیعه قدرت سیاسی داشته باشد یا خیر.

اتفاقاً در این دوره دو حادثه خارجی رخ داد که بستر این تفکیک و اهمیت قدرت سیاسی را برای شیعیان برملا کرد. اولین اتفاق در مصر افتاد. بعد از ترور ناکام جمال عبدالناصر و غیرقانونی شدن اخوان المسلمین این گروه در جهان عرب پراکنده شدند. بخش معناداری از آنها هم در کرانه شرقی شبه جزیره و مشخصاً در قطر، ابوظبی، شارجه و رأس الخیمه ساکن شدند. اما نکته آن است که این اعراب مصری مهاجر به خصوص اخوانی‌ها مدنی‌تر هستند و از این رو آموزش و پرورش این منطقه را در دست می‌گیرند. اتفاقاً همین وجه تمایز اخوان در حوزه خلیج فارس و حوزه شامات بود.

به این ترتیب اخوانی‌های حوزه خلیج فارس پیش‌گام موج دوم سلفی‌گری در این منطقه شدند. موج اول دولت اول و دوم سعودی بود. در دور اول شیعیان از سوی سلفی‌ها تکفیر می‌شدند. اثر حضور تبلیغی اخوانی‌ها در این مناطق هم محدودیت در مناسک شیعیان شد. در حالی که تا پیش از آن در این مناطق شیعیان در اجرای مناسک خود هیچ محدودیتی نداشتند. به این ترتیب اولین

تجارب شعائری شیعیان شکل گرفت. در حالی که حکومت‌های عربستان و بحرین نسبت به شیعیان حساس‌ترند اما شیعیان این مناطق از حیث شعائر به نوعی آزادتر و به نوعی متعصبانه‌تر از شیعیان قطر و امارات هستند. در کویت هم محدودیت نسبت به شعائر باعث می‌شود که شیعیان شعائری شوند. اتفاق دوم هم پس لرزه‌های سیاسی عراق بود که در منطقه مورد بحث خود را نشان داد. بعد از اینکه حزب الدعوه در عراق غیرقانونی شد، برخی از کادرها و اعضای آن وارد حوزه خلیج فارس شده و الهام‌بخش اولین جنبش سیاسی شیعی در حوزه خلیج فارس می‌شوند. تا پیش از این جنبش سیاسی و یا حداقل حزب سیاسی به معنای مدرن آن در بین شیعیان این منطقه نداشتیم. تا پیش از این هرکسی از شیعیان که وارد سیاست شده بود هویت شیعی را چندان در سیاست‌ورزی‌اش دخیل نکرده بود و افرادی مثل غباش عمدتاً سیاست وطنی را پی گرفتند و افرادی مثل محمد مهدی التاجر هم که پیشتر اشاره شد حتی وطنی هم نبود و اساساً بحرینی تبار بود ولی برای ابوظبی کار می‌کرد. سیاست بین شیعیان تا قبل از الدعوه به مثابه حرفه مطرح بود.

پس به نوعی این دو حادثه خارجی دو اثر سلبی و ایجابی بر شیعیان داشت؛ یعنی اولی با محدود کردن، آن‌ها را به حرکت سیاسی واداشت و دیگری به نوعی مشوق و راهنمای رفتار سیاسی بود. آیا می‌توان گفت همان کاری را که اخوانی‌ها در بین اهل سنت حوزه خلیج از حیث انتقال مدنیت داشتند، الدعوه برای شیعیان ایفا

کردند؟

در واقع الدعوه‌ای‌ها متشروع و مروج مرجعیت نجف بودند، در عین اینکه خود نگاهی انتقادی نسبت به نجف داشتند. برای تصور این پارادوکس می‌توان چند مورد از الدعوه‌ای‌های ایران را در ذهن تجسم کرد. مثلاً آقای تسخیری، که مروج مرجعیت است. در مقابل عادل رئوف به شدت کینه مرجعیت را در دل دارد. رابطه بین مرجعیت و الدعوه بحث مبسوطی است اما در حوزه خلیج فارس الدعوه‌ای‌ها مقلد مرجعیت نجف بودند. اما این دو حادثه در ابتدای دهه‌ی هفتاد بود و اثرگذاری آن تا پایان دهه‌ی هفتاد بر روی اهل سنت و شیعیان حوزه خلیج ادامه داشت. ولی پایان دهه‌ی هفتاد هم با دو حادثه مهم و باز هم خارجی دیگر و تأثیرات خاص خود همراه شد. اول؛ پیروزی انقلاب اسلامی است که یک فقیه شیعی توانست یک نظام سیاسی تأسیس کند. این در حالی بود که در حوزه خلیج مرجعیت شیعی با نجف بود و قم موضوعیتی نداشت. اما انقلاب اسلامی گواه آن شد که قم از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند نظام تأسیس کند. نتیجه آنکه در کل حوزه خلیج فارس که شیعیان با نظام خود زاویه داشتند مثل عربستان و بحرین و در درجه بعد کویت، توجه ویژه‌ای به قم و تهران ایجاد شد به طوری که حتی عده‌ای از دريچه تقلید مرجعیت حضرت امام را پذیرفتند. حادثه بعدی قلع و قمع شیعیان در عراق به دست صدام بود. در این دوران شیرازی‌ها هم از عراق اخراج می‌شوند. سید حسن شیرازی راهی دمشق می‌شود و سید محمد شیرازی هم به کویت می‌رود. با ورود سید محمد شیرازی به کویت، کویت به مرکز علمی شیعیان حوزه خلیج فارس تبدیل شد. چون ایشان مرجع و مرجع‌زاده بودند از حیث علمی وزنه مهمی در کویت محسوب می‌شد. در ابتدای دهه‌ی

هشتاد قیام شهید محمد باقر صدر منتهی به شهادت ایشان شد. اقوالی از ایشان منتشر شد که به حضرت امام (ره) ارجاع می‌شد. از طرفی سید محمد شیرازی هم با تأخیر به دیدار امام در تهران می‌آید و روابط حسنه می‌شود. جمهوری اسلامی هم که به سمت کادرسازی نهضت‌ها می‌رود.

با همه این درهم‌تنیدگی حوادث دهه‌ی هفتاد، خروجی این همه تغییر و تحول از
 حیث جریان‌ات سیاسی در بین شیعیان این منطقه چه بود؟

با نگاهی به اوایل دهه‌ی هشتاد و بعد از این حوادث می‌توان جریان‌های سیاسی شیعی را حول سه محور در نظر گرفت: ۱. الدعوه‌ای‌ها که به شهید محمد باقر صدر می‌رسیدند. ۲. شیرازی‌ها به مرکزیت کویت. ۳. جریان‌ات منتسب به حضرت امام و انقلاب اسلامی. اما با آغاز دهه ۸۰ همه این‌ها در قم تجمع شدند و این یک واقعیتی بود که آثار میدانی آن در حوزه خلیج فارس کاملاً هویدا بود. چون اقبال به جنبش‌های انقلابی‌گری که از نظر گفتمانی، روحی و معنوی متأثر از ایران بود، زیاد شد. از طرف ایران هم، نهضت‌های آزادی‌بخش شهید منتظری بود که در پی ارتباط‌گیری و سازمان‌دهی این گروه‌ها برآمد.

با این وجود علت چیست که الآن به نظر نمی‌رسد که خیلی ارتباطات محسوسی
 بین جریان‌ات داخلی و حوزه خلیج وجود داشته باشد؟

بعد از تجمع این گروه‌ها در قم خیلی هم اوضاع خوب پیش نرفت و حوادث مختلفی روی داد که سرمنشأ اختلافات و انشقاق شد. یعنی آن همگرایی چندان دوام نیاورد. اولین اتفاق ناگوار در دهه ۸۰ میلادی، محدودیت‌هایی بود که در قم و سایر نقاط ایران نسبت به سید محمد شیرازی و اطرافیان و شاگردان ایشان

ایجاد شد. حتی شهید نمر مدرسه علمیه‌ای در اطراف تهران داشت که توسط حکومت ایران تعطیل شد! برخی رخدادهای امنیتی در داخل ایران، همچون مواجهه نادرست با نهضت‌ها منجر به اتفاقاتی از جمله حصر سید محمد شیرازی و حتی شهید نمر شد؛ به طوری که ایشان از ایران فرار کردند و به دمشق پناهنده شدند. با وجود این رفتارها سر اعدام ایشان به سفارت عربستان حمله می‌کنیم و این همه اختلاف ایجاد می‌شود!

این رفتارها به شکل مسلم تأثیر خود را بر شیعیان حوزه خلیج گذاشت، کما اینکه در سایر نقاط هم گذاشت، اما اینجا بیشتر بود. این حوادث باعث شد که همگرایی اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد تبدیل به واگرایی شود. شیرازی‌ها با جمهوری اسلامی دچار اختلاف می‌شوند. بسیاری از کسانی که امروز به عنوان علمای شیعه در حوزه خلیج می‌شناسیم کسانی هستند که در ایران دچار محدودیت شده بودند. از طرف دیگر جریان متأثر الدعوه وفادار به انقلاب اسلامی ماند. بعد از حوادث عراق و تأسیس مجلس اعلا، این مجلس سیاست‌های منطبق‌تری با تهران داشت. بعد از تشکیل سازمان و سپاه بدر و ورود ایران به خاک عراق، الدعوه تبدیل به جریانی می‌شود که متحد با ایران است اما منطبق با ایران نیست. لذا به نوعی سه‌گانه پیشین شکل گرفت و در این دوره شیرازی‌ها تحت عنوان رسالیون شناخته شدند. ویژگی مشترک هر سه جریان، گرایش‌های اسلام سیاسی با چاشنی انقلابی‌گری علیه نظام‌های وقت است. اما در درون خود دچار تضادهایی هستند که به شدت انرژی‌ها را تحلیل می‌برد. به طوری که از

دهه‌ی هشتاد میلادی افول نسبی در جنبش‌های سیاسی شیعی آغاز می‌شود که از لحاظ گفتمانی قوی اما از نظر سازمانی و توان عمل سیاسی ضعیف هستند.

در ابتدای صحبت‌ها به گروهی از شیعیان اشاره کردید که با حکومت‌های خود ارتباطات حسنه‌ای داشتند؛ وضعیت این گروه از نظر سیاسی بعد از این حوادث

هیچ تغییری نکرد؟

با سفر آقای حکیم به امارات انتظار می‌رفت گرایش‌هایی به بدر ظهور کند، اما برعکس دوره‌ی جدیدی از گرایش‌های استقراری ایجاد می‌شود. استقراری‌ها از لحاظ فقهی نجفی هستند و در قامت مدافعین وضع موجود و نظام حاکم برمی‌آیند. یک فرض این است که این گروه در واکنش به سه قطبی شدن فضای انقلابیون شکل گرفته‌اند. کلاً باورشان این بود که نیازی به تأسیس نظام سیاسی شیعی نیست. باید با حکومت موجود کار کرد و در عین حال مناسک و هویت شیعی خود را هم حفظ کنیم. این گرایش تا دهه‌ی نود بین شیعیان محدود مثل عربستان تا شیعیان آزادتر مثل امارات گرایش پرونقی هم می‌شود.

آیا حوادث سیاسی داخلی و خارجی که در دو دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ اشاره کردید بر دسته‌بندی اولیه هم تأثیرگذار بود و این نسبت را به هم زد یا خیر؟ به خصوص که جامعه شیعیان با پدیده جدیدی به نام سیاسی‌گری روبه‌رو شده بودند؟

به نوعی در پایان دهه‌ی ۸۰ مجدد می‌توان جریان شیعه حوزه خلیج فارس را چنین تقسیم‌بندی کرد؛ از یک منظر به سه دسته شیخیه، اصولیون متشرع و اخباریون متشرع. از منظر سیاسی هم به دو دسته کلی، استقراری (مخالف نظام‌سازی و تقابل با حکومت و موافق تعامل با حکومت وقت هستند) و انقلابی.

خود انقلابیون به دو گروه سکولار و اسلام‌گرا تقسیم می‌شوند که سکولارها عمدتاً چپ بودند. اما انقلابیون اسلام‌گرای شیعی به سه دسته کلی تقسیم شدند. اول؛ امتداد الدعوه بودند و بارزترین ویژگی این گروه آن است که بیش از آنکه تأکید بر مدل حکومتی داشته باشند بر قوانین و ساختار اسلامی تأکید دارند. به طوری که بحث ولایت فقیه به ندرت در نظریات این گروه به چشم می‌خورد و مروج مرجعیت نجف هستند. دوم؛ طرفداران نظام ایران و مروج ولایت فقیه هستند. سوم؛ جریان‌های شیرازی‌ها که تأکید به حکومت دینی دارند اما نسبت به نظام ایران نه تنها موضع همراهی ندارند بلکه بعضاً موضع تقابلی صریح را دارند. بخشی از تقابلی‌های این گروه بحث شورای فقها را هم مطرح می‌کنند. جریان سوم در ادبیات خود موضوع استبداد دینی را در کنار استبداد طاغوت مطرح می‌کنند.

ویژگی بارز جریان‌های انقلابی اسلام‌گرا، نسبتشان با جمهوری اسلامی و نگاهشان

به ولایت فقیه است؟

اگر سیر جریان‌های سیاسی که تا اینجا ذکر شد را بازخوانی کنیم این مسئله طبیعی است. چون همانطور که پیشتر ذکر کردم یکی از عوامل تأثیرگذار در بیداری سیاسی جریان‌های شیعی در حوزه خلیج فارس انقلاب اسلامی ایران بود. با این حال باید توجه داشت که اکثر جریان‌های مرتبط و متمایل با ایران در دهه‌های هفتاد و ابتدای دهه‌های هشتاد جریاناتی بودند که به جنبش‌های آزادی‌بخش مهدی هاشمی متصل می‌شدند. طبعاً با داستانی که مربوط به جانشینی رهبری و بعد هم

جدا شدن آیت‌الله منتظری و اعدام شدن مهدی هاشمی پیش آمد، این معادلات خیلی تغییر کرد. خصوصاً در حجاز و سرنوشت حزب‌الله حجاز که مشهور است. با آنچه از اتفاقات جامعه شیعی در این دو دهه توضیح دادید درواقع هنوز هیچ یک از جریان‌ات ثبات نگرفته‌اند که بشود آن‌ها را به عنوان یک جریان مدنظر و مورد بررسی قرار داد؟ در دهه‌ی نود چه سیری داشتند و آیا به ثبات نسبی رسیدند؟

در ایران تقریباً همین تفکر جاری است که عمده این جریان‌ها از دهه‌ی نود به بعد قابلیت بررسی دارند چون زمینه‌هایی که تا حدودی ذکر شد ناشناخته‌تر است. اما آشنایی با این زمینه‌ها در تحلیل این گروه‌ها بسیار مؤثر است. با این حال این تغییر و تحولات همچنان ادامه داشت. ابتدای دهه‌ی نود هم با دو حادثه برای جریان‌ات شیعی همراه بود. اول حمله و اشغال کویت توسط صدام و آزادسازی آن توسط ائتلاف بود. این رویداد نظم منطقه را کلاً به هم ریخت و معادلات زیادی هم ایجاد شد که بخشی از آن به جنبش‌های سیاسی شیعی مرتبط می‌شود. اولاً اینکه عراق منطقه پرواز ممنوع اعلام شد و عملاً ارتباط عراق با کشورهای حاشیه خلیج قطع شد. که این یعنی ارتباط شیعیان با نجف تا حدود زیادی از این حادثه متأثر و محدود و به نوعی قطع شد. از طرف دیگر با فروپاشی شوروی گرایش‌های انقلابی و تغییر نظام بسیار فروکش کرد. به خصوص که از دهه‌ی نود به بعد دوران شکوفایی اقتصادی نسبی حوزه خلیج فارس هم هست که به نوعی نمایی از کارآمدی حکومت‌هاست. این موضوع نیز بر کاهش گرایش‌های انقلابی تأثیر گذاشت. به این ترتیب به جز بحرین و عربستان (منطقه

شرقیه) که شیعیان با حکومت مشکلات پایه‌ای داشتند، در بقیه مناطق کلا گرایش انقلابی شیعیان رو به افول گذاشت.

با این فرایندی که از سه دهی آخر قرن پیش ترسیم کردید و با در نظر گرفتن اوضاع منطقه در آغاز قرن جدید به خصوص عراق، احتمالاً این جریانات انقلابی

شیعی در قرن جدید مجدد رشد نکردند؟

بله ورود آمریکا به منطقه تأثیرگذار بود اما پیش از آن حوادث داخلی بر جریانات تأثیر گذاشت ولی باعث احیای انقلابی‌گری مانند دهی هفتاد نشد. از جمله حوادث داخلی تغییرات حاکمان در حوزه خلیج فارس بود. در عربستان امیر عبدالله و لیعهد، ملک عبدالله شد؛ اگرچه از چند سال آخر دوران ولیعهدی یعنی تقریباً از سال ۱۹۹۷ همه کاره شده بود و زمام امور دست او بود. با این حال جانشینی او تغییرات مهمی به همراه داشت. در طرف دیگر مرگ ملک عیسی در بحرین بود که منجر به پادشاهی حمد بن عیسی شد. حمد در آغاز حکومت اصلاحات سیاسی را در پیش گرفت. در امارات شیخ زاید مرد. در قطر هم که حمد بن خلیفه در سال ۱۹۹۴ کودتا کرده بود و حکومت به نوعی تازه بود. در مجموع تقریباً به جز سلطان قابوس همه حاکمان حوزه خلیج فارس با ورود به قرن جدید تغییر کردند و حاکمان در امور سیاست داخلی جدید رویکرد اصلاح‌طلبانه‌ی نسبی داشتند. این نگاه اصلاح‌طلبانه زمینه را مساعد واکنش به حضور آمریکا در منطقه کرد. مجاهدین عرب افغان بعد از فتح کابل الگوی جذابی شدند. شعاع عملیاتی القاعده هم به شبه جزیره رسید. این یعنی اینکه دیگر خطر امنیتی، گروه‌های انقلابی شیعه نیستند بلکه خود القاعده یک خطر امنیتی

محسوب می‌شود که از درون جامعه سنی سلفی بیرون آمده است. این در حالی است که اخوان هم تبدیل به خطر بزرگی برای این حکومت‌ها شده است. به این ترتیب جنبش‌های سلفی باعث می‌شود احساس خطر نسبت به جنبش‌های شیعیان به حاشیه برود. البته همه‌ی اینها را بگذارید کنار این قضیه که جنبش‌های اصلاح‌طلبانه به داخل ایران هم رسیده است.

کم شدن احساس خطر نسبت به جریان‌های شیعی و سایر حوادثی که مطرح کردید چه تأثیری بر روی جریان‌ات سیاسی شیعه گذاشت؟

این عوامل باعث ظهور جریانی جدید شد که حدفاصل بین انقلابیون و استقراریون بودند که شاید بتوان نام اصلاحیون را بر روی این گروه گذاشت. این جریان نوظهور مهم‌ترین رسالت خود را تلاش برای احقاق حقوق شهروندی شیعیان تعریف می‌کند اما مبنای آن‌ها ارتباط با حاکمیت و قدرت‌های غربی است. در درجه‌ی بعدی ایده‌آل این جریان دموکراسی بود. این گرایش متأخرترین گرایش بود که به نوعی از دل حوادث قرن جدید بیرون آمد. اگرچه هنوز وجود این گروه از سوی رسانه‌های خلیج انکار می‌شود و تلاش می‌کنند بر وجود دوگانه استقراریون و انقلابیون بین شیعیان تأکید کنند.

در حال حاضر وضعیت جریان‌های دیگر چگونه است؟ چه از نظر اوضاع داخلی این جریان‌ها و روابطشان با حکومت‌هایشان و چه روابط با جمهوری اسلامی ایران در چه شرایطی هستند؟

درباره‌ی جریان شیرازی‌های دوران سید محمد که شرح ماوقع شد که یکی از جریان‌ات انقلابی هم بود. اما بعد از سید محمد شیرازیون به سه قطب لندن،

سید صادق و آقای مدرسی منشعب شدند. مدرسی‌ها انقلابی ماندند. شاخص‌ترین چهره این گروه شهید نمر و سید هادی مدرسی از جنبش امل در بحرین بودند. امل بحرین در سال ۲۰۰۲ بعد از اصلاحات بن عیسی وارد حکومت شدند و در انتخابات پارلمان هم شرکت کردند اما ۲۰۰۶ متوجه شدند که اصلاحات سطحی بوده و قابل قبول نیست در نتیجه در این سال دیگر در انتخابات شرکت نکردند. تا به امروز مدرسی‌ها بارزترین جریان انقلابی شیعی در عربستان و بحرین هستند. در کویت جریان شیعی انقلابی نداریم اما آقای دشتی از این نظر انقلابی محسوب می‌شود که مروج و مدافع انقلابیون بحرینی است و به نوعی می‌توان گفت امتداد مدرسی‌ها در کویت است. با توجه به اینکه مدرسی‌ها انقلابی‌ترین جریان شیعی محسوب می‌شوند پس طبیعتاً معارض با حکومت‌های خود هستند و رابطه‌ی خوب و نزدیکی با نظام جمهوری اسلامی ایران دارند.

ارتباط این گروه با جریانات اهل سنت در جوامع خودشان چگونه است؟

رابطه مدرسی‌ها با اهل سنت را ابتدا باید از لحاظ اجتماعی بررسی کرد. از آنجایی که عمده نفوذ این گروه در بحرین و منطقه شرقیه عربستان است، در این مناطق رابطه اجتماعی بین شیعه و سنی به عللی دچار آسیب‌هایی هست. چون حکومت سنی از اکثریت شیعیان این منطقه می‌ترسد. در نتیجه درصدد تغییر ترکیب جمعیتی این مناطق برآمده است. پس حاکم که سنی است، شیعیان را تهدید بالقوه می‌داند. برای حل این مشکل یکی از راه‌ها تفکیک دموگرافیک مناطقی است که اکثریت شیعه را دارد. در بحرین صراحتاً از عنوان «تجنیس» استفاده می‌کنند که در آن خارجی تابعیت می‌گیرد. در مرحله اول موج گسترده‌ای

به اعراب سنی در بحرین تابعیت داده شد. اما الآن از اعراب هم فراتر رفته و به پاکستانی‌ها تابعیت بحرینی می‌دهند تا ترکیب جمعیتی به نفع اهل سنت تغییر کند. خوب این طبیعی است که بین شیعه بحرینی با اهل سنتی که برای تقابل با او تابعیت بحرینی گرفته است تضادی ایجاد شود. اما دومین تضاد این است که چون حکومت از اکثریت شیعیان واهمه دارد آنها را در هیچ یک از نهادهای امنیتی و نظامی حتی در حد پلیس استخدام نمی‌کند. حتی در نهادهای خدماتی دولتی هم معمولاً تبعیضی به نفع اهل سنت وجود دارد. خب مسلم است که وقتی شیعه‌ی اکثریت تهدید امنیتی محسوب شود و ساختارهای امنیتی در اختیار سنی اقلیت باشد، به تضاد اجتماعی و شکاف شیعی - سنی در بحرین و بخش شرقیه عربستان منتهی شده است. به خصوص این شکاف در رابطه میان مدرسی‌ها به عنوان جریان انقلابی شیعی و اهل سنت بروز بیشتری دارد. اما از نظر گفتمانی هیچ نقطه منفی بینشان وجود ندارد.

وضعیت دو گروه دیگر شیرازی (لندنی و سید صادق) چگونه است؟

الآن جریان سید صادق شیرازی در عربستان دیگر به عنوان جریان سیاسی به حساب نمی‌آیند. سید منیر که از پایه و اساس مروج مرجعیت آقای سیستانی است. اما شخصیت‌های شیرازی مثل سید حسن صفار در قطیف و احساء به اصلاحات گرایش پیدا کرده‌اند. در کویت که این مسئله گرایش شیرازی‌ها به اصلاحات کاملاً بارز است. این گروه همانطور که درباره‌ی اصلاحیون توضیح داده شد روابط خوبی با حکومت‌های خود دارند. اما برای بسط حقوق شیعیان تلاش می‌کنند. در صحبتی که بیش از ده سال پیش با آقای صفار داشتم ایشان

گفتند: «ما تا انتهای انقلابی‌گری رفتیم؛ نادم هم نیستیم، اما متوجه خلأهای مبارزاتی آن دوره شدیم. الآن اعتقاد دارم حقوق شیعیان به این صورت محقق می‌شود که هر دو گروه اصلاحی و انقلابی وجود داشته باشد و ما دو لبه‌ی یک قیچی هستیم که به هم نیاز داریم؛ برای آنکه بتوانیم حقوق جامعه شیعه را محقق کنیم؛ اما یک دست صدا ندارد.» من این تعبیر را یازده سال پیش از ایشان شنیدم اما در طول دهه‌ی گذشته دیدم که تعبیر به‌جایی در تحلیل اوضاع پرفراز و نشیب این دهه بوده است. با نگاه به عربستانی که به نوعی بهار عربی را دید، با قیام عوامیه مواجه بود؛ علامه شهید نمر را به شهادت رساند. واقعاً این تعبیر، تعبیر هوشمندانه‌ی به نظر می‌رسد. ولو اینکه جوان‌های تندی یک طرف را بکوبد و یک طرف را بالا ببرد اما این تعبیر درست بود. پس در کل جریان سید صادق به سوی اصلاحات رفت و الآن هم که مرکزی در واشنگتن برای پیگیری حقوق بشر شیعه تأسیس کرده‌اند.

وضعیت جریان آقای سیستانی چگونه؟

من جریانی به نام جریان آقای سیستانی در حوزه خلیج نمی‌شناسم. به تعبیر بهتر جریان سیاسی تحت عنوان سیستانی در حوزه خلیج وجود ندارد. در عین حال باید تأکید کرد از عوامیه تا مسقط و العین بالاترین آمار مقلدان را آقای سیستانی دارد. اما جریان سیاسی تحت این عنوان نداریم. و البته باید متذکر شویم که در عراق این جریان سیاسی وجود دارد اما در حوزه خلیج خیر. نکته دیگر اینکه بین سه جریان عنوان شده (انقلابیون، اصلاحیون و استقراریون) مقلدان آقای سیستانی هستند اما نمی‌توان آنها را تفکیک کرد و جریان سیاسی نامید.

آیا جریان‌ات نزدیک به جمهوری اسلامی ایران هم به طور مجزا قابل شناسایی

هستند؟

شاید نزدیک‌ترین جریان، الوفاق بحرین باشد که یک جریان اصلاحی است. اما بعد از ۲۰۱۲ آنقدر فضای سیاسی برای فعالیت در بحرین تنگ شده که فعالیت این جریان هم به حداقل ممکن رسیده است. رابطه‌ی انقلابیون و جریان‌ات دیگر با جمهوری اسلامی در حد تعامل است. حزب‌الله حجاز و کویت که عملاً کارشان تمام شده است. واقعیت آن است که بسیاری از شیعیان که انقلابی بودند در ده سال اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که بدیل حاکم فعلی یک نظام تندتر است پس دلیلی ندارد که علیه او قیام کرد. جریان‌ات سکولار که در بحرین و عربستان بسیار فعالند و روی حقوق بشر کار می‌کنند، از این منظر به سیاست‌های ایران نزدیکند.^۱

^۱ <https://shouba.ir/شناسی-سیاسی-شیعیان-خلیج-فارس/%۲۰c۸/%۸۰٪/جریان>

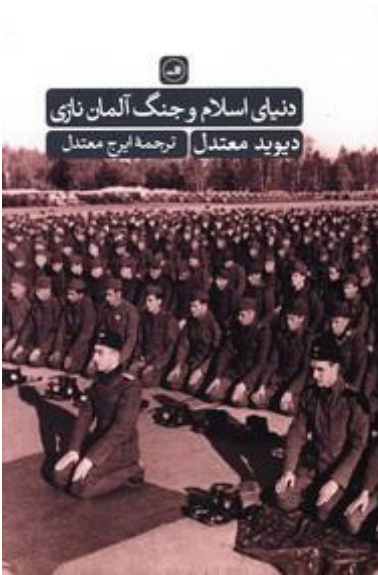


بخش پنجم: منشورات

هیتلر و اسلام

به قلم: مهدی تدینی

آنچه در ادامه می‌آید بریده‌ای ویراسته از کتاب «دنیای اسلام و جنگ آلمان نازی» به قلم دیوید معتدل و ترجمه ایرج معتدل است. این کتاب با بررسی دقیق انبوهی از اسناد، روابط آلمان نازی با مسلمانان را در دوران جنگ جهانی دوم تبیین کرده است. ترجمه این کتاب در سال ۱۳۹۸ به همت نشر ثالث در ۵۸۸ صفحه منتشر شده است.



بیش از آنچه گمان کنید هیتلر از اسلام تعریف می‌کرد، شیفته این دین بود و مسیحیت را در مقابل به سخره می‌گرفت. می‌گفت: «احکامی که تکلیف می‌کند انسان‌ها غسل و وضو کنند، از برخی نوشیدنی‌ها اجتناب کنند، با طلوع آفتاب برخیزند و سر مناره روند، همه تکالیفی است که افرادی هوشمند وضع کرده‌اند». می‌گفت:

«اسلام می‌تواند مرا هم شیفته بهشت کند». می‌گفت: «توجه کنید اسلام به فرد

مسلمان بهشتی وعده می‌دهد که حوریان در آن ساکنند و نهر شراب جاری است» و در مقابل مسیحیت هیچ وعده‌ای نمی‌دهد! قضیه وقتی بهت‌آور می‌شود که هیتلر حتی افسوس می‌خورد که چرا اسلام در قرون وسطا اروپا را فتح نکرد!

این شیفتگی فقط در هیتلر نبود! هاینریش هیملر، فرمانده کل اس‌اس (گردان حفاظتی حزب نازی)، هم علاقه عجیبی به اسلام داشت؛ اسلام را دینی قهرمانانه می‌دانست و در مقابل مسیحیت را خوار می‌شمرد. پزشک شخصی او، فلیکس کِرسْتِن، نظر هیملر درباره اسلام را کامل شرح داده است. کِرسْتِن می‌گوید، هیملر پیامبر اسلام را یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ جهان می‌دانست و کتاب‌های زیادی درباره پیامبر داشت. هیملر به کِرسْتِن گفته بود قصد دارد پس از پایان جنگ به کشورهای اسلامی رود و مطالعاتش را ادامه دهد. هیملر معتقد بود اسلام دینی مردانه و سربازمسلک است و مسلمانان چون می‌دانند پس از مرگ از آنها استقبال می‌شود از مرگ نمی‌هراسند و به میدان جنگ می‌شتابند، زیرا در آن دنیا حتی از زنان بی‌نصیب نخواهند بود. هیملر می‌گوید، «حکمت عمیقی» در پس این نگرش نهفته است، زیرا «دین باید به زبان مردانی حرف بزند که خطابشان قرار می‌دهد». هیملر مسیحیت را نقد می‌کرد که چرا هیچ وعده‌ای به رزمندگانی که در جنگ جان می‌بازند نمی‌دهد؟! می‌گفت اسلام «بسیار دین معقولی است» و برای هر روز مؤمن برنامه دارد.

کِرسْتِن تعریف می‌کند هیملر پاییز ۱۹۴۴ در ستاد فرماندهی‌اش در فنلاند دچار معده‌درد شدیدی شده بود و او را برای معاینه احضار کرد. وقتی کِرسْتِن وارد اتاق شد هیملر از درد به خود می‌پیچید و «قرآنی بر میز کنار تخت بود».

هیملر هم تأسف می‌خورد که ای چرا سپاهیان ترکان عثمانی اروپا را در قرن هفدهم تصرف نکردند. اما چه استدلالی در پس این تصور هیملر نهفته بود که اجازه می‌داد چنین اندیشهٔ خائنه‌ای نسبت به سنت اروپا داشته باشد؟ او معتقد بود اگر ترکان کل اروپا را می‌گرفتند «کلیساها به طور کامل سیاست‌زدوده می‌شد، زیرا ترکان به لحاظ دینی اهل مدارا بودند، آن‌ها می‌گذاشتند هر دینی برقرار باشد، فقط آن دین باید کاملاً غیرسیاسی می‌شد و گر نه کلکش کنده بود.» اما این یعنی چه؟ توضیح آن را می‌توانیم از زبان گوتلوب برگر، دست راست هیملر در اس‌اس مسلح، بشنویم. برگر هم همین نظرات را دربارهٔ اسلام داشت و معتقد بود: اگر اسلام بر اروپا پیروز شده بود، فرهنگ ژرمن حفظ می‌شد و «مسیحیت جهود» در کل اروپا دامن نمی‌گستراند و در نتیجه آلمان امروز فرهنگی ژرمن داشت، نه یهودی!

امین الحسینی، مفتی بیت‌المقدس که برای دفاع از فلسطین در برابر مهاجرت یهودیان دوشادوش آلمانی‌ها در جنگ مشارکت داشت، بارها دربارهٔ اسلام با هیملر صحبت کرده بود و او نیز از ایده‌های هیملر نسبت به اسلام به وجد آمده بود. او نقل می‌کند که هیملر می‌گفت جنگ‌های مذهبی میان کاتولیک و پروتستان باعث شد جمعیت آلمان از ۳۵ میلیون به ۵ میلیون کاهش یابد و به باور او فقط دو راه برای رهایی از این خونریزی بزرگ وجود داشت که اروپا هر دو را از دست داد: یکی وقتی اعراب از اندلس به اروپا یورش بردند و یک بار وقتی ترکان عثمانی از شرق به دروازهٔ وین رسیدند. او تأسف می‌خورد چرا اروپاییان به جای تسلیم در برابر اسلام در برابر آن جنگیدند.

بزرگ‌ترین پرسش این است که پس آن نژادباوری سخت‌سرانه نازیسم چه می‌شود؟! مگر نباید هیتلر به عنوان یک نژادباور به اسلامی که ریشه عربی (سامی) داشت به دیده تحقیر می‌نگریست؟ پاسخش این است که او میان دین و نژاد تمایز می‌نهاد. آلبرت اشپر، معمار محبوب هیتلر و کسی که در اوج جنگ وزیر تسلیحات و مهمات آلمان بود، با مرور عقیده هیتلر درباره اسلام پاسخ این پرسش را می‌دهد. او می‌گوید، هیتلر باور داشت اگر اعراب با یورش از اندلس اروپا را می‌گرفتند اکنون جهان مسلمان بود. اما چون ژرمن‌ها برتری نژادی داشتند، اعراب فاتح را کنار می‌زدند و خود حاکم می‌شدند و در نتیجه امروز ژرمن‌های مسلمان بر جهان حاکم بودند! هیتلر با تأسف می‌گوید: «متأسفانه دینی غلط داریم... دین محمد برای ما بسیار بهتر بود تا مسیحیت با این بردباری کرختش.»^۱

^۱ <https://t.me/tarikhandishi/۱۴۰۷>